

نورا از اثربخش ترین واکسن های جهان

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۲۹ | دوشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۰ | ۱۵ جمادی الاول ۱۴۴۳ | ۲۰ دسامبر ۲۰۲۱ | ۱۶ صفحه

دکتریدالله جوانی

۲
سرمقاله

پرده جدید جنگ روایت ها

مهدی سعیدی

۳
دیدگاه

جای خالی الگوی مطالبه گری

میشم مهرپور

۶
بازار

بودجه در مسیر اصلاح

رمز گشایی صبح صادق از اهرم طرف های غربی در مذاکرات هسته ای

جنگ دیپلماسی

سیامک باقری

عضو شورای سیاست گذاری صبح صادق



دولت ها میز مذاکرات را میز جنگ دیپلماسی می دانند. بنابراین، اگر هر یک از آنها اهرم و قدرت بیشتری داشته باشند، امتیاز بیشتری را به دست خواهد آورد. راهبرد و تاکتیک ها در مذاکرات نیز بسته به داشته های طرفین مذاکره است. از این رو، در مذاکرات، هر طرفی که اهرم فشار بیشتری در مذاکرات داشته باشد، در مذاکرات دست برتر را خواهد داشت. در کشور ما برخی معتقدند، طرف های غربی در مذاکرات برجامی اهرم های قدرتی دارد که ایران راهی جز تسلیم ندارد. برخی دیگر هستند که به اهرم های قدرت طرف های غربی اذعان دارند؛ ولی معتقدند اگر ایران بیش از حد بر خواسته های خود پافشاری کند، متضرر می شود؛ بنابراین تنها گزینه ایران تقلیل خواسته هایش است. اگرچه تجربه مذاکرات دلایل این رویکردها را سست و باطل کرده است. با وجود این، این افراد بدون در نظر گرفتن شرایط جدید همچنان مواضع خود را ترویج می دهند. حال باید دید که طرف های غربی چه اهرمی دارند و آیا این اهرم ها در شرایط نوین کارکردهای اصلی اش را دارد؟ اساسی ترین اهرم های قدرتی که تاکنون طرف های غربی در قبال برنامه هسته ای ایران به کار گرفته اند، عبارت بودند از: تحریم، حمله نظامی، آژانس بین المللی انرژی اتمی و قدرت رسانه.

تحریم با پشتوانه قدرت اقتصادی آمریکا بزرگ ترین اهرم فشار این کشور در قبال کشورهای مختلف است. طبق گزارش نشریه هیل، تنها وزارت خزانه داری آمریکا طی ۲۰ سال گذشته حدود ۱۰۳۴۱ تحریم علیه افراد و کشورها اعمال کرده است؛ یعنی از ۹۱۲ تحریم در سال ۲۰۰۰ به ۹ هزار و ۴۲۱ تحریم در سال ۲۰۲۱ رسیده است. با وجود این، اکنون بیشتر کارشناسان آمریکایی و اروپایی اتفاق نظر دارند که تحریم های حداکثری این کشور علیه ایران کاملاً شکست خورده و بی اثر شده است. افزون بر اینها، مقامات این کشورها نیز به این واقعیت اذعان دارند؛ برای نمونه رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران تصریح دارد که فشار حداکثری علیه ایران به طرز وحشتناکی شکست خورده است. البته منظور آنها از شکست بزرگ این است که آمریکا از طریق فشارهای فلج کننده یا حداکثری به هدف های خود دست نیافت؛ مهم ترین اهداف آمریکا مهار پیشرفت هسته ای ایران، مهار نفوذ قدرت ایران در منطقه، بی ثباتی سیاسی در داخل ایران و در نهایت تن دادن ایران به خواسته های فرابرجامی آمریکاست. این امر سبب شد تا کارشناسانی مانند توماس فریدمن، اعلام کنند: «تصمیم ترامپ در خروج از برجام و اتخاذ فشار حداکثری یکی از احمقانه ترین، کوتاه فکرانه ترین و زیان بارترین تصمیمات امنیت ملی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد بوده است.»

تهدید نظامی نیز سال هاست اعلام می شود که برای مهار هسته ای ایران و نفوذ روزافزون منطقه ای ایران نتیجه بخش نیست. اعتراف تاریخی فرمانده مستکام درباره قدرت موشکی و سامانه های بدون سرنشین ایران یکی از موارد اخیر ضعیف شدن کاربرد قدرت نظامی علیه تأسیسات هسته ای ایران است. مقامات سیاسی نظامی رژیم صهیونیستی نظیر اولمرت نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی، آیزاک بن اسرائیل رئیس آژانس فضایی اسرائیل و اسحاق بن اسرائیل یکی از طراحان حمله به رآکتور هسته ای عراق نیز تأکید داشته اند که این رژیم جمعی برای نابودی یا ضربه زدن به برنامه هسته ای ایران ناتوان است. بسیاری از کارشناسان غربی، صهیونیستی و حتی عربی معتقدند، هرگونه حمله به تأسیسات هسته ای ایران، به نابودی رآکتور دیمونا و به زانو درآمدن اسرائیل منجر خواهد شد. این دیدگاه را کارشناسان نظامی روس ها، مانند «سیوکوف» نایب رئیس آکادمی دانش موشکی روسیه نیز دارند و آنها با اذعان به قدرت نظامی و موشکی ایران گفتند که «ایران، یکی از کشورهای نظامی پیشرفته و یکی از چهار قدرت موشکی دنیاست و توانایی آن را دارد که اسرائیل را غیرقابل سکونت کند.»

آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز که تحت سلطه غربی هاست، یکی دیگر از اهرم های فشار آنها علیه ایران به شمار می آید. اصلی ترین سوء استفاده غربی ها از این سازمان تصویب قطعنامه برای ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل است. این اهرم قدرت غربی ها در قبال هسته ای ایران از تناقض شدیدی رنج می برد؛ زیرا فعال کردن این اهرم نه تنها مانع پیشرفت هسته ای نخواهد بود، بلکه رابطه فعلی آژانس با ایران را بدتر می کند و این نقض غرض و نگرانی غربی هاست. ادامه در صفحه ۲

جنگ دیپلماسی

ادامه از صفحه اول

با توجه به ارزیابی اجمالی فوق، تنها اهرم طرف‌های غربی برجام، قدرت رسانه‌ای و عملیات روانی آنهاست. بررسی مواضع غربی‌ها از ابتدای سال ۱۴۰۰ تاکنون نیز مؤید این واقعیت است. برخی از مواضع پر حجم و پر تکرار آنها، مانند «اگر مذاکرات به نتیجه نرسد برجام بی‌معنی خواهد شد»، «شکست مذاکرات وین، فشارهای شدید اقتصادی را به دنبال خواهد داشت»، «گزینه پلان بی (Plan B) روی میز است»، «آمریکا و رژیم صهیونیستی برای حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران تمرین نظامی دارند» و... با توجه به ناتوانی اهرم‌های قدرت آمریکا و متحدان آن که در بالا اشاره شد و واقعیت‌های پیشرفت هسته‌ای ایران و توانایی پاسخگویی ایران به هر نوع اقدام نظامی و خرابکاری امنیتی، توخالی بودن مواضع مزبور را نشان می‌دهد. با این توضیح این نتیجه حاصل می‌شود که تحریم‌های آمریکا علیه افراد، شرکت‌ها و نهادهای ایران و برخی از شرکت‌های خارجی ارزش راهبردی ندارد؛ بلکه تنها برای معتبر جلوه دادن قدرت تحریمی این کشور و مرعوب‌سازی نخبگان و تصمیم‌سازان و ایجاد فضای روانی برای افکار عمومی دارد. تردیدی هم نیست که این اقدامات فقط اثرات کوتاه‌مدت روانی دارد.

به موازات عملیات روانی مزبور، شاهد فئاسازی پر حجم دیگری، نظیر «مقصر سازی سازی ایران!»، «پیشنهادهای ایران زیاده‌خواهانه و فرابرجامی است!»، «فرصت برای احیای برجام محدود است!»، «هشدار درباره احتمال فروپاشی برجام»، «دیدگاه‌های روس‌ها به آمریکا و اروپا نزدیک شد!» و «آمریکا آماده برداشتن تمام تحریم‌های مغایر با برجام است»، «خواسته ایران درباره تضمین و راستی‌آزمایی امکان‌پذیر نیست» و... تلاش دارند تا به هدف‌های زیر دست یابند: الفـ تبدیل نقاط قوت و اهرم‌های ایران، مانند پیشرفت هسته‌ای به نقاط ضعف، ب ـ با عملیات روانی تاکتیکی مانند «مقصر سازی ایران» چین و روسیه را با خود همراه کنند. جـ منصرف کردن ایران از اصرار بر لغو همه تحریم‌های دوره اوپاما، ترامپ و بایدن، دـ ایجاد اختلاف در میان شخصیت‌ها و نخبگان داخل کشور و منحرف کردن افکار عمومی مردم در به حق بودن مواضع تیم هسته‌ای ایران، دـ تضعیف تیم مذاکره‌کننده ایران؛ متأسفانه یک جریان مغربوعاتی در داخل نیز با مواضع و اطلاع‌رسانی خود به تقویت عملیات رسانه‌ای و روانی غرب و رژیم صهیونیستی کوشش کرده است.

دسته‌ای دیگر از محورهای عملیات روانی غربی‌ها، حول پیشنهادهای آمریکاست. آنها القا می‌کنند که ایران دو گزینه در این خصوص بیشتر ندارد یا کمتر در برابر کمتر یا بیشتر در برابر بیشتر. در حالی‌که هر دو گزینه ایجاد انحراف پیرامون رفع تحریم‌ها براساس توافق‌نامه برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ و خسارت‌هایی است که آمریکا بسا خروج از برجام بر ملت ایران وارد کرد. ضمن اینکه آمریکا پشتوانه‌ای برای وادار کردن ایران به پذیرش این خواسته‌های غیر منطقی ندارد. جمع‌بندی این بحث این است که تنها اهرم آمریکا و اروپا قدرت رسانه و عملیاتی روانی است. بنابر این همانطور که ایران موفق شد، اهرم‌های اقتصادی و نظامی برای اهداف اشاره شده در خصوص هسته‌ای ایران را بی‌اثر کند، لازم است برای مقابله با آن به قرارگاه تخصصی ضد عملیات روانی اهمیت داد.



همه چیز با یک دروغ شروع می‌شود و در ادامه، با صدها دروغ و تحلیل‌ها و تفسیرهای نادرست دیگر، نظام اسلامی مظلوم‌اما مقتدر، به رفتاری خشونت‌بار و سرکوب‌گر ایانه، آن هم نسبت به یک زن سالخورده و منتقد متهم می‌شود!

این دروغ را فردی سالخورده با چهره‌ای آسیب دیده، به گونه‌ای بیان می‌کند که در نگاه اول، کمتر کسی در صحت روایت او دچار شک و تردید می‌شود. همین امر موجب می‌شود تا بر اساس این روایت دروغ، یک جنگ روانی تمام‌عیار از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای، شبکه‌های اجتماعی و برخی عناصر داخلی علیه جمهوری اسلامی پدید آید. دلیل اصلی پرداختن به این موضوع در یادداشت حاضر، آن است که دشمنان جمهوری اسلامی و ملت ایران، در سال‌های اخیر، به دلیل شکست در حوزه‌های گوناگون، هم‌اکنون در حوزه جنگ شناختی و جنگ روایت‌ها تمرکز راهبردی پیدا کرده، تلاش می‌کنند از این طریق

دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول



در جامعه نسبت به نظام و جریان انقلابی و دستگاه‌ها و نهادهای اطلاعاتی- امنیتی، بدبینی و بی‌اعتمادی ایجاد کنند و از نظام اسلامی یک چهره خشن و سرکوب‌گر بسازند.

متأسفانه در این سال‌های پرفراز و فرود پشت سر گذاشته شده، موارد بسیاری از این نوع روایت‌های دروغ وجود دارد که هر یک با طراحی قبلی، یک فضای سنگین تبلیغاتی را علیه جمهوری اسلامی شکل داده و گاهی فتنه‌هایی را پدید آورده است. حوادث کوی دانشگاه در تیر ماه ۱۳۷۸، فتنه آمریکایی- صهیونیستی سال ۱۳۸۸ که با یک دروغ بزرگ رقم خورد و در درون این فتنه بزرگ، روایت‌های غلط دیگری همانند مرگ ندا آقاسلطان، نمونه‌هایی از این نوع جنگ نرم و جنگ روایت‌ها علیه جمهوری اسلامی است.

در جنگ تبلیغاتی و جنجال اخیر رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی، مادر ستار بهشتی در حالی که پیشانی‌اش پانسمان دارد و زیر چشمانش کبود است، آنچه را که برایش در روز پنج‌شنبه ۱۸ آذرماه ۱۴۰۰ پیش آمده است، این‌گونه روایت می‌کند:

«در راه رفتن به امام‌زاده بودم که از یک موتور که ۲ نفر سوار آن بودند، یکی پیاده شد و من را بر زمین زد... وقتی چشم باز کردم، دیدم در

پرده جدید جنگ روایت‌ها

بیمارستان هستم.»

به دنبال این حادثه و این روایت، تفسیرها و تحلیل‌ها شروع می‌شود که نمونه‌هایی از این تیتروای انتشار یافته در این خصوص عبارتند از:

ـ حمله وحشیانه دو موتورسوار به گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی (دویچه وله فارسی)؛

ـ ضرب و شتم مادر ستار بهشتی در راه مزار فرزندش (رادپو فردا)؛

ـ حمله به خانم گوهر عشقی سه حالت دارد (عباس عبدی)؛

ـ حمله به گوهر عشقی... علامت خطرناکی در شرایط امروز ایران است (احمد زیدآبادی).

ـ تونیت‌های آذر منصوری، رمضان عبدالله‌زاده، صادق زیباکلام، مصطفی تاج‌زاده و... همگی نظام و جریان انقلابی را نشانه می‌روند.

در تمامی واکنش‌ها و بازتاب‌ها دو نکته قابل توجه است:

۱ـ ضرب و شتم و مورد حمله قرار گرفتن خانم گوهر عشقی قطعی نداشته می‌شود. ۲ـ شبکه‌های ماهواره‌ای و تمامی رسانه‌های وابسته به بیگانگان و جریان ضد انقلاب، تلاش می‌کنند این ضرب و شتم و حمله را اولاً به حکومت نسبت داده، ثانیاً گاهی بسا ادبیاتی تحریک‌آمیز سعی می‌کنند در مخاطب نسبت به نظام تفرق ایجاد کنند.

ظرف مدت کوتاهی این کالا‌ها که در شرایط بدی نگهداری می‌شدند، تعیین تکلیف شوند. منع قانونی فروش کالا‌های قاچاق، کمبود فضا برای نگهداری کالا‌ها، ناقص بودن برخی پرونده‌های کالا‌ها، اختلاف در میزان آمار پرونده‌های رسیدگی نشده از سوی سازمان اموال تملیکی، سازمان تعزیرات و دادستانی کل کشور و همچنین کمبود امکانات و تجهیزات لازم برای نگهداری بر خشی کالا‌های لوکس، از جمله دلایل عنوان شده نگهداری غیرصحیح و دپوی تعداد فراوانی از کالا‌ها در انبارهای کشور بود که از سوی مسئولان ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سازمان اموال تملیکی بیان شد. در این جلسه رئیس دستگاه قضا با اشاره به غفلت‌های دستگاه قضا، سازمان تعزیرات و سازمان اموال تملیکی برای تعیین تکلیف کالا‌های دپو شده، نکات و مطالبی را خطاب به وزارت امور اقتصاد و دارایی به عنوان مجموعه بالادستی سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و همچنین سازمان مبارزه با قاچاق کالا و ارز بیان کرد.

تعامل شبانه‌روزی و بازدیدهای پیاپی مسئولان دولتی و قضایی از انبارهای اموال تملیکی، سبب شد مزایده کالا‌های سازمان اموال تملیکی در چند

امسا در این میان، فردی چون علی مطهری هم که سال‌هاست با عینک بدبینی به نظام نگاه می‌کند، با انتشار تونیتی در جنگ روایت‌ها علیه جمهوری اسلامی مشارکت کرده و می‌نویسد: «حمله به مادر مرحوم ستار بهشتی، پیرزنی که شاید چهل کیلو بیشتر وزن ندارد و فرزندش به خاطر یک انتقاد از نظام در بازجویی نیروی انتظامی به قتل رسیده و داغدار است چه مفهومی دارد؟ آیا برای حفظ نظام بوده؟! قطعاً نهادهای اطلاعاتی می‌توانند ضارب‌ان را پیدا کنند. قوه قضائیه مسئولیت سنگینی دارد.»

این همه هیاهو و جنجال و به راه انداختن یک جنگ تبلیغاتی علیه نظام، در حالی انجام شد که با بررسی‌های به عمل آمده و بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته در محل و گفت‌وگو با شاهدان در صحنه، مشخص شد نه حمله‌ای در کار بوده و نه ضرب و شتمی انجام شده است و نه حتی این خانم در راه رفتن به مزار فرزندش بوده، بلکه او در حین عبور از کوچه به دلیل سرگیجه روی زمین و میل کرده‌ای کنار جاده افتاده و آسیب دیده است. این حادثه و حواشی آن به ویژه رفتار کینه‌توزانه رسانه‌های غربی و شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، نشان داد که مسئولان و مردم، بیش از پیش باید جنگ شناختی و جنگ روایت‌ها را جدی بگیرند.

نوبت با شرکت عموم مردم برگزار شود؛ همچنین ظرف مدت کوتاهی پرونده‌های مربوط به ۲ هزار و ۵۰۰ کالای تعیین تکلیف نشده، به سرانجام رسید و کالا‌های تاریخ مصرف‌گذشته موجود در انبار‌ها نیز با حضور مسئولان ذی‌ربط امحا شد. در همین زمینه قاسم رسولی فاضل، نماینده قوه قضائیه در سازمان اموال تملیکی در گفت‌وگو با صبح صادق با بیان اینکه اقدامات انجام شده در راستای حراج حضوری کالا‌های دپو شده در انبارهای اموال تملیکی حرکت مثبتی است، گفت: «این اقدام حرکت خوب و مناسبی است، اما کافی نیست و باید هفته‌ای یک حراج برگزار شود.» وی با بیان اینکه باید تلاش شود این حراج از حالت حضوری به حراج الکترونیکی تبدیل شود، گفت: «در حراج الکترونیک شاهد استقبال بیشتری از سوی افراد مختلف خواهیم بود و دایره وسیع‌تری را در بر خواهد گرفت.»

رسولی فاضل با بیان اینکه حراج الکترونیکی نیازمند کیف پول الکترونیکی است، گفت: «این کار باید با همکاری بانک مرکزی صورت گیرد و وزیر اقتصاد در این زمینه دستورات لازم را به بانک مرکزی داده است و منتظر افزایش سقف کیف پول الکترونیکی از ۵۰ میلیون تومان به ۱ میلیارد تومان هستیم»

وی افزود: «با تبدیل حراج حضوری به حراج الکترونیک و از هفتگی به صورت روزانه ظرف مدت شش ماه تا یک سال دیگر شاهد این حجم انبوه از کالا‌ها در سازمان اموال تملیکی نخواهیم بود.»

نماینده قوه قضائیه در سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی درباره تعیین تکلیف خودروهای توقیفی در سازمان اموال تملیکی گفت: «برای تعیین تکلیف این خودرو‌ها باید جلسه‌ای در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تشکیل شود تا در این مورد تصمیم‌گیری شود و اگر این ستاد تعیین تکلیف این کالا‌ها را در صلاحیت و وظایف خود ندانست، این موضوع باید در هیئت دولت مطرح و در آنجا تصمیم‌گیری شود.»

البته نباید این نکته را فراموش کرد که شفافیت دربرساره در آمده‌های حاصل از این حراج‌ها و قرار گرفتن این مبالغ در خدمت جامعه و توسعه به ویژه در استان‌های مرزی و ایجاد اشتغال پایدار بسیار مهم است و باید اهتمام ویژه‌ای برای آن داشت.



مکتب سلیمانی

حقیقت آزادی

یادداشتی بر کتاب مکتب ولای-۴

حسن نوروزی

پژوهشگر



با توجه به قوانین فکری بشری، آنچه انسان را از فکر بسته و اندیشه تنگ‌نظرانه می‌رهاند، «آزادی اجتماعی» اوست. آزادی به معنای نبود مانع است؛ از این‌رو از آن در کنار «تربیت» و «امنیت»، به منزله گزینه سوم برای رشد و تکامل انسان یاد می‌کنند. از طریق مسیر آزادی است که اندیشه‌های پویا در جامعه سایه می‌گستراند و افسردار را برای مبارزه تمام‌قد با هر نوع استعمار و استثمار‌گری می‌خیزانند.

مسئله آزادی اجتماعی در نگاه قرآن و انبیاء الهی از چنان اعتبار و جایگاهی برخوردار است که یکی از وظایف و خدمات انبیاء به جامعه بشری، تشکیل و تضمین حکومتی است که در آن آزادی افراد جزء برنامه‌های قطعی و مسلم آن است. به این صورت که افراد آن جامعه باید از هرگونه اسارت، بردگی و بندگی محافظت شوند. برای نمونه، زمانی که قرآن از «لایتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله» سخن می‌گوید، از یک جامعه ایده‌آل و آرمانی حکایت می‌کند که اصل و اساس زندگی بشری بر پایه آن بنا شده است و تمامی فتح و ظفرها از متن این چنین جامعه‌ای برخاسته می‌شود. هرچند به دلیل منفعت‌طلبی عده‌ای و سبکی اعتقاد برخی دیگر این اندیشه در اذهان و افکار به صورت یک آرمان ذهنی و انتزاعی در آمده است؛ اما اینها دلیل نمی‌شود که این پرچم اصیل بشری بر زمین بماند و کسی یا کسانی طالب برداشتن و برافراشتن آن نباشند. چنانچه در دوره معاصر و در زندگی بزرگانی، چون امام خمینی (ره) و شاگردان نهضت ایشان، این به پا خاستن و قیام به خوبی واضح و مبرهن است.

با این دیدگاه متوجه می‌شویم که هیچ‌گاه اندیشه بیداری، آگاهی و حتی آزادی از دل مکتب‌های فکری و تئوری صرف بیرون نیامده است؛ بلکه همیشه به بال دیگری در قالب معنویت نیاز داشته و دارد. چنانچه در طول تاریخ سقوط و بیراه‌رفتن افرادی را شاهد بوده‌ایم که با تکیه بر بال تئوری خواسته‌اند به سمت یک جامعه مساوی و برابر پرواز کنند. از طرفی هم در مقابل چنین افرادی، افراد دگم و قائل به معنویت فارغ از اندیشه همانند خوارچ بوده‌اند که سد راهی شده‌اند بر باور و اندیشه‌های مردم؛ هر دو طیف به گونه‌ای تاریخ‌سازی کرده‌اند که به جای برداشت بار، باری بر دوش مردم گذاشته‌اند و چندین سال انسان را از آن اهداف عالیه خود بازداشته‌اند. زیاترین تعبیر برای کج‌روی و انحراف این دو قشر کلام امام علی(ع) است که فرمودند: «دو کس پشت مرا شکستند: دانشمند پرده‌در و عابد نادان».

مسلم است افرادی که از دو چشمه «معنویت» و «آگاهی» سیراب شده‌اند، دیگر به راهی خود نمی‌اندیشند؛ بلکه نگاه بالاتر و اندیشه والا‌تری را به نام «آزادبخشی» در وجودشان شعله‌ور کرده‌اند که به آزادی دیگران هم می‌اندیشند. یکی از این افراد به یقین «سردار دل‌ها»، شهید حاج قاسم سلیمانی است که در برشی از کتاب «مکتب ولایی» این تألم و آزادبخشی این چنین در کلامش تصریح می‌شود: «صحنه‌های دردناکی که در فلسطین شاهد هستیم، قلب ما را به درد می‌آورد و سینه را آکنده از غم می‌نماید؛ غمی که در درون خود یک خشم عمیق را نهفته دارد؛ خشمی که در وقت مناسب آن را بر سر صهیونیست‌های مجرم خواهیم ریخت.»

جای خالی الگوی مطالبه‌گری

دنبال کرد.

در طول سال‌های اخیر، با تأکید رهبر حکیم انقلاب اسلامی تلاش‌های فراوانی برای طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت شده است، هرچند محصول عینی این تلاش‌ها از سوی دستگاه‌های مربوطه چندان در دسترس افکار عمومی و نجیگان جامعه قرار نگرفته است. در این میان، نکته کلیدی آن است که در عرصه توسعه و پیشرفت کشور، ایجاد توازن و توجه به ابعاد همه‌جانبه توسعه، یکی از ملاحظات راهبردی است که بی‌توجهی به آن آثار و عوارض نامطلوبی برای کشور به همراه خواهد داشت. نبود توازن در توسعه به مثابه رشد کاریکاتوری است که ترکیب نامتوازن آن عدم تعادلی در جامعه ایجاد کرده و حتی پیامدهای سیاسی-اجتماعی آن موجب تشدید تنش‌ها و تعارضات و واگرایی‌ها در جامعه شود. توجه به این ملاحظه می‌تواند تحقق توسعه را در جامعه هموار کرده و پذیرش آن را نیز تسهیل کند.

در این میان، یکی از ابعاد مغفول الگوی

پیشرفت، توجه به موضوع توسعه در عرصه سیاسی است. در این زمینه، متأسفانه بی‌توجهی‌های فراوانی را شاهد بوده‌ایم و همه توجهات بیشتر به ابعاد اقتصادی توسعه مشغول بوده است که در دهه پنجم انقلاب اسلامی برای جبران آن باید تلاش کرد.

در فضای سیاسی کشور پس از پایان جنگ تحمیلی، جریان اصلاح‌طلب پیشگام سخن گفتن در این زمینه بود و توانست با بالا بردن پرچم توسعه سیاسی حتی پیروز انتخابات ۱۳۷۶ شده و هشت سال صندلی ریاست‌جمهوری را در اختیار داشته باشد؛ اما متأسفانه الگوی توسعه سیاسی مدنظر این جریان با ارزش‌های مردمان این سرزمین فاصله داشت و بیشتر فرآیند سکولاریزاسیون کردن جمهوری اسلامی و تهی کردن انقلاب از محتوای اسلامی آن بود؛ همین امر موجب شد تا تلاش برای تحقق این الگو با آشفتگی اجتماعی-سیاسی همراه باشد و به تدریج انحراف و بی‌اعتباری آن نزد افکار عمومی آشکار شده و به حاشیه رانده شود.

دریچه

بازنده‌ای که نمایش پیروزی می‌دهد!

جلدی» داد. بررسی روند سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در خلال سال‌های پس از ۱۹۴۸ به وضوح بیان‌کننده سيطرة «رویکرد امنیتی» بر دیگر سیاست‌های این رژیم است. موقعیت شکننده رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی، محاصره آنها از سوی محور مقاومت در سوریه، لبنان و نوار غزه که سبب ایجاد ناتوانی برای صهیونیست‌ها از هرگونه اقدام عملی تأثیرگذار علیه محور مقاومت شده است، رژیم صهیونیستی را وادار کرده است به دنبال مجاب کردن دیگران برای همراهی با آنها در جهت مدیریت و ضربه زدن به ویژه علیه ایران برآید. نکته بعدی اینکه تلاش برای اجرا نشدن برجام به ویژه انجام تعهدات طرف مقابل مبنی بر لغو محدودیت‌ها، همچنین اجرا نکردن بندهای غروب در برجام و تلاش برای مادام‌العمر کردن آن از طریق ارائه گزارش‌های غیر واقعی از کلان پروژه‌های صهیونیست‌ها در چند سال اخیر در منطقه بوده است. همچنین تمرکز روی تنش‌های اخیر میان تهران و شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس به ویژه پس از حمایت جمهوری اسلامی ایران از دولت قانونی سوریه، حمایت معنوی از انصارالله در یمن و

محکومیت اعدام شیخ نمر و قطع روابط دیپلماتیک ایران با آل سعود، صهیونیست‌ها را امیدوار کرده است تا از فضای تنش آلود حاکم بسر منطقه در راستای جلب حمایت اعراب در برابر ایران تلاش کند. اختلاف شدید آمریکا با رژیم صهیونیستی در خصوص احیای برجام سبب شده است که این رژیم در چند دهه اخیر، به این اندازه خود را ناتوان در عدم تأثیرگذاری بر رفتار آمریکا نبیند. ناامیدی صهیونیست‌ها از همراهی آمریکا و اروپا با آن در پیشبرد دستورکارهای ضدایرانی‌اش موجب دست و پا زدن آنها شده است.

با در نظر گرفتن مؤلفه‌های بالا به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی با برجسته‌سازی مؤلفه ایران از دغدغه‌مندی کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس در رابطه با ایران به دنبال این باشد که تا حدی ایران را تحت فشار قرار دهد.

نکته پایانی اینکه خروج نظامیان اماراتی از مناطق ساحلی یمن در ماه‌های اخیر، ارتقای مناسبات دیپلماتیک میان امارات با ترکیه و سوریه، سفر اخیر شیخ طنحون بن‌زاید، مشاور امنیت ملی امارات متحده عربی به ایران، آشکارا بیان‌کننده

مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی



این روزها مسئله اعتراضات صنفی به دلیل وجود مشکلات و کمبودها و کاستی‌های گوناگون، به یکی از مسائل مهم در عرصه حکمرانی بدل شده است. از یک سو باید بستر و فضایی برای شنیدن صدای اعتراض اقشار مختلف جامعه وجود داشته باشد تا امکان رفع معایب سیستم و ساختار حکمرانی فراهم شود و از دیگر سو اعتراض باید در چارچوبی تعریف شده باشد تا آنچه با هدف اصلاح دنبال می‌شود، به ضد خود و عاملی برای بی‌نظمی و نابسامانی و تنش در جامعه بدل نشود.

در این وضعیت است که وجود پروتکل و دستورالعملی برای ساماندهی به اعتراضات صنفی یکی از اولویت‌های جامعه خواهد بود که ریشه آن را باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

اکبر معصومی

کارشناس بین الملل



سفر «فتالی بنت» به امارات متحده عربی اولین سفر علنی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به این کشور است؛ اتفاقی که می‌توان آن را امری بسیار مهم و حائز اهمیت تلقی کرد. خبرگزاری «ان‌بی‌سی‌نیوز» آمریکا طی گزارشی به سفر اخیر «فتالی بنت» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به امارات متحده عربی پرداخته و به طور خاص ایران و مسائل مرتبط با قدرت‌گیری منطقه‌ای و بین‌المللی کشورمان را محور اصلی رایزنی‌های وی با مقامات اماراتی دانسته است. بسیاری از ناظران و تحلیلگران معتقدند، محرک اصلی برگزاری این نشست، آنچه ترس و نگرانی‌ها از قدرت‌گیری ایران عنوان می‌شود، بوده است. سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در واکنش به سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به امارات نسبت به هر گونه اقدامی که حضور رژیم اشغالگر قدس را تثبیت کند، «هشدار

عکس و مکت



رها در میان خرابی! قربانیان طوفان کنتاکتی آمریکا که هنوز چشم انتظار رسیدگی‌های دولت جو بایدن هستند، برای گرم کردن خود در سرمای شدیدی هوا تکه‌های چوب خانه‌های خود را می‌سوزانند. فرماندار این ایالت اعلام کرده است، که ظرفیت سردخانه‌ها برای نگهداری قربانیان این حادثه تمام شده است و این در حالی است که بسیاری از آوارگان از نبود رسیدگی به خود خشمگین هستند.



کوتاه کردن دست سودجویان! با ادامه سقوط ارزش لیر ترکیه و افزایش قیمت اجناس، پلیس ترکیه از بازارهای زنجیره‌ای و فروشگاه‌ها بازرسی قیمت‌ها را آغاز کرده است تا جلوی سودجویان را بگیرد. همه جا افرادی هستند که در بزنگاه‌های مهم به دنبال منفعت خودشان هستند و برای مردم کشورشان سختی و مشکلات ایجاد می‌کنند!



پس از ۳۵ سال چشم انتظار! خانواده شهید حسین‌علی کریمی، پس از ۳۵ سال چشم‌انتظاری، بر سر مزار فرزند شهیدشان که از طریق انجام آزمایش دی‌ان‌ای شناسایی شده است، حاضر شدند. سرباز وطن شهید «حسین‌علی کریمی» در عملیات کربلای ۴ در منطقه سوهار به فیض شهادت نائل آمد. پیکر پاک این شهید در دانشگاه تهران جنوب به خاک سپرده شده بود.



سناریو برای کارگردانی؟ رافائل گروسی در حالی دوربین به دست شده است برای معرفی تجهیزات آژانس هسته‌ای و رفع ابهامات درباره این دوربین‌ها، که معلوم نیست این آقای کارگردان سناریوی خود را از کجا تهیه کرده است! قرار است با این دوربین‌ها نیروگاه کرج را پس از رفع تحریم‌ها زیر نظر داشته باشند.



مدیریت تحریم‌شکن! / صاحب این خواربارفروشی در آستانه شب پیدا این گونه‌های مشتریان خود را دارد. این مغازه نام خود را هاپیر تحریم‌شکن گذاشته است! چه خوب است در آستانه شب پیدا ما هم اگر مراسمی داریم، در فضای مجازی تصاویر آن را منتشر نکنیم، هر خانواده‌ای از پس تهیه لوازم مراسم این شب برنمی‌آید.



تسویه حساب! / پلیس رژیم صهیونیستی عکاس یک خبرگزاری را هنگام پوشش دادن تظاهرات‌ها در یکی از محله‌های بیت‌المقدس مورد ضرب و شتم قرار داده و او به بیمارستان منتقل شده است. عکس‌های این عکاس از فلسطین در ماه‌های گذشته به عنوان عکس‌های پربازدید مجله تایم قرار گرفته بود که گویا به مذاق صهیونیست‌ها خوش نیامده است!

بازار رقابتی تحول ایجاد می کند

بازار خودرو؛ از ایران تا آلمان

گروه پرونده

صبح صادق

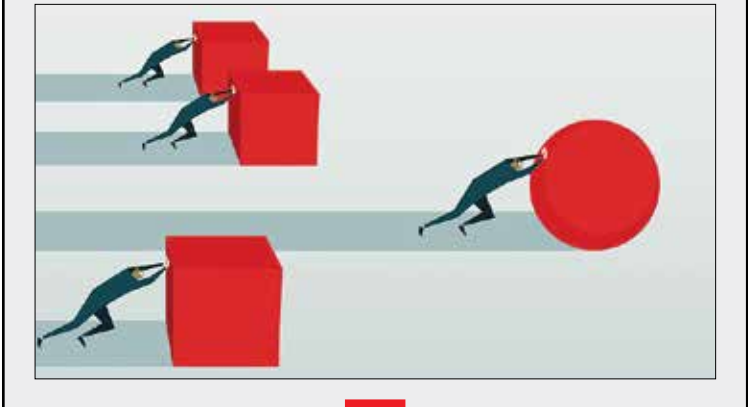
«خودرو» یک کالای سرمایه‌ای در ایران به شمار می‌آید؛ کالایی که اگر دیر بجنبی و پول خریدش را امروز مهیا نکنی، دیگر برای فردا دیر شده با پولی که دیروز می‌توانستی خودرویی را با یک مدل خاص خریداری کنی، فردا نمی‌توانی و باید پول بیشتری رویش بگذاری. این امر خود مولود اقتصاد بیماری است که خودرو را از یک کالای صرفا رفاهی به یک کالای سرمایه‌ای مبدل کرده و سبب شده است متقاضی ایرانی، خودروی داخلی را با هر کیفیت و قیمتی تنها برای حفظ ارزش پول و سرمایه‌اش بخرد. این امر وقتی بیشتر نمود می‌یابد که گاهی یک خودروی چند مدل پایین‌تر و با چندین هزار کیلومتر کارکرد از قیمت خودروی صفر درب کارخانه گران‌تر است. امری که صدای تولیدکننده را هم درآورده است و هر چند برخی از آن با عنوان تورم یاد می‌کنند؛ اما توجیه قابل‌پذیری برای نرخ‌های نجومی خودروهای داخلی نیست.

♦ قیمت خودرو هر روز گران‌تر

مسئله اینجاست که به باور اقتصاددانان کشور، اقتصاد بیمار مهم‌ترین عاملی است که سبب شده تورم در کشور به پدیده‌ای همیشگی مبدل شود و همه ارکان زندگی و معیشت مردم به آن گره بخورد تا جایی که نباید تعجب کنی خودرو چه در بازار و چه درب کارخانه هر روز قیمتی را تجربه کند. قیمت خودرو در ایران با آنکه عنوان می‌شود، تولید داخلی است و قطعاتش در داخل تولید می‌شود، باز هم متأثر از نرخ ارز و قیمت‌های جهانی برخی مواد اولیه قرار دارد. چنانچه آلیاژ به کار رفته در خودروهای داخلی که از کارخانجات داخلی تهیه می‌شود، به نرخ جهانی به دست تولیدکننده خودرو می‌رسد و همین امر قیمت نهایی و تمام شده خودرو را برای تولیدکننده داخلی افزایش می‌دهد.

♦ صف‌های بلند خرید

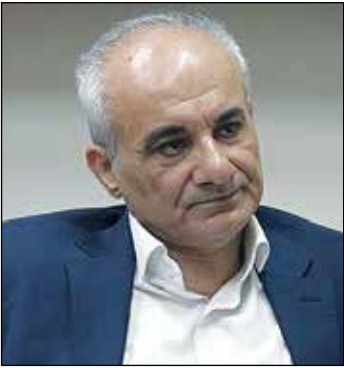
خرید خودرو امروز در کشورهای غربی و اروپایی با شرایط آسانی همراه است؛ چنانچه تولیدکننده محصول خود را با قیمت مناسب همراه با تسهیلات ویژه در اختیار خریدار قرار می‌دهد؛ آن هم به طور قسطی و با اقساط بلندمدت و گاهی بدون بهره. خودرو به صورت روز تحویل می‌شود. قیاس این شرایط در ایران چندان خوشایند نیست. این قیاس تنها برای خرید خودرو بود؛ اما مسئله اساسی بر کیفیت خودرو و قیمت تمام شده آنها در ایران و دیگر کشورهای صاحب صنایع خودروسازی است. قیمتی که شاید در نگاه اول عنوان کیفیت را به



دبیر گروه پرونده: اکبر معصومی/ گزارش و مصاحبه: ملیحه زرین‌پور

در گفت‌وگوی صبح صادق با سعید مدنی، مدیر عامل اسبق سایپا عنوان شد

سیاست غلط و تراز منفی



و این خلأ هم خیلی زیاد است؛ لذا این موضوع انگیزه می‌شود برای کارمندی که سالیانه در نهایت ۷۰ میلیون حقوقش را دارد تا با برنده شدن در این لاتاری شرایط خود را تغییر دهد.

♦ چرا با وجود قیمت بالایی که خودروها در بازار و کارخانه دارند خودروسازان باز هم مدام از ترازهای منفی و زیان صحبت می‌کنند؟

مدت‌های طولانی خودروسازان قیمت فروش‌شان پایین‌تر از قیمت تمام شده‌شان بود و ظرف همین چند سال گذشته درصدهایی به دلیل بالا رفتن تورم و قیمت دلار اضافه شد. به جز قیمت دلار نهاده‌های داخلی هم خیلی بالا رفته بود، اگر یادتان باشد زمانی می‌گفتند پراید که خودروی داخلی است چرا باید تحت تأثیر دلار قرار بگیرد؟ غافل از اینکه وقتی قیمت ارز بالا می‌رود تمام نهاده‌های تولید هم بالا می‌روند، مثلاً ارز یک برابر می‌شود و فولاد، مس و آلومینیوم می‌شود چهار برابر. البته تمام این نهاده‌های ذکر شده مواد اولیه ارزان دارند؛ اما با قیمت بازارهای جهانی به خودروساز می‌فروشند؛ یعنی در خودروسازی شما باید مواد اولیه را ارزان از نهاده‌های داخلی و خارجی بخرید و از آن همین طرف برای فروش قیمت را محدود کرده‌اند. همین الان هم اگر خودروساز برای رفتن به حاشیه بازار آزاد شود، لطماتی که ظرف پنج یا شش سال بنیان آن را ضعیف کرده و زیان‌های انباشته برایش ایجاد کرده است تا حدودی جبران می‌شود؛ هر چند جبران آن زیان‌ها کار ساده‌ای نیست و زمان می‌برد. خودروساز را بگذارید در کنار تولیدکنندگان فولاد، مس و پتروشیمی، اینها تماماً مواد اولیه‌شان را ارزان می‌خرند

آلبرت بغزیان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

نگرش خودروسازان تغییر کند

این موضوع می‌تواند یک شروع خوب برای توسعه صنعت خودروی کشور به شمار می‌رود. اگر این موضوع به درستی مدیریت شود، دید خودروساز خارج علاوه بر تأمین نیازهای کشور، مبحث صادراتی نیز باشند، قطعاً می‌توان به آینده خودروسازی ایران امیدوار بود.

بازار با ثبات، نرخ ارز با ثبات نیز موضوعات مهمی است که دولت باید آن را برای توسعه صنعت خودروسازی کشور ایجاد کند. تأمین نیازهای مالی قطعه‌سازان و کاهش هزینه‌های تولید موضوع مهمی است که در صورت تحقق آن ضمن افزایش تیراژ، می‌تواند منجر به توسعه تولید با کیفیت خودروی ایرانی شود.

تا زمانی که بازار خودروی ایران بقای خود را بر ممنوعیت واردات می‌بیند تا بتواند کالای خود را با نرخ‌های مصوب آزاد توجیه کرده و صف خرید داشته باشند، چاره‌ای جز افتخار به فروش در نصف روز ندارد؛ در حالی که مردم به چشم سرمایه‌گذاری به خرید خودرو نگاه می‌کنند، نه مصرف.

اگر خودروساز ما در شرایط غیر رقابتی نتواند توسعه خود را کلید بزند، شکی وجود ندارد که در شرایط غیر رقابتی قادر به افزایش کیفیت و کمیت تولید خود نیست. به این دلیل که عمده مشکل اصلی فعلی خودروساز ایرانی هزینه بالای تولید است که با ثبات بازار توام می‌شود.

اگر دولت و حاکمیت زمینه‌های لازم مثل ایجاد ثبات در کلان اقتصاد و نرخ ارز را فراهم کنند، واردات خودرو آغاز شود، قطعاً خودروساز ما چاره‌ای به جز توسعه دادن و تغییر رویکردها و کارکردهای خود ندارد. فراهم‌سازی شرایط تولید هر گونه بهانه و توجیه را از خودروساز می‌گیرد؛ لذا فرصت و فضایی برای دست و پا زدن‌های غیر واقعی ندارد. در این صورت یا توسعه می‌یابد یا از دور خارج می‌شود. اگر به مانندن خود می‌اندیشد، باید بسیاری از روش‌های غیر صحیح مدیریتی خود را اصلاح کند تا در زمره خودروسازان پیش‌رو و موفق دنیا قرار بگیرد.



تداوم حضور آمریکا

تروریست‌ها با تغییر شکل در عراق می‌مانند؟



علی ساجد

کارشناس بین الملل

تلاقی دو مقوله تحولات سیاسی پسانتخاباتی عراق و تداوم حضور نظامی آمریکایی‌ها در این کشور بیش از هر زمان دیگری نمود یافته است. شهادت سسپهد شهید حاج‌قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس با توطئه تروریست‌های آمریکایی و دستور مستقیم ترامپ نقطه آغازی بود بر پافشاری گروه‌های مقاومت به منظور خروج نظامیان آمریکایی که با تصویب پارلمان عراق بستر و الزام قانونی آن نیز فراهم شد. این فرآیند به دلیل بحران سیاسی عراق در سال ۲۰۲۰ به‌صورت جدی پیگیری نشد؛ اما با روی کار آمدن مصطفی الکاظمی به‌عنوان یک چهره نزدیک به آمریکا و از سویی دیگر اصرار گروه‌های سیاسی و مسلح مقاومت برای خروج آمریکایی‌ها، روند مذاکرات امنیتی بغداد-واشنگتن در نهایت منجر به توافق طرفین برای خروج نیروهای رزمی تا پایان سال ۲۰۲۱ و محدود شدن فعالیت نظامی آمریکا در عراق به امور مستشاری، آموزشی و لجستیکی شد.

هرچند این توافق رضایت کامل گروه‌های مقاومت را در پی نداشته است؛ اما با توجه به فشار طیف‌های دیگر بازیگر در صحنه عراق، یعنی کردها و اهل سنت، این توافق می‌توانست در گام نخست موفقیتی برای محور مقاومت به شمار آید.

مواضع دو طیف کُرد و اهل سنت عراق در قبال خروج نیروهای نظامی آمریکایی از این کشور تاخودوی روشن است. میان پیشمرگه به‌عنوان مهم‌ترین گروه نظامی اقلیم کردستان و آمریکایی‌ها، همکاری‌های گسترده‌ای در زمینه آموزش، تجهیز و پشتیبانی اطلاعاتی و لجستیکی وجود دارد که به تازگی نیز «لوید آستین» وزیر دفاع آمریکا با اشاره به این موضوع، افق همکاری‌های نظامی- اطلاعاتی واشنگتن را با اربیل در راستای آنچه او مبارزه با تهدید تروریسم داعش خواند، طولانی و عمیق ارزیابی کرده بود. اهل سنت نیز به دلیل نداشتن نیروی نظامی مستقل و از سویی دیگر به علت ایجاد موازنه با گروه‌های شیعی، خود را نیازمند به‌آمریکایی‌ها می‌بینند.

تغییر راهبرد

روزنامه «نشنال»: به نظر می‌رسد کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس دیگر روی شرکای به‌اصطلاح استر اتریک خود حساب نمی‌کنند. این کشورها به‌جای انتظار و تماشا درحالی‌که برخی از قدرت‌های جهانی، گاهی بدون مشورت با آنها تصمیم می‌گیرند که نتایج‌شان ممکن است آنها را تحت تأثیر قرار دهد، قصد دارند که سرنوشت خود را در دست گیرند.

بازدید «محمدبن‌سلمان» ولی‌عهد عربستان از خلیج‌فارس در هفته گذشته، همانند بیانیه‌های مشترک صادر شده از سوی کشورهای مختلف عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، بسا این چارچوب مطابقت دارد. با وجود اینکه مواضع آنها در قبال بحران‌های منطقه‌ای در عراق، لبنان، سوریه و یمن مشخص شده، نقشه راه روشنی برای روابط دوجانبه ترسیم شده است.

اما در میان طیف شیعی، باید به این موضوع نگاهی عمیق‌تری داشته باشیم. دو جریان اصلی شیعه، یعنی «چارچوب هماهنگی» و «صدر» هر دو با حضور آمریکایی‌ها مخالفت کرده‌اند. البته جریان چارچوب هماهنگی به‌عنوان طیف وفادار به مقاومت با اصرار بیشتری بر مواضع ضد اشغالگری خود تأکید می‌کند. این در حالی است که با نزدیک شدن به موعد خروج نیروهای رزمی آمریکایی از عراق، اخبار ضدونقیضی از تخلیه مراکز نظامی عراق از نیروهای آمریکایی منتشر می‌شود. نیروهای مقاومت با صدور هشدارهای جدی نسبت به هرگونه اهمال در خروج این نیروها اخطار داده‌اند که در صورت عدم خروج آمریکایی‌ها از عراق، این گروه‌ها از ساعات آغازین سال جدید میلادی آنان را هدف قرار خواهند داد؛ اما نخست‌وزیر و فرماندهان عراقی و آمریکایی برای جلوگیری از بروز درگیری احتمالی بارها تأکید کرده‌اند که نیروهای رزمی حتماً تا پایان سال جاری میلادی خاک عراق را ترک می‌کنند. از جمله جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا که در نامه‌ای به کنگره اعلام کرده است نیروهای آمریکایی با پایان سال ۲۰۲۱ در عراق دیگر مأموریت رزمی نخواهند داشت؛ این بدان معنا خواهد بود که آمریکایی‌ها صرفاً مأموریت نیروهای موجود را از رزمی به مستشاری، آموزشی و لجستیک تغییر داده و عراق را ترک نخواهند کرد.

در صورتی‌که مصطفی الکاظمی موفق به اجرای توافق امنیتی خود با آمریکایی‌ها شده و نیروهای رزمی آنها را از عراق خارج کند، می‌تواند به‌تصاحب مجددپست نخست‌وزیری عراق امیدوار باشد که البته با اصراری که کردها و اهل سنت برای تداوم حضور آنها دارند، این امر دشوار به نظر می‌رسد. گفتنی است، به دلیل کارایی بالای سلاح پهبادی مقاومت در حمله به منافع اشغالگران آمریکایی در منطقه به‌ویژه عراق، مجلس نمایندگان آمریکا، محدودیت‌هایی برای برنامه پهبادی جمهوری اسلامی به بهانه آنچه اقدامات خطرناک این فناوری ایران در منطقه خوانده شده، وضع کرده است که این موضوع نشان از وحشت آنان از اقدامات گروه‌های مقاومت در صورت عدم خروج از عراق دارد.

پشت پرده یک سفر

ریاض هم به قابل اعتماد نبودن آمریکا رسید



پیمان بهمن‌پور

کارشناس بین الملل

همزمان با ترافیک پر حجم سفرهای دیپلماتیک منطقه‌ای، سفر دوره‌ای پنج روزه محمدبن‌سلمان به پنج کشور عربی عمان، بحرین، قطر، امارات و کویت نیز انجام شد. اهمیت این سفر از آنجا نمایان می‌شود که پیش از نشست سالانه شش کشور شورای همکاری خلیج‌فارس برگزار شد. اهداف سفر منطقه‌ای بن سلمان را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

۱ تغییر سیاست منطقه‌ای عربستان:

عربستان سعودی به دنبال نقش‌آفرینی بیشتر و گسترده‌تر در عرصه منطقه‌ای است و این امر را در تحولات اخیر از لبنان تا موضوع مذاکرات دوجانبه با ایران نشان داده است. چرخش سعودی‌ها به سمت کشورهای خلیج‌فارس نشان می‌دهد، موقعیت آنها بعد از رفتن ترامپ در حال تغییر است و حامی اصلی خودشان را از دست داده‌اند. آنها دیگر چک سفید امضای کاخ سفید را ندارند که بخواهند هر کاری که دوست دارند انجام دهند و بسا کوله باری از مشکلات از جمله قتل خاشقچی، بحران یمن، پرونده ۱۱ سپتامبر، پرونده‌های حقوق بشری و مباحث دیگر روبرو هستند. در این راستا سعودی‌ها برای تثبیت جایگاه خود در منطقه، به دنبال ترمیم، تقویت و بازسازی روابط خود با کشورهای حوزه خلیج‌فارس هستند.

۲ خروج آبرومندانه از جنگ یمن:

اتتلاف عربی به سرکردگی عربستان نه تنها نتوانسته دستاورد خاصی در این خصوص داشته باشد؛ بلکه راهبردهای سعودی در یمن، موجب طرح انتقاد نهادهای حقوق بشری و نمایندگان سیاسی برخی کشورها شده است. شکست‌های متعدد سعودی‌ها در جنگ یمن و تشدید محاصره مارب و ثمربخش نبودن حملات شدید هوایی برای جلوگیری از روند پیشروی‌های انصارالله در ساحل غربی، همگی نشان می‌دهد، جنگ فرسایشی یمن جز

تحمیل هزینه‌های سنگین نظامی، ثمره دیگری برای ریاض نداشته است. بنابراین، شکست عربستان در جنگ یمن و سنگینی کردن هزینه‌های گزاف آن بر دوش رهبران سعودی باعث شده تا ولی عهد سعودی دست به دامن کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس شود. بن سلمان در این سفر دوره‌ای خود به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس مترصد جست‌وجوی کاتالی برای خروج آبرومندانه از باتلاق به همراه تحمیل قطعنامه ۲۲۱۶ بر انصارالله و تثبیت دولت منصورهادی بر یمن براساس طرح شورای همکاری خلیج‌فارس و از طریق جلب حمایت اعضای این شورااست.

۳ اجماع‌سازی در نحوه مواجهه مؤثر با مذاکرات هسته‌ای ایران:

سیاست خارجی متفاوت کشورهای خلیج‌فارس در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از چالش‌های عربستان در آستانه برگزاری نشست سسالانه سران کشورهای عضو شورای همکاری بود؛ به گونه‌ای که عمان، کویت و قطر روابط نسبتاً خوبی با ایران دارند و امارات نیز طی چند وقت اخیر، راهبرد تنش‌زدایی بسا ایران را در پیش گرفته است. یکی از اهداف سفر منطقه‌ای بن سلمان را می‌توان اجماع‌سازی در جهت از بین بردن اختلافات ژئوپلیتیکی و تقویت همکاری و هماهنگی میان شش کشور عربی خلیج‌فارس به ویژه در نحوه مواجهه مؤثر با مذاکرات هسته‌ای قدرت‌های جهانی با ایران و آنچه نفوذ منطقه‌ای ایران اعلام می‌شود یاد کرد.

در مجموع می‌توان گفت، کاهش اعتماد به مواضع دولت ایالات متحده و بررسی اوضاع منطقه از جمله پرونده هسته‌ای و حمایت ایران از گروه‌های مقاومت و همچنین جنگ فرسایشی و پرهزینه یمن سبب شد عربستان با افزایش تحرکات سیاسی در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی درصدد تثبیت جایگاه منطقه‌ای خود و اجماع‌سازی در رابطه با پرونده یمن و پرونده مذاکرات هسته‌ای ایران باشد تا از این طریق در مذاکرات دوجانبه آینده با ایران برگ برنده‌های مختلفی از مسائل منطقه‌ای و هسته‌ای داشته باشد.

منطقه

شماره ۱۰۲۹ | دوشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۰

صداقت

یادداشت

به دنبال راه‌حل

سیدحامد حسینی

کارشناس بین الملل

نخستین نشست به منظور حل مسائل قفقاز جنوبی در پلتفرم جدید ۳+۳ با عنوان یک قالب همکاری جدید در قفقاز جنوبی در تاریخ ۱۹ آرمه به میزبانی مسکو برگزار شد.

بی‌تردید، ایجاد بستر جدید در قالب ۳+۳ شامل سه کشور قفقاز جنوبی و سه کشور بزرگ همسایه برای حل‌وفصل مسائل قفقاز جنوبی می‌تواند به افزایش سطح اعتماد در سطح منطقه و اجرای راهکارهای منطقه‌ای کمک کند. گذشت زمان و بالا رفتن سطح شرکت‌کنندگان این نشست و به تبع آن، افزایش میزان نفوذ و تأثیرگذاری آن در تحولات قفقاز جنوبی می‌تواند ضمن ممانعت از تأثیرگذاری سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات این منطقه، به حل مشکلات و چالش‌ها و اختلافات درون منطقه‌ای کمک کرده و برای توسعه همکاری‌های چندجانبه زمینه‌سازی کند. البته مهم‌ترین دستاورد این نشست را می‌توان در تأکید مجدد جمهوری اسلامی ایران بر لزوم احترام به تمامیت ارضی کشورها و اجتناب از هرگونه تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه اشاره کرد. اگرچه نشست مذکور بدون صدور بیانیه با توافقی به پایان رسید، ولی مقدمه‌ای برای ایجاد سازوکارهای جدید و برقراری چارچوبی مشخص برای هریک از طرفین شد.

از سویی دیگر، در ادامه تلاش‌های بین‌المللی برای حل مشکلات و کشمکش‌های موجود در قفقاز جنوبی در پساقرباغ ۲۰۲۰؛ شامگاه سه‌شنبه ۱۴ دسامبر، الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان با حضور در مرکز شورای اتحادیه اروپا در بروکسل با چارلز میشل، رئیس شورای اتحادیه اروپا ضمن بررسی آخرین وضعیت منطقه، درخصوص راه‌اندازی خطوط ارتباطی و حمل‌ونقل به بحث و گفت‌وگو نشستند. میزبانی این نشست سه‌جانبه از سوی اتحادیه اروپا، فارغ از هرگونه نتیجه، نشان‌دهنده عزم و اراده طرف اروپایی برای نقش‌آفرینی و ورود جدی به موضوع اختلافات ارمنستان و جمهوری آذربایجان است. اتحادیه اروپا از سویی به منابع عظیم انرژی در جمهوری آذربایجان چشم‌دوخته و از سویی دیگر خود را وام‌دار ارمنستان مسیحی می‌داند. مهم‌تر از آن، در کارزار رقابت غرب و روسیه در جست‌وجوی نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری مثبت است. چنانچه از پروپاگاندای رسانه‌های ترکیه در بزرگنمایی نتایج این نشست درخصوص بازگشایی خطوط راه‌آهن چشم‌پوشی کنیم، به نظر می‌رسد با توجه به مواضع هریک از مقامات آذری و ارمنی بعد از این نشست، هنوز موانع جدی بر سر رسیدن به یک توافق نهایی و رفع انسداد مسیرهای مواصلاتی وجود دارد. طرف ارمنی ضمن تأکید بر بازگشایی یک شبکه ریلی، بر لزوم ایجاد پست گمرکی و استفاده فعال ایران و روسیه از این خطوط تأکید دارد، در حالی‌که طرف آذری در تلاش برای موازی‌سازی گشایش ارتباطات منطقه‌ای با کریدور لاجین و احداث پست گمرکی در آن بوده و همچنان به طور تلویحی درباره امکان استفاده از قدرت سخت صحبت کرده و خود را داوطلب جدی عضویت در ناتو معرفی می‌کند. با وجود اینکه اتحادیه اروپا در این نشست، قدرت و اراده خود در مسیر بسترسازی برای یک توافق نهایی در قفقاز جنوبی را به نمایش گذاشت؛ ولی شواهد و قرائن نشان می‌دهد همچنان کلید حل‌تمامی مسائل و اختلافات این منطقه در تلاش و اراده همسایگان به ویژه در تهران و کاخ کرملین است.

یادداشت

اشتغال پایدار

حسن حبیبی

رئیس سابق هیئت مدیره
کانون شوراهای اسلامی کار

یکی از مباحثی که می‌تواند به سبب معیشت کارگران و بهبود زندگی این قشر کمک کند، ایجاد امنیت شغلی برای این گروه است. در واقع می‌توان گفت، نبود امنیت شغلی یکی از دلایل مهمی است که سبب شده قدرت خرید نیروی کار در ایران کاهش پیدا کند. بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی، هر شهروند ایرانی از حق داشتن درآمد مستمر، بهداشت، تربیت بدنی رایگان و مسکن متناسب بر خوردار است. اصل ۲۸ قانون اساسی نیز در ارتباط با شغل پایدار صحبت می‌کند؛

زیرا این شغل پایدار است که می‌تواند به حل مشکل معیشت مردم کمک کند. حال سؤال این است که این امنیت شغلی چطور برقرار می‌شود؟ در اینجا دیگر باید به قرارداد کار و رابطه میان کارگر و کارفرما اشاره کرد. رابطه کارگر و کارفرما بر اساس عقد، یک قرارداد بین طرفین است که هر دو طرف در آن حاکمیت اراده دارند؛ اما متأسفانه این موضوع محقق نشده است. اگر چه با پیروزی انقلاب

قوانین خوبی در قانون اساسی ما تنظیم شد؛ اما متأسفانه شاهد بودیم که در سال ۱۳۷۲ با بخشنامه و در سال ۱۳۷۵ با دادنامه حاکمیت اراده از کارگران ساقط شد. وقتی حاکمیت اراده در عقد قرارداد از نیروی کار گرفته می‌شود، کارگر در کارهایی که ماهیت مستمر دارند با قرارداد موقت مواجه می‌شود؛ به این ترتیب کارگر با وجود قراردادهای موقت و کوتاه‌مدت نمی‌تواند در حوزه اقتصادی خانواده برنامهریزی کرده و بداند که چگونه درآمد خواهد داشت تا بتواند هزینه کند. در واقع بخشی از فاصله گرفتن نیروی کار با سبب

معیشت و کاهش قدرت خرید را می‌توان به دلیل گسترش قراردادهای موقت دانست. اگر می‌خواهیم معیشت کارگران را بررسی کنیم، باید به سراغ امنیت شغلی آنها برویم. اگر به موضوع امنیت شغلی بپردازیم، می‌توانیم ساختار معیشت را نیز اصلاح کرده و در قراردادهای کار به شکل ساختاری عمل کنیم. بنابراین، دولت باید توجه به امنیت شغلی نیروی کار را در اولویت قرار دهد. باید تمام فعالان و تشکل‌های کارگری، کارشناسان حوزه اقتصاد، روابط کار، حقوقدانان و کلا دست به دست هم دهند و امنیت کشور را به امنیت شغلی گره بزنند. در حال حاضر، حدود ۶۵ درصد جمعیت ایران، اعم از کارگران رسمی و غیررسمی و زیرمینی خانواده کارگری هستند که باید تلاش شود تا امنیت شغلی آنها به عنوان حق مسلم، قانونی و انسانی کارگران در نظر گرفته شود که اگر این اتفاق بیفتد، مشکل معیشت و درمان این جامعه نیز حل خواهد شد.

از زمانی که قانون کار متولد شد، رویکردی در دولت به وجود آمد که می‌گفت فعالیت‌های اقتصادی باید بر اساس سرمایه‌گذاری آزاد باشد. همین نگاه باعث مخالفت با قانون کار شد و بعد هم عملاً شاهد بودیم در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵ با بخشنامه و دادنامه، قانون کار از حیز انتفاع ساقط شد. اتفاق بسیار بدی که رخ داد، این بود که نیروی کار در تمامی ادوار فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خودش دچار چالش و محرومیت شد. یکی از نیازها و انتظارات جامعه کارگری از دولت جدید این است که به استناد ماده ۲۳۰ قانون کار، این قانون را اجرایی کند.

میثم مهرپور

دبیر گروه اقتصاد

توقف رشد هزینه‌های جاری

میزان بودجه‌های جاری در اقتصاد ایران همواره روندی صعودی داشته است. چنانچه اگر به لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ به عنوان بودجه ۱۰ سال پیش نگاهی بیندازیم، آنقدر اعداد و ارقام بودجه بزرگ‌تر شده که شاید در نگاه اول ما را به اشتباه بیندازد؛ اما واقعیت این است که در اقتصادی که میانگین نرخ تورم آن طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۲۰ درصد بوده، افزایش ارقام بودجه‌ای، اگر چه اتفاق خوبی نیست؛ اما شاید بتوان گفت چاره‌ای جز آن نیز وجود ندارد. برخی از سال‌ها افزایش ردیف‌های بودجه‌ای خیلی بیشتر از میانگین نرخ تورم در آن سال بوده است؛ برای نمونه، در سال ۱۴۰۰ که آخرین بودجه تدوین شده از سوی دولت حسن روحانی بود، هزینه‌های جاری نسبت به سال ۱۳۹۹ رشدی بیش از ۱۱۰ درصد را تجربه کرده بود؛ با این‌حال در لایحه بودجه سال آینده با وجود تورم بالای ۳۰ درصدی در اقتصاد کشور دولت هزینه‌های جاری را تنها ۵ درصد افزایش داده است؛ عددی که می‌توان از آن به عنوان پایین‌ترین رشد هزینه‌های جاری دولت طی ۱۵ سال اخیر نام برد.

اهتمام به صرفه‌جویی

علاوه بر کنترل رشد هزینه‌های جاری در بودجه سال آینده، اعداد و ارقام موجود در لایحه سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد، مصارف عمومی دولت نیز مانند هزینه‌های جاری به سمت انضباط رفته و از افزایش‌های بیش از صد درصدی سال‌های گذشته خبری نیست. چنانچه بر این اساس مصارف عمومی دولت سیزدهم در سال نخست، فقط حدود ۷ درصد افزایش خواهد یافت. این در حالی است که مصارف عمومی دولت در بودجه سال جاری (۱۴۰۰) نسبت به سال ۱۳۹۹ حدود ۱۲۴ درصد افزایش داشت. طبیعتاً افزایش ۷ درصدی مصارف عمومی دولت با توجه به نرخ تورم موجود عزم دولت سیزدهم را برای صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت نشان می‌دهد.

نگاه جدی به مالیات‌ها

شکی نیست که درآمدهای مالیاتی را می‌توان مهم‌ترین درآمد برای تأمین هزینه‌های کشور دانست. موضوعی که البته به واسطه وجود درآمدهای نفتی و وابستگی اقتصاد ایران به این درآمدها طی دهه‌های گذشته چندان جدی گرفته نمی‌شود. شاید بتوان تصویب و اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده از اواخر دهه ۸۰ را نخستین گام اساسی کشور در جهت اصلاح درآمدهای مالیاتی دانست. گامی که اگر چه تداوم نداشته و با

بازنگاه صبح صادق به سند مالی ۱۴۰۱ دولت

بودجه در مسیر اصلاح

هفته گذشته اولین لایحه بودجه دولت سیزدهم تقدیم مجلس شد. لایحه‌ای که امسال بر خلاف برخی از سال‌ها، در موعد مقرر خود به مجلس رفت و حالا با چکش‌کاری و اصلاحات احتمالی نمایندگی پس از تصویب در مجلس و طی مراحل قانونی به قانون بودجه سال آینده تبدیل شده و مسیر یک سال آتی کشور را تعیین خواهد کرد. با این حال، شاید مهم‌ترین موضوع برای مردم و بسیاری از کارشناسان امر در حوزه بودجه را بتوان میزان افزایش و کاهش بودجه دستگاه‌های مختلف و البته تحقق یا عدم تحقق پیش‌بینی‌های بودجه‌ای دانست. دو موضوعی که هم طی این روزها درباره آن خوانده و شنیده‌ایم و هم احتمالاً در روزهای آینده جزئیات بیشتری از این موضوعات خواهیم شنید. در متن زیر به برخی از این موضوعات و اتفاقات مثبت و منفی لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ اشاره شده است.

درست باشد. با این حال، همچنان رقم مشخصی از میزان افزایش عوارض خروج از کشور برای سفرهای مختلف اعلام نشده است.

فرجام تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی

شواهد موجود از لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد، دولت سیزدهم عزم جدی دارد تا تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی را در بودجه سال آینده حذف کند. موافقان حذف این ارز معتقدند، این ارز به اهداف تعیین شده خود برخورد نکرده و در واقع تداوم تخصیص این ارز در سال آینده به معنای تداوم اتلاف منابع ارزی کشور است، موضوعی که نگاهی به آمارها و میزان افزایش قیمت کالاهایی که طی سال‌های گذشته به آنها ارز ۴۲۰۰ تومانی تعلق می‌گرفت مؤید این موضوع است. تقریباً می‌توان گفت همه، حتی دولتمردان گذشته نیز به انحراف تخصیص این ارزها معترف بوده و به محقق نشدن اهداف تعیین شده از تخصیص آن اذعان داشته‌اند. دولت سیزدهم نیز با توجه به این مسئله تصمیم گرفته ارز ۴۲۰۰ تومانی را از اقتصاد ایران حذف کند و مابه‌التفاوت آن را به صورت ریالی به شهروندان تخصیص دهد. مسعود میرکاظمی، رئیس سازمان برنامه و بودجه ایران طی روزهای گذشته در نشستی خبری با بیان این موضوع که سود اصلی از تداوم دلار ۴۲۰۰ تومانی به جیب دلالتان می‌رود، گفته بود:

«ماهياته ۹ نيم ميليارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات کالاهای تخصیص می‌دهیم که هیچ اثرگذاری در زندگی و معیشت مردم ندارد.» اما نکته‌ای که به نظر می‌رسد رئیس سازمان برنامه و بودجه از آن غافل بوده، این است که طبیعتاً انحراف منابع ارزی به این معنا نیست که تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات برخی کالاهای اساسی هیچ تأثیری بر قیمت این کالاهای نداشته یا عملاً تمام ارزهای تخصیص یافته اتلاف یا منصرف شده‌اند؛ بلکه باید نظارت و دقت بیشتری از طریق رصد و پایش‌های ارزهای پرداختی صورت گیرد تا میزان انحراف و اتلاف آنها به حداقل ممکن رسیده و عملاً دست دلالتان بریده شود؛ چرا که طبیعتاً حذف ارز ترجیحی از چرخه واردات کشور و انجام تمام واردات کالاهای اساسی با دلار نیامی یا بازار آزاد منجر به افزایش شدید قیمت این کالاهای خواهد شد. از طرفی با توجه به وجود تورم‌های بالا این مسئله می‌توان به مثابه شوک تورمی جدیدی در اقتصاد کشور عمل کند. موضوعی که اگر چه ممکن است مشکل اتلاف ارزهای ترجیحی را از سر اقتصاد م‌ارفع کند؛ اما این سؤال مطرح است که آیا یارانه‌های ریالی پرداختی به مردم در سال آینده، توان جبران افزایش قیمت برخی از کالاهای اساسی را خواهد داشت؟



حدود ۱۱۰ میلیارد تومان برآورد شده بود که این عدد در بودجه سال ۱۴۰۱ به ۱۵۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. همین اعداد و ارقام و رشد حدود ۱۴ برابری درآمدهای حاصل از عوارض خروج از کشور سبب شده است عده‌ای گمان کنند قرار است میزان عوارض ۱۴ برابر شود؛ یعنی اگر فردی در سال جاری برای خروج از کشور ۴۰۰ هزار تومان هزینه عوارض پرداخت می‌کرد، در سال آینده باید حدود ۵/۵ میلیون تومان پرداخت کند. مسئله‌ای که البته خیلی زود مقامات سازمان برنامه و بودجه آن را تکذیب کردند.

ماجرای عوارض خروج چه بود؟

در سال‌های گذشته میزان عوارض خروج از کشور مشخص می‌شد؛ اما در بودجه سال ۱۴۰۱ به بیان کلی درآمدهای حاصل از عوارض خروج از کشور اکتفا شده است. استدلال دولتمردان حاضر در سازمان برنامه و بودجه این بوده که چون سال گذشته و سال جاری کشور و البته تمام دنیا درگیر ویروس کرونا بوده‌اند، طبیعتاً میزان مسافرت‌ها به شدت کاهش یافته و تعیین رقم ۱۱۰ میلیارد تومانی حاصل از این درآمد در بودجه سال ۱۴۰۰ به این دلیل بوده است. با توجه به رفع احتمالی ویروس کرونا و افزایش مسافرت‌ها در سال آینده میزان درآمدهای ناشی از این موضوع با افزایش چشمگیری مواجه خواهد شد. اگر چه واقعیت این است که در وضعیت اقتصادی فعلی و مسائل مربوط به ارز و کاهش درآمدهای ارزی کشور طبیعی است که دولت عوارض بیشتری را برای انجام سفرهای تفریحی و غیر ضرور دریافت کند تا حتی الامکان این سفرها که به نوعی به منزله خروج ارز از کشور است، کاهش یابد. بنابراین، به نظر می‌رسد حتی در صورت افزایش بیش از ۱۰ برابری عوارض خروج از کشور به لحاظ منطق اقتصادی این اقدام کاملاً

وجود ایجاد شفافیت بیشتر بعد از اجرای این قانون همچنان کمیت مالیات‌ها در اقتصاد ایران لنگ می‌زند. با این حال در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ بر خلاف سال‌های گذشته که شاهد افزایش‌های ۲۰ تا ۳۰ درصدی درآمدهای مالیاتی بودیم، این بار قرار است درآمدهای مالیاتی کشور با یک رشد مناسب، افزایش ۶۲ درصدی را تجربه کند. اگر چه برخی از منتقدان بودجه در سخنانی از این موضوع به عنوان پاشنه آشیل تولید کشور در سال آینده نام برده‌اند؛ اما بررسی‌ها و همچنین اظهارات رئیس سازمان برنامه و وزیر اقتصاد در این باره نشان می‌دهد، این میزان افزایش درآمدهای مالیاتی قرار نیست از بخش تولید کسب شود؛ بلکه سهم اصلی این افزایش به سمت جلوگیری از فرارها یا حتی معافیت‌های مالیاتی خواهد رفت. حذف معافیت مؤسسات و آموزشگاه‌های کنکور را می‌توان از مضادیق این موضوع دانست؛ مسئله‌ای که به صراحت در لایحه بودجه سال آینده به آن اشاره شده است. نکته قابل توجه در موضوع درآمدهای مالیاتی این است که برای نمونه با وجود تورم ۳۰ درصدی در اقتصاد، رشد حدود ۲۰ تا ۳۰ درصدی درآمدهای مالیاتی به معنای عدم هیچ تغییر یا اصلاحی در نظام مالیاتی کشور بوده و این افزایش درآمدی صرفاً ناشی از وجود پدیده تورم در اقتصاد ایران است؛ مسئله‌ای که در سال‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم. اما این بار و با توجه به پیش‌بینی رشد ۶۲ درصدی درآمدهای مالیاتی قطعاً شاهد وجود تحولاتی در نظام مالیاتی کشور خواهیم بود.

ابهام در عوارض خروج از کشور

یکی از مسائل پر حرف و حدیث لایحه بودجه سال آینده طی روزهای گذشته موضوع عوارض خروج از کشور بود. ماجرا این است که درآمد دولت از عوارض خروج از کشور در بودجه سال جاری

شاخص

تورم در آمریکا

به گزارش «سی‌ان‌ان»، در حال حاضر افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم در آمریکا در صدر نگرانی‌ها و نارضایتی مردم این کشور قرار دارد. قیمت همه چیز از مواد غذایی تا حامل‌های انرژی و خودرو رو به افزایش است. از آنجا که اوضاع روز به روز بدتر می‌شود، مردم به دنبال بهبود شرایط هستند.

در ماه نوامبر، نرخ تورم در آمریکا به بالاترین میزان ۴۰ سال گذشته رسید، به گونه‌ای که فقط در حوزه حامل‌های انرژی، شاهد افزایش ۳۳ درصدی قیمت‌ها نسبت به سال گذشته بوده‌ایم. قیمت بنزین به تنهایی ۵۸ درصد رشد کرده است.



منهای نفت

مالیات بر کالاهای لوکس

بارها از درآمدهای مالیاتی به منزله یکی از ابزارهای کاهش و حذف وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی سخن گفته شده است. در وضعیت فعلی، می‌توان به جرت مفیدترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای افزایش درآمدهای مالیاتی را وضع مالیات بر مصرف کالاهای لوکس دانست. موضوعی که در بودجه سال ۱۴۰۱ نیز در نظر گرفته شده و راهی برای افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای ناشی از فروش نفت است؛ به گونه‌ای که طبیعتاً باید از خودرو، مسکن و... باقیمت‌های مشخصی که نشان‌دهنده ثروتمند بودن مصرف‌کننده است، به صورت پلکانی مالیات دریافت کرد.



افزوده

استارت‌آپ

«استارت‌آپ» را به فارسی «شرکت نوپا» ترجمه کرده‌اند. اگر چه در تعریف استارت‌آپ بر این مسئله تأکید وجود ندارد که حتماً فعالیت آن در حوزه فناوری اطلاعات باشد؛ اما به دلیل اینکه بسیاری از استارت‌آپ‌ها در سال‌های اخیر حول این زمینه‌ها شکل گرفته‌اند، گاهی در تعریف استارت‌آپ به این مسئله هم اشاره می‌شود که استارت‌آپ باید در حوزه فناوری‌های نوین فعال باشد. در این زمینه که آیا باید هر فعالیت نوپایی را استارت‌آپ در نظر گرفت یا نه، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. البته در بیشتر کتاب‌های آکادمیک در حوزه کارآفرینی، هر کسب‌وکار نوپایی استارت‌آپ نامیده می‌شود.





دکتر غلامرضا اولاد، مدیر اجرایی پروژه واکسن نورا

همه ظرفیت‌ها به میدان آمدند



دکتر جعفر سلیمیان، مدیر تحقیقات پروژه واکسن نورا

مطالعات بالینی فاز ۱ و ۲ بسیار مطلوب بود

از اثربخش‌ترین واکسن‌های جهان

دکتر حسن ابوالقاسمی

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (اعظم) (عج)
و مدیر پروژه کارآزمایی بالینی واکسن نورا

◆ پیش‌خرید واکسن

مرکز تولید واکسن نورا مرکزی کوچکی است که با حمایت سپاه راه‌اندازی شده؛ اما برخی واکسن‌سازان دنیا با بودجه‌های میلیارد دلاری حمایت شلدند؛ این در حالی است که با دستان خالی اقدام به ساخت واکسن نورا کردیم. امیدواریم وزارت بهداشت برای حمایت از محققان و این کار ارزشمند پیش‌خرید واکسن را انجام دهد.

وی در خصوص ورود نورا به چرخه واکسیناسیون عمومی هم گفت، یک جنبه حمایت اولیه است که باید پیش‌خرید صورت گیرد تا هزینه تولید بازگشته و تولید ادامه پیدا کند، امیدواریم پیش‌خرید سریع‌تر انجام شود.

البته هر قیمتی را که سازمان غذا و دارو برای این واکسن در نظر بگیرد، می‌پذیریم. مهم این است که ما برای سلامت مردم این واکسن را تولید کردیم. عرض کردم نورا هیچ ارزیابی ندارد و به معنای واقعی تولید داخل است.

تحقیقات ما نشان می‌دهد، اثربخشی واکسن ما خیلی بالاتر از بسیاری از واکسن‌های موجود است. در فاز بوستر، معتقدم هیچ واکسنی به اندازه این واکسن‌ها اثربخشی نخواهد داشت.

◆ واکسیناسیون منطقه اهمیت دارد

وی در خصوص صادرات نورا هم گفت، صادرات رسمی والی دارد و باید با سازمان بهداشت جهانی وارد مذاکره شویم تا آنها نیز مجوز لازم را صادر کنند؛ اما برای امنیت جمعی و مقابله با کرونا لازم است که علاوه بر مردم ایران، کشورهای منطقه هم واکسینه شوند تا منبع تکثیر در منطقه از بین برود.

الان بحث کودکان هم مطرح است. ما جزء اولین واکسن‌سازانی بودیم که درخواست آغاز مطالعات بر روی کودکان را دادیم؛ اما متأسفانه وزارت بهداشت بدون هیچ دلیلی با درخواست ما مخالفت و اعلام کرد که مطالعه باید پس از اتمام فاز سه باشد.

◆ نورا مقاوم به جهش‌ها

دکتر ابوالقاسمی در رابطه با جهش‌های جدید ویروس هم گفت، پروتئین RBD می‌تواند اکثر سوش‌ها را پوشش بدهد. از این بابت خدا را شکر می‌کنیم که از ابتدا مسیر تولید واکسن اثربخش را به خوبی رفتیم. معتقدیم این واکسن در دنیا از مطمئن‌ترین نوع واکسن‌هاست.



◆ پیش‌بینی درست

وی روی این نکته تأکید دارد که پیش‌بینی محققان ما درباره ساخت واکسن پروتئینی بسیار مهم بود، در آن زمان کسی سراغ این نوع واکسن نمی‌رفت و اغلب به دنبال ساخت واکسن‌های ویروس‌کشته یا ضعیف شده یا MRNA رفتند، ما می‌دانستیم که آینده کرونا به واکسن‌های پروتئینی گره خورده است و امروز می‌بینیم که بهترین واکسن برای دُز یادآور واکسن‌های پروتئینی هستند. امیدوارم پس از اعلام نتایج انبوهی از این واکسن در اختیار مردم قرار گیرد. سخت‌گیری وزارت بهداشت در حوزه تحقیق واکسن کاری عاقلانه بود و همین موضوع سبب شد تا محصولی با کیفیت و اعتماد بالا به دست مردم برسد. هر چند خیلی از سرعت کار ما را گرفت و بعضی جاها هم بی‌جهت طولانی شد. ولی زمانی که با نتایج کار مواجه شدیم با اطمینان اقدامات لازم برای تولید را هم شروع کردیم.

◆ پنج میلیون دز آماده تحویل

خط تولید ما در شرکت «پرسیژن» از سوی وزارت بهداشت تأیید شد و امروز به محض اینکه نتایج فاز سوم مورد تأیید وزارت بهداشت قرار گیرد، ۵ میلیون دُز واکسن به وزارت بهداشت تحویل می‌شود. نکته مهم این است که نورا نه در تحقیق و توسعه و نه در تولید هیچ وابستگی‌ای به خارج از کشور ندارد و به‌صورت صددرصد ایرانی

انسانی بعد از اخذ کد اخلاق صادر شد. حدود هفتاد نفر در این مرحله شرکت کردند. البته داوطلبان بیشتر بودند؛ اما شرایط برای ۷۰ نفر مهیا بود که عارضه‌ای هم مشاهده نشد.

◆ مانع ادغام فازها شدند

دکتر ابوالقاسمی یک دغدغه مهم هم در زمینه فاز انسانی دارد که از ابتدا آن را مطرح می‌کرد و آن اینکه، علاقه‌مند بودیم مانند واکسن‌سازان خارجی، که فازهای یک یا دو و سه را با هم ادغام می‌کنند، این کار را انجام دهیم که این اجازه به ما داده نشد. به ما اعلام کردند که باید کار مرحله به مرحله پیش رود و خوشبختانه موفق به دریافت مجوز فاز دو شدیم. فاز دو مطالعه بیش از دو ماه طول کشید و نتایج آن به شکل میان مرحله و پایانی در اختیار وزارت بهداشت قرار گرفت و به ما اعلام شد به سرعت رسیدگی انجام می‌شود. برای فاز ۳ هم، چون دیگر داوطلب واکسن نزده خیلی کم پیدا می‌شود و امکان دارد وارد پیک ششم هم شویم، توافق شد که ده هزار نفر در فاز سه دوز سوم یا بوستر را نورا دریافت کنند. در این مرحله اثربخشی واکسن به صورت وسیع بررسی می‌شود و میزان آنتی‌بادی‌سازی آنها مشخص می‌شود و امیدوارم نتایج فاز سوم مانند فاز اول و دوم همراه با موفقیت باشد تا بتوانیم با امید خدا تزریق عمومی را آغاز کنیم.

◆ اولین‌ها

وی می‌گوید، کلید ساخت واکسن «نورا» از اسفند سال ۱۳۹۸ با تلاش محققان دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) زده شد و جزء اولین‌ها بود. برخی از محققان دانشگاه امام حسین (ع) هم به کمک ما آمدند تا به سفارش مرکز تحقیقاتی صنعتی سپاه پاسداران کار را شروع کنیم. در آن دوران زیرساخت تولید واکسن را نداشتیم، اما دانش این کار را داشتیم؛ یعنی بیوتکنولوژیست، ایمونولوژیست و ویروس‌شناس و محققان بالینی کاربرد در دانشگاه حضور داشتند. روی موضوع ساخت واکسن تردید نداشتیم؛ حتی پیش‌بینی کردیم که تا ابتدای سال ۱۳۹۹ پروژه به نتیجه برسد؛ اما این دغدغه وجود داشت که تولید محصول کجا انجام شود؟

◆ برون‌سپاری تولید

دو راه پیش رو داشتیم: اول اینکه یک مرکز تولید بسازیم، دوم اینکه از ظرفیت‌های کشور برای تولید محصول استفاده کرده و وقت خودمان را صرف تولید دانش کنیم و به دنبال مطالعات بالینی باشیم. ایده دوم را انتخاب کردیم؛ چون سرمایه و هزینه کافی برای ساخت زیرساخت تولید در اختیار نداشتیم، بنابراین به دنبال خلق دانش رفتیم. حالا کار تحقیقات آغاز شد.

◆ سه مرحله حیوانی

وی در خصوص مراحل موفق تحقیقات می‌گوید، متخصصان مختلفی در این پروژه مشغول به کار شدند، کار به مرحله حیوانی رسید، ابتدا قرار بود روی موش آزمایش شود، سپس خرگوش و میمون هم افزوده شد و کمی فرآیند مرحله حیوانی به درازا کشیده شد؛ ولی در هر سه مرحله نتایج بسیار خوبی کسب شد و واکسن نورا سربلند بود. زمانی که نتایج را در اختیار سازمان غذا و دارو قرار دادیم، به ما اعلام شد که این واکسن می‌تواند در فاز یک انسانی آزمایش شود؛ البته پروپوزال‌مان بسیار سختگیرانه دآوری شد و مجوز فاز یک



دکتر غلامرضا اولاد، مدیر اجرایی پروژه واکسن نورا

همه ظرفیت‌ها به میدان آمدند

ارزومندگان دفاع مقدس است که به عرصه علم و دانش پا گذاشته و امروز در دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله به عنوان مدیر تحقیقات صنعتی مشغول فعالیت است. از نفرات اول تیم طراحی و تولید واکسن نوراست و هم اکنون مدیر اجرایی این پروژه به شمار می‌آید. با دکتر غلامرضا اولاد در زمینه راهبرد دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله برای تولید واکسن نورا هم‌کلام شدیم که در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آقای دکتر درباره ورود دانشگاه به بحث تولید واکسن توضیح دهید.

در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ حضرت آقا بر تولید واکسن داخلی تأکید کرده بودند. ما کارمان را از اسفند ۱۳۹۸ شروع کردیم. بلافاصله بعد از شروع ایپدمی ظرف یکی دو هفته تیم اصلی چیده و کار شروع شد. تیم اصلی دکتر جعفر امانی، متخصص ژنتیک مولکولی، بنده متخصص بیوتکنولوژی مولکولی، دکتر شهرام نظریان رئیس مرکز زیست‌شناسی دانشگاه امام حسین (ع)، دکتر جعفر سلیمیان متخصص ایمونولوژی و محقق اصلی هم دکتر ابوالقاسمی بود. این تیم در همان دو هفته اول بحران کرونا تشکیل شد و جلسات هم‌اندیشی برای مقابله و پیشگیری بیماری تشکیل و بررسی‌ها انجام شد تا تصمیم بگیریم به سمت کدام یک از پلتفرم‌های موجود دنیا در حوزه تولید واکسن برویم. جلسات هم‌اندیشی در مراکز داخلی و مراکز خارج سپاه انجام شد. در داخل سپاه مرکز تحقیقات بیولوژی مولکولی دانشگاه بقیه‌الله (عج)،

مرکز تحقیقات میکروبیولوژی کاربردی-دانشگاه بقیه‌الله (عج)، مرکز تحقیقات آسیب‌های شیمیایی دانشگاه بقیه‌الله (عج)، مرکز تحقیقات ویروس‌شناسی دانشگاه بقیه‌الله (عج) و مرکز تحقیقات زیست‌شناسی دانشگاه جامع امام حسین (ع) و در خارج از سپاه جلسات هم‌اندیشی با پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری، دانستیتو واکسن و سرم‌سازی رازی بخش ویروس، دانستیتو واکسن و سرم‌سازی رازی بخش واکسن‌ساز، شرکت بایریل (برای تولید صنعتی واکسن)، پژوهشگاه ملی ژنتیک دانستیتو واکسن و سرم‌سازی رازی، دانستیتو پاستور و شرکت‌های دانش‌بنیان با محوریت مراکز تحقیقات مولکولی و مراکز تحقیقات میکروبیولوژی ویروس‌شناسی و... که در طی آن پلتفرم‌های مختلف بررسی شد و اطلاعات جامعی به دست آمد.

شما در مجموع این تحقیقات به چه پلتفرمی رسیدید؟

ابتدا باید انواع را عرض کنم، بعد پاسخ شما را بدهم. انواع واکسن شامل ویروس کشته شده، ویروس زنده، واکسن پایه ویروس VLP، پروتئین نو ترکیب، DNA واکسن و RNA واکسن، وکتور پایه و مزایای و معایب آن هر نوع واکسن چه سازوکاری دارد و مزایای و معایب آن چیست، بررسی شد. حتی پروژه‌های جهانی هم بررسی شد (البته آمار امروز سازمان بهداشت جهانی در رابطه با انواع واکسن کرونا هم این است که ۳۵ درصد پروژه‌های واکسن، یعنی ۴۷ پروژه پروتئین نو ترکیب است که این نشان‌دهنده انتخاب درست ما در همان اسفند ماه ۹۸



بود. در واقع پلتفرم انتخابی ما این شد؛ چراکه امکان تهیه زیرساخت آزمایشگاهی سطح سه را داشتیم، عملاً امکان تولید واکسن‌های ژنی را داشتیم و مورد پسند هم نبود، فناوری واکسن‌های MRNA را هم نداشتیم، زیرساخت واکسن نو ترکیب وجود داشت و امکان تولید انبوه آن نیز با استفاده از ظرفیت‌های داخلی وجود داشت. عملاً واکسن نو ترکیب می‌توانست یک واکسن صددرد داخل بدون نیاز به دانش خارجی و واردات تجهیزات بود.

آقای دکتر فرآیند تحقیق و تولید به چه شکل انجام شد؟

شورای راهبردی متشکل از چند بخش شکل گرفت؛ خود ما که در دانشگاه بقیه‌الله هستیم، دکتر نظریان از دانشگاه جامع امام حسین (ع)، یک تیم ناظر که دکتر اکبری، شهریاری و میرزاد هستند و کارفرما هم نماینده‌ای در شورا داشت که دکتر تقفی و مهندس احمدپور هستند.

خارج از سپاه هم از مؤسسه واکسن و سرم‌سازی رازی و پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک همکاری ما را همراهی می‌کردند. شرکت‌های دانش‌بنیان هم در این زمینه همراه ما بودند؛ از جمله شرکت بایریل که تولید صنعتی را برعهده دارد و چند آزمایشگاه دانش‌بنیان و شرکت خصوصی دیگر، مانند بخش شتاب‌دهنده پرسیس ژن، شرکت جابرین حیان، نفس فارمد دارو، زیست دارو و آزمایشگاه ژن سبز؛ اما در زمینه اینکه چه کاری انجام شد باید بگویم که ما پروژه را از چند مسیر هم‌زمان با استفاده از پروتئین‌های نو ترکیب به عنوان کاندیداهای مختلف هم‌زمان واکسن شروع کردیم. بعد نمونه‌های موفق را انتخاب کردیم و به هدف لازم رسیدیم. در کل فرآیند از انتخاب فناوری طراحی و ساخت شروع شد، در مرحله پیش بالینی مطالعات سلولی، مولکولی و حیوانی انجام شد، بعد به استانداردسازی خط تولید، ایمنی تولید و گرفتن مجوز مبادرت کردیم. در حال حاضر، کارآزمایی بالینی در سه مرحله در حال انجام است که بعد از آن تولید انبوه و زنجیره پخش وجود دارد و کار ما با نظارت بر کارآیی واکسن در این مرحله ادامه خواهد یافت.

شما کار واکسن نورا را زودتر از سایر مجموعه‌ها شروع کردید، اما گویا یک سری اتلاف وقت و بررسی‌های وقت‌گیر سرعت کار شما را گرفت، در این خصوص توضیح دهید.

نظارت و صدور مجوز فرآیندی دارد که خوب بود عزیزان وزارت بهداشت کمی تسریع می‌کردند. ما فاز اول را در

بحث مطالعات اسفند ۱۳۹۸ انجام دادیم. فاز دوم که تولید آنتی‌ژن بود، تا اردیبهشت ۱۳۹۹ در دو دانشگاه سپاه انجام شد. فاز سوم که انجام آزمایش‌های تحلیلی و آنالیز برای انتخاب آنتی‌ژن برتر بود تا آذر ۱۳۹۹ طول کشید. فاز چهارم که فرمولاسیون و تعیین خصوصیت و دوزبندی کاندیدا واکسن بود، اسفند ۱۳۹۹ تمام شد. از آن به بعد تا خرداد ۱۴۰۰ اخذ مجوز طول کشید و الان هم مجوز کارآزمایی بالینی فاز به فاز جداگانه داده شده و اجازه ترکیب فازها را ندادند که این سرعت کار را گرفت.

اجرای این پروژه چه دستاوردهایی به جز تولید خود واکسن داشت؟

سؤال خوبی کردید، ما در این پروژه بانک اطلاعات جامعی را جمع‌آوری کردیم، کمیته خبرگان واکسن و پیشگیری دودانشگاه سپاه تشکیل شد، دانش فرمولاسیون و پایدارسازی واکسن کسب شد، هم‌افزایی سپاه و بخش خصوصی هم در این پروژه مهم است. در حوزه پدافند زیستی سازوکار علمی لازم کسب شد، مهم‌تر از همه فرمان ولی فقیه اجرا شد، ظرفیت‌های درون سپاری و برون سپاری پروژه در سپاه برای حصول به محصول بررسی و مدیریت شد. برای مقابله قطعی و سریع بعدی پلتفرم قطعی مشخص شد و این را متوجه شدیم که باید در سپاه برخی زیرساخت‌های لازم را برای شرایط عادی یا بحران در زمینه تولید واکسن ایجاد کنیم. چون ما برای تولید هم اکنون با شرکت خارج از سپاه قرارداد اولیه را اسفندماه سال قبل بستیم که ماهانه سه تا پنج میلیون دوز تولید خواهد شد.

دکتر جعفر امانی، سرپرست پروژه واکسن نورا

نورا نتیجه مطالعات دقیق علمی است

دکتر جعفر امانی، رئیس مرکز تحقیقات علوم میکروبیسی، متخصص ژنتیک مولکولی و سرپرست پروژه واکسن نوراست که در حوزه طراحی و تولید این واکسن نقش داشته است. با وی هم‌کلام شدیم تا درباره پلتفرم‌های تولید واکسن کرونا و نحوه کار واکسن نو ترکیب نورا اطلاعات علمی دقیقی را کسب کنیم.

درباره واکسن‌های پروتئینی کرونا توضیح دهید که به چه نحو عمل می‌کنند؟ سازوکار تولید و اثرشان به چه شکل است؟

ویروس کرونا چند بخش دارد و بر همین اساس به جز RNA، مابقی بخش‌ها غشاهای پروتئینی هستند. چهار غشای پروتئینی E protein، M protein، N protein، S protein، tein وجود دارد که در طراحی نورا به بخش S protein توجه شد. انتخاب آن بخش‌هایی که برای واکسن مؤثرتر است، خیلی مهم بود که آن بخش از ویروس را داشته باشیم. این پروتئین دو قسمت دارد که یک قسمت آن با اتصال به سلول‌های انسانی وارد بدن می‌شود؛ یعنی در این بخش با ساختاری که ویروس دارد، بعد از اتصال به سلول برش می‌خورد و رشته‌های RNA ویروس وارد بدن می‌شود. لذا بخش S1 در طراحی واکسن برای ما مهم بود. البته برخی شرکت‌های بزرگ واکسن به بخش‌های دیگر را پرداختند، اما در جهش‌های بعدی ویروس معلوم شد که برخی از این انتخاب‌ها مناسب نبوده است. ما روی پروتئین Spike متمرکز

شدیم که یک پروتئین قندی است. نقشه ویروس کرونا و سارس را که بررسی کنیم تنها ناحیه‌ای که در این پروتئین قندی نمی‌شود، بخش RBD است. مقصود من از گفتن این اصطلاحات علمی رسیدن به همین بخش بود که بحث واکسن نورا است. پس ما روی RBD تمرکز کردیم. از این ناحیه اتصال صورت می‌گیرد و ویروس در بدن میزبان عمل می‌کند.

خیلی سخت و پیچیده بود، ولی ظاهراً لازم بود که توضیح دهید. حالا که به سمت این بخش از ویروس برای تولید واکسن رفتید، چقدر در اثربخشی بیشتر واکسن نورا نسبت به دیگر انواع مؤثر است؟

در کل در سویه‌ها و جهش‌ها مهم‌ترین تغییرات در همان RBD است که سبب می‌شود میزان سرایت و چسبندگی ویروس به سلول‌های میزبان افزایش پیدا کند. اینکه گفته می‌شود در جهش‌ها و سویه‌های جدید میزان سرایت بالا می‌رود، به دلیل همین موضوع است. در طراحی پروتئین نو ترکیب به راحتی می‌توان این مسائل را در نظر گرفت؛ شرکت‌هایی هم که قبلاً واکسن را به مرحله واکسیناسیون رسانده‌اند، الآن مطالعات جدید را هم برای سویه‌های جدید انجام می‌دهند. در کل نورا هم همین جنبه و توانایی را دارد که با سویه‌های جدید تطبیق داده شود. از طرفی بیشتر واکسن‌ها دو دوز هستند، اما واکسن‌های پروتئینی اکثراً سه دوز هستند. الآن بیشتر پروژه‌های واکسن



دنیا پروتئینی هستند. بر اساس جدول اطلاعات سازمان بهداشت جهانی کمتر از نیمی از پروژه واکسن‌های کرونا در جهان پروتئینی هستند که البته چون اکثراً تازه شروع کرده‌اند، تا الان فقط دو سه واکسن پروتئینی مجوز گرفته‌اند و مابقی در مراحل تحقیق و توسعه هستند. بیشتر واکسن‌های پروتئینی روی همین Spike پروتئین کار می‌کنند. الآن شرکت‌های نووکس، سنوفی پاستور، مؤسسه واکسن و سرم‌سازی رازی در فاز ۳ انسانی این نوع واکسن‌ها هستند، شرکت‌های دیگری هم هستند که دارند فاز دو و یک را انجام می‌دهند و به مرور این افزوده خواهد شد که نشان می‌دهد دنیا متوجه شده است آینده واکسن پروتئینی است. شرکت‌هایی که در این حوزه روی بخش RBD تمرکز دارند هم زیاد است، برای نمونه واکسن پاستور کوک ایران و کوپا و... که نورا هم از این دسته است. طراحی واکسن نورا بر اساس تست روی چهار نوع از

پروتئین‌ها شکل گرفت تا در مطالعات به این شکل که عرض کردیم رسیدیم به اثربخش بودن کار روی RBD پروتئین‌های مختلف تولید شد، در معرض میزبان قرار گرفت و تولید آنتی‌ژن و آنتی‌بادی بررسی شد. از طرفی باید کشت ویروس و سنجش خنثی‌سازی با سرم بیمار و سرم موش هم صورت می‌گرفت. از نتایج این دو بخش و مستندسازی آن بحث تعیین دوز آنتی‌ژن، تعیین پایداری آنتی‌ژن و خیلی از مباحث دیگر بیرون آمد و بعد از تکمیل مستندات و مشخص شدن مسیر تولید واکسن تولید پایلوت شروع و کارآزمایی بالینی انجام شد. البته این خلاصه مراحل کار بود که خیلی هم ناقص عرض کردم؛ چون مباحث علمی است و اصطلاحات به صورت عموم قابل فهم نیست.

شما آزمایش‌هایی هم قبل از مراحل بالینی روی حیوانات انجام داده‌اید، که اول قرار شد روی موش باشد، بعداً خرگوش و میمون هم افزوده شد، درست است؟

بله در مراحل آزمایش حیوانی مراحل مختلفی داشتیم. مسیر انتخاب فرمولاسیون منتخب پروتئین واکسن هم در همین مرحله بود، یعنی چهار پروتئین منتخب فرموله شد و در یک مرحله ۴۰ گروه ده سر موش، یعنی ۴۰۰ سر موش ارزیابی شدند تا آنتی‌بادی و سایر اثرات واکسن مشخص شود. همه نتایج منطبق با روش‌های علمی بررسی شد، حتی کشت بافت و پاتولوژی هم صورت گرفت و نتایج بسیار مثبت بود. میزان ایمنی‌زایی



دکتر علی احمدی، عضو تیم کارآزمایی بالینی واکسن نورا

آماده اجرای سریع فاز ۳ هستیم



بودیم. در این دو فاز با حداقل دو پیک کرونا مواجه بودیم که چالش ما بود و پیک ششم اگر سریع شروع شود، چالش فاز ۳ خواهد بود. مطالعه فاز ۳ این چالش را دارد. در رابطه با ۹ هزار و ۷۰۰ نفری که بیرون از مرکز هستند هم چالش پیدا کردن درمانگاه و محل مناسب برای مطالعات فاز ۳ است که شهرک‌ها و مراکزی که بتوانند چنین امکانی را فراهم کنند، کمی سخت است. پرسشنامه‌ها الکترونیکی خواهد بود و در این فاز تعداد زیادی نیرو نیاز داریم تا در مراکز تزریق فعالیت کنند. همچنین به حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر نیرو برای ثبت داده و تماس تلفنی نیاز داریم؛ در حالی که فاز دو و سه فقط با ۲۰ نفر انجام شد. با توجه به فرآیندی که داریم و حجم بالای تماس‌های تلفنی که باید انجام شود، حدود ۳۰ نیرو روزانه ده ساعت باید در اختیار داشته باشیم. نرم‌افزار ثبت برخط داده‌ها را طراحی کرده‌ایم که در رایانه‌ها نصب می‌شود و داده‌ها هم‌زمان در خود سایت وارد می‌شود.

نتایج فاز ۳ بعد از چه مدتی مشخص می‌شود؟

این یک فرآیند است، البته در فاز ۱ و ۲ خیلی سخت‌گیری وجود داشت و فکر می‌کنم در فاز ۳ سختگیری بیشتری برای نورا اعمال شود؛ ولی سعی ما این است که تزریق‌ها و ثبت داده‌ها به سرعت انجام شود که هم به پیک ششم نرسیم و هم اینکه بتوانیم تا اسفند ماه سال جاری همه نتایج را ارائه کنیم.

دعوت به مرکز در بخش رضایت آگاهانه امور مربوط به آزمایش‌ها و تأیید صلاحیت جسمی برای شرکت در فازهای کارآزمایی انجام می‌شود. البته دکتر سلیمیان در این خصوص گزارش دقیق و تکمیلی خواهند داد.

در فاز ۳ تغییری در این روند وجود دارد؟
در فاز ۳ به دو گونه است: یک گونه برای ۳۰۰ نفر هست که در خود مرکز ما انجام می‌شود و برای بحث دوز بوستر ۲۷۰۰ نفر دیگر که جمعیت خارج از خود مرکز هستند، حدود ده مرکز جمعیتی مدنظر قرار گرفته است که به آنجا مراجعه صورت می‌گیرد.

شرایط شرکت در فاز ۳ چگونه است؟ گروه سنی مد نظر ۱۸ تا ۶۰ سال است و شرط اصلی این است که در برنامه واکسیناسیون کشوری یکی از واکسن‌های اصلی سینوفارم، برکت، استرازانکا، اسپوتنیک یا اچانا بهارات را هر دو دوز دریافت کرده باشند و حداقل سه ماه از تزریق دوز دوم واکسن ها گذشته باشد.

ابتلا به عفونت، مشکوک به کرونا، در حال گذراندن قرنطینه، عفونت حاد باکتریایی، سابقه واکنش‌های آلرژیک، بیماری‌های ضعف سیستم ایمنی مانند ایدز، مصرف داروهای سرکوب‌کننده سیستم ایمنی و در نهایت زنان باردار و شیرده. البته در فاز یک و دو حجم زیادی از زنان باردار و شیرده مراجعه داشتند، چون متوجه کم عوارضی واکسن پروتئینی بودند و از عوارض سایر واکسن‌ها بیم داشتند، که البته معذور



در هسته اصلی و در مرکز هستند، میزان ایمنی‌زایی در فاز ۳ است و در خود سایت بررسی می‌شوند. از این ۳۰۰ نفر به صورت دو به یک واکسن نورا و سینوفارم به عنوان بوستر دریافت می‌کنند و مقایسه صورت می‌گیرد. از اهدافی که در این مرحله مد نظر است، تعیین عوارض احتمالی ناخواسته ۳۰ دقیقه بعد از تزریق و هفت روز و ۲۸ روز بعد از تزریق بوستر است. مقایسه پاسخ ایمنی سلولی واکسن بوستر نورا و بوستر سینوفارم در این افراد انجام می‌شود. تست خنثی‌کنندگی ویروس بین دو واکسن هم مقایسه خواهد شد.

بنده در فاز دوم کارآزمایی شرکت داشتم، به نظرم در رابطه با روند کار در فازهای قبلی هم توضیحی بدهید تا روشنگری شود.

بله، همانطور که خودتان دیدید روند کار برای کارآزمایی بالینی به این سبک بود که بعد از نام‌نویسی داوطلب و

فرمانده و ریاست دانشگاه و بخش‌های مختلف دانشگاه در به ثمر رسیدن فعالیت‌های این مرکز تشکر و قدردانی کنم. مرکز فضاهای مختلفی دارد و از اتاق‌های ثبت داده، رضایت آگاهانه، انجام واکسیناسیون، معاینه پزشکی، غربالگری، نمونه‌گیری، اتاق استراحت، اتاق تزریق و سایر بخش‌ها تشکیل شده است. این مرکز در فرآیند شش ماهه تجهیز و راه‌اندازی شد و تیم اجرایی واکسن با همفکری هم بحث تجهیز این مجموعه را انجام دادند که خود این مرکز و تجهیز آن به عنوان یکی از تجربه‌های مهم برای دانشگاه جدای از خود پروژه واکسن باقی خواهد ماند و تجربه ارزشمندی است، فضایی که ممکن بود بعد از مدت‌ها برای موضوعات اضطراری، مانند سوختگی یا دیگر موضوعات تجهیز شود، با این هدف به سرعت و با بهترین امکانات تجهیز شد.

در مورد فاز ۳ کمی بیشتر توضیح دهید.
در فاز ۳ قرار است به صورت واکسن بوستر روی ۱۰ هزار نفر تزریق و بررسی انجام شود و کارآزمایی بالینی در دو بازوی داوطلبان انجام خواهد شد. یک بازوی ۳۰۰ نفره که در خود مرکز کارآزمایی بالینی شهید سلیمانی انجام می‌شود و ۹ هزار و ۷۰۰ نفر دیگر هم در مراکز خارج دانشگاه انجام خواهد شد که مدیریت پروژه در حال رایزنی با مراکز خارج از دانشگاه از جمله مراکز واکسیناسیون جمعیتی و شهرک‌ها هستند که داوطلب‌گیری در آن مراکز انجام شود و ۹ هزار و ۷۰۰ نفر واکسن بوستر را دریافت کنند. ۳۰۰ نفری که

دکتر علی احمدی، عضو تیم کارآزمایی بالینی واکسن نورا و مدیر داخلی مرکز کارآزمایی شهید سلیمانی است که مدتی است در حال برنامه‌ریزی و زمینه‌چینی برای اجرای فاز ۳ کارآزمایی واکسن بوده است. در گفت‌وگو با وی مباحث و ابعاد مختلف فاز کارآزمایی بالینی واکسن نورا را بررسی کرده‌ایم که ماحصل آن را می‌خوانید.

لطف کنید در خصوص فاز ۳ کارآزمایی واکسن نورا توضیح دهید.

با توجه به گسترده بودن فاز ۳ کارآزمایی بالینی واکسن نورا، لازم است از هم‌اکنون کارهای لازم برای اجرای این فاز انجام شود؛ چرا که در این مرحله تعداد زیادی شرکت‌کننده خواهیم داشت. بررسی ایمونوژنیستی و ایمنی واکسن نورا به عنوان دوز بوستر یا دوز سوم بعد از تزریق واکسن‌هایی که در واکسیناسیون عمومی تزریق شده است، هدف این فاز است.

شما که مسئول مرکز کارآزمایی بالینی شهید سلیمانی هستید، درباره این مرکز هم توضیح دهید.

مرکز کارآزمایی بالینی از خرداد ماه امسال ایجاد شد و مزین به نام شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی است. این اولین تجربه برای انجام یک کارآزمایی سازماندهی شده و نظام مند در مجموعه بود که به عنوان یک تجربه موفق هم عمل کرد. این کار تجربه بسیار خوبی برای دانشگاه بود و جا دارد که از حمایت و همکاری ارکان

دکتر جعفر سلیمیان، مدیر تحقیقات پروژه

مطالعات بالینی فاز ۱ و ۲ بسیار مطلوب بود

محل استراحت موقت، مرکز ثبت داده و... بود. در فازهای ۲ و ۳ مطالعات تنها با کمی تغییر در تعداد افراد داخل در مطالعه و دقیق‌تر شدن مسیر مطالعه همین روند انجام می‌شود. اما گزارش پایانی نتایج کارآزمایی بالینی فاز ۱ باید در اختیار کمیته پایش ۱۲ نفر هستند، قرار می‌گرفت که اعضای مهمی دارد و تأیید آنجا انجام می‌شود.

در کل کارآزمایی بالینی فاز ۱ با بررسی ایمنی و ایمونوژنیستی واکسن نو ترکیب (پروتئین کانددی) نهایی واکسن نورا (RBD) در سه نوبت تزریق واکسن در دو اندازه ۸۰ و ۱۲۰ میکروگرم انجام شد. بخش‌های مذکور بخش‌های مختلف مرحله کارآزمایی بالینی است.

نوبت تزریق به چه شکل بود؟
بر اساس مطالعات به اصطلاح نوبت صفر، ۲۱ و ۳۵ روز در نظر گرفته شد.

در مطالعه ممکن است که فردی حین مطالعه شما دچار عوارضی به جز عامل واکسن هم شود، این در نتیجه تأثیر نخواهد داشت؟

بله، پروتکل جهانی به این صورت است که علاوه بر واکسن به درصدی از شرکت‌کنندگان در مطالعه شبه واکسن یا چیزی مثل آب مقطر تزریق می‌شود که به جز مسئول مربوطه کسی از واکسن یا غیر واکسن بودن تزریق به افراد مطلع نیست، یعنی نه افراد تیم کارآزمایی و نه شرکت‌کننده در مطالعه نمی‌دانند که واکسن را دریافت کرده‌اند یا شبه واکسن و لذا در بررسی‌ها این راهکار کمک

دکتر جعفر سلیمیان، ایمونولوژیست و از اعضای تیم اجرایی واکسن نورا است که در یک مجال کوتاه با وی درباره نتایج و نحوه کار در فازهای ۱ و ۲ مطالعات بالینی واکسن نورا صحبت کردیم، در ادامه مختصری از این هم‌کلامی را می‌خوانید.

آقای دکتر در خدمت شما هستیم تا درباره فاز ۱ کارآزمایی بالینی واکسن نورا بشویم.

بله، باید عرض کنم که در رابطه با کارآزمایی بالینی چند قسمت وجود دارد، یکی تیم راهبری یا اتاق فکر است که همان بچه‌های تیم واکسن هستند به علاوه دکتر ابوالقاسمی و دکتر علی شیری. بخش مستقلی وجود دارد که مسئول تهیه پروتکل‌ها و مانیتورینگ است، ارزیابی کارآزمایی را هم به عهده دارد و بازخورد کار را به سازمان غذا و دارو ارائه می‌دهد. تیم کارآزمایی را هم که آقای دکتر علی احمدی مدیریت کردند و در حال حاضر درگیر آماده‌سازی فاز ۳ هستند. کار هم در سایت شهید حاج قاسم سلیمانی در محل دانشگاه انجام شد. در این مرکز پس از نام‌نویسی داوطلبان و تأیید اولیه، فرد به مرکز دعوت می‌شد و بعد از پذیرش و گرفتن رضایت آگاهانه، غربالگری، معاینه پزشکی و نمونه‌گیری می‌رفت تا در صورت تأیید برای تزریق دوباره فراخوان شود. سایر بخش‌های مرکز هم علاوه بر پذیرش، رضایت آگاهانه، پزشک، غربالگری و نمونه‌گیری، شامل محل تزریقات،

هم در معرض ویروس قرار گرفت و نتایج خوبی به ما داد. پاسخ‌های ایمنی سلولی خیلی خوب بود و نشان داد سطح واکنش و التهابات در مواجهه آنتی‌بادی ناشی از واکسن با ویروس خیلی مناسب و کنترل شده است و عوارض و التهابات خاصی ایجاد نمی‌کند. نتایج فاز ۱ ایمنی خیلی خوب بود و عوارض نداشت و اختلاف آنتی‌بادی بین دو ۱۲۰ و ۸۰ زیاد نبود که در ادامه ما در ۸۰ میکروگرم را برگزیدیم. در کل ایمنی سلولی خوبی ایجاد شد.

در زمینه اجرای فاز ۲ کارآزمایی بالینی هم توضیحاتی می‌دهید؟

بله. این فاز هم شروع شده است؛ البته مجوز آن تأخیر زیادی داشت. بر این اساس وارد فاز ۲ شدیم؛ پس از تأیید سازمان غذا و دارو و مراحل دیگر که تأخیر هم داشت، در فاز ۲ گزارش میان دوره را به تازگی به سازمان غذا و دارو ارائه دادیم. در این فاز طراحی برای ۳۰۰ نفر است که ۶۰ نفر شبه واکسن و ۲۴۰ نفر واکسن دریافت می‌کنند و اجماع بر دز ۸۰ میکروگرم است. در گزارش میان دوره فاز ۲ آخرین گزارشی که به سازمان غذا و دارو داده شده، اطلاعات ۱۵۴ شرکت‌کننده که به روز نهایی ارزیابی رسیده‌اند، ارائه شده و مابقی در حال ارائه است. به واسطه پیک پنجم و واکسیناسیون عمومی کمی جذب در تعداد مورد نظر داوطلب تأخیر پیدا کرد و کند شد. از این میان ۱۱۹ نفر واکسن و ۳۵ نفر شبه واکسن دریافت کردند و نتایج خوبی هم تا این لحظه از این فاز به دست آمده که همگی مؤید اثربخشی واکسن نورا است.

متناسب بودند.

چه نتایجی در این فاز کسب شد؟
در یک توضیح کلی عرض کنم که ما بعد از تزریق به صورت روزانه پیگیری وضعیت شرکت‌کنندگان در مطالعه بودیم، البته فرد بعد از تزریق تا حدود یک ساعت تحت نظر ما بود، بیشترین عارضه گزارش شده درد محل تزریق نیم ساعت بعد از تزریق بود که در هر سه گروه مشاهده شد این در تزریق واکسن شایع است. درد محل تزریق، قرمزی و سفتی محل تزریق شایع بود که عرض کردم در هر سه گروه این وجود داشت و عارضه عادی در هر تزریقی است. یک مورد هم درد شدید بود که با مسکن قابل رفع بود. بیشتر افراد هیچ‌گونه عارضه‌ای نداشتند، خواب‌آلودگی و گلودرد هر کدام در یک نفر، گزارش شد، احساس سنگینی در قفسه سینه در یک نفر در تزریق دوم و سر درد هم در یک نفر گزارش شد و رخداد نامطلوبی نداشتیم. این در خصوص سایر انواع واکسن‌ها هم شایع است چه بسا بیشتر؛ اما در زمینه تولید آنتی‌بادی هم مشاهده شد که بیشتر افراد در هر دو دوز ۱۲۰ و ۸۰ افزایش شدید داشتند. در شبه واکسن تعداد محدودی افزایش کمی در آنتی‌بادی داشتند که بیشتر به خاطر تماس با ویروس در پیک پنجم بود. اما مهم‌ترین بخش تست خنثی‌سازی ویروس است که ما برای دقیق بودن کار این تست را هم در ایران و هم در آلمان انجام دادیم. نتایج در هر دو آزمایشگاه خیلی عالی بود. ۷۸ درصد افراد آنتی‌بادی تولید شده بود. که این در دریافت‌کنندگان شبه‌واکسن مشاهده نشد. سرم مطالعه‌شوندگان



می‌کند که بدانیم اگر عوارضی هست، واقعاً مربوط به واکسن است یا نه و اینکه در اثرات مشابه واکسن اصلی یا شبه واکسن مؤثر بوده یا نه. ما در فاز ۱ ایمنی‌زایی و ابعاد ایمونوژنیستی را بررسی کردیم. حدود ۶۰۰ نفر نام‌نویسی کردند که از ۱۷۸ نفر دعوت شد تا در مرکز حاضر شوند، بعد از انجام مراحل مختلف هفتاد نفر انتخاب شدند که با غربالگری و آزمایش‌های لازم این امر انجام شد و همه آزمایش‌های لازم را هم در آزمایشگاه بیمارستان بقیه‌الله انجام دادند. این هفتاد نفر کاملاً سالم و بدون مشکل و بیماری بودند. تعداد سی نفر دوز ۸۰ میکروگرم، سی نفر دوز ۱۲۰ میکروگرم و ده نفر هم شبه واکسن دریافت کردند. البته در مدت مطالعه ده نفر را هم از مطالعه خارج کردیم؛ چرا که مطالعه در پیک پنجم بود و تعدادی قبل از دریافت دوز دوم مبتلا شدند و از مطالعه خارج کردیم. میانگین سنی حدود ۳۵ سال و زن و مرد هم



۱۰
نورا
شماره ۱۰۲۹ | دوشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۰
صداق



مباحث اقتصادی واکسن کرونایکی از دغدغه‌های تیم تحقیق و تولید واکسن نورا بوده است؛ به همین منظور در خدمت دکتر شهرام نظریان، عضو تیم علمی مجریان واکسن نورا هستیم تا ابعاد اقتصادی موضوع واکسن را با تمرکز بر واکسن داخلی به ویژه واکسن نورا بررسی کنیم.

درباره اهمیت اقتصادی واکسن کرونا توضیح دهید.

شیوع گسترده ویروس کرونا چندین ماه متوالی است که کل دنیا را درگیر کرده و احتمالاً به چندین سال درگیری خواهد کشید و خسارت‌های جانی، مالی و معنوی فراوانی را به جامعه بشری وارد کرده و می‌کند. با وجود برخی نظرات همچنان تهدیدات زیستی به منزله یکی از مهم‌ترین چالش‌های حال و آینده جامعه بشری مطرح است و در این بین یکی از راه‌های برون‌رفت از این بحران یا به حداقل رساندن خسارت‌ها «واکسن» است. هنر و توانمندی ما برای تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها با استفاده از زیست‌فناوری است که می‌تواند به ما کمک کند تا تهدیدات زیستی را به فرصت تبدیل کنیم که گاهی تبدیل تهدید به فرصت می‌تواند همراه با منافع اقتصادی زیاد برای جامعه بشری و کشور‌های درگیر باشد. در دو دهه اخیر، با توجه به اینکه داروها و ترکیبات زیست فناوریانه در پیشگیری یا درمان بیماری‌ها مؤثر بوده‌اند، اهمیت بسیاری پیدا کرده‌اند و روند تجاری‌سازی این ترکیبات و فروش آنها رشد چشمگیری در دنیا داشته است. بر همین اساس هم بسیاری از شرکت‌های بزرگ با سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام می‌دهند، سعی می‌کنند در این حوزه سودهای کلان اقتصادی هم برای خود و هم برای کشور مادر کسب کنند. در سال ۲۰۱۳ ارزش این بازار بیش از

۲۰۰ میلیارد دلار گزارش شد؛ این در حالی است که در سال ۲۰۱۹ این ارزش به ۳۸۷ میلیارد دلار رسید و پیش‌بینی می‌شود این بازار در سال ۲۰۲۶ هم ارزشی معادل ۶۲۵ میلیارد دلار داشته باشد. در ایران، میزان ارزش افزوده داروهای زیستی پس از حوزه فناوری اطلاعات در رتبه دوم قرار گرفته و بعد از فناوری اطلاعات بالاترین ارزش افزوده را دارد. نکته حائز اهمیت این است که از ۱۳۵ قلم داروی اولیه که در حوزه پیشگیری و درمان مورد نیاز است و تولید آن باعث می‌شود که ارزی‌ری کمتری به کشور تحمیل شود، ۲۷ مورد از این ۱۳۵ قلم دارو و ماده اولیه ترکیبات بیولوژیک است. ارزش تولیدات این صنعت در حوزه دارو و زیست فناوری در کشور ۱/۲ دهم میلیارد دلار برآورد شده است؛ نکته جالب این است که کشور ما در تنوع موضوعی محصولات بیولوژیک در منطقه جایگاه اول را دارد و در جهان از لحاظ تنوع رتبه دوم را به خود اختصاص داده است.

آمار جالبی دادید، منظور واکسن، فاکتور هشت و هفت و محصولات اینچینی است که در آن مزیت داریم، درست است؟

بله. افق پیش روی فناوری زیستی در خصوص کشور ما این است که باید یکی از پرچمداران این حوزه شویم تا اقتصاد نفتی را به یک اقتصاد دانش‌بنیان تبدیل کنیم. با توجه به امکانات موجود در کشور و برنامه‌ریزی‌های احتمالی، سهم ایران و شرکت‌های زیست فناوری ایرانی می‌تواند ۲۲ میلیارد دلار از سهم جهانی ۷۷۰ میلیارد دلاری در سال ۱۴۰۴ باشد. طبیعتاً با سیاست‌گذاری درست و دقیق حمایت از این فناوری، می‌توان آینده درخشانی را برای آن متصور بود.

به نظر شما در حوزه واکسن و صادرات آن

تحقیق و توسعه و هر آنچه از زیر ساخت تولید مدنظر است، در مجموعه خودمان فراهم کردیم و طرف قرارداد مجموعه‌های مختلف خصوصی و دولتی هستیم و با دوستان در قالب قرارداد وارد مذاکره و مشارکت شده و طبق سفارش فعالیت را انجام دادیم. چگونه شد که تولید صنعتی واکسن نورا را متقبل شدید؟

در واکسن نورا افتخار دانشتیم با دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله وارد همکاری شویم و عزیزان تلاش‌هایی انجام دادند که دانش فنی تولید شود. ایجاد زیرساخت تولید واکسن برای دانشگاه و سپاه هزینه بسیاری داشت، لذا طبق یک قرارداد و توافق ما با دانشگاه در واکسن نورا شریک شدیم و این دانش به شتاب‌دهنده ما آمد و طبق فرآیند و روال کار ما در داخل شتاب‌دهنده سر و شکل پیدا کرد و رسید به دانش فنی صنعتی که قابل دستیابی است و مامی توانیم در تیرا بالا محصول را تولید کنیم.

شما توانایی تولید را به طور کامل در شرکت خود دارید؟

بله، همه این توان وجود دارد. رویکرد دانشگاه این بود که از زیرساخت موجود در کشور استفاده کند و مرکز رشد ما طرف قرارداد دانشگاه شد و دوستان تولید صنعتی را در مرکز رشد ما انجام دادند. در طول این مدت همکاری با پیشرفتی که داشتیم، به تولیدات پایبند هستیم. بالای دو میلیون دوز هم اکنون تولید شده و آماده عرضه است و تا پایان دوز ماه به پنج میلیون دوز خواهد رسید و کار آزمایشی بالینی فاز دو هم نشان از کیفیت بالای محصول داشت. نتایج بسیار خوبی حاصل شده و در کنار آن پایداری



می توانیم مزیت اقتصادی داشته باشیم؟

در مورد واکسن‌ها باید گفت، واکسناسیون توانسته سلاله از مرگ هزاران نفر جلوگیری کند. طبیعتاً با توجه به تهدیدات نوین زیستی تلاش‌های زیادی هم برای تولید واکسن‌های جدید با هدف پیشگیری و مقابله با این در حال انجام است. با وجود واکسن‌ها، تخمین زده شده است به صورت متوسط امید به زندگی در قرن بیستم تا ۳۰ سال افزایش پیدا کند، لذا اقبال جهانی وجود دارد. در ایران با توجه به تهدیدات بیولوژیکی و تغییرات اکولوژیکی و بیوتروریسم فعالیت در حوزه داروهای زیست فناوری و نو ترکیب یکی از ضروریاتی است که باید به آن توجه شود و تا حدودی هم این گفتمان در کشور وجود دارد. توجه به واکسن و فناوری آن می‌تواند یکی از مؤلفه‌های اقتدار منطقه‌ای و جهانی شود. در حوزه اتفاقات کرونا کشورهایی که در حوزه واکسن فعال بوده‌اند، به عنوان یک مؤلفه اقتدار جهانی از آن استفاده می‌کنند. اگر به فناوری‌های واکسن در کشور بیشتر توجه شود، می‌توان آن را به منزله یک مؤلفه اقتدار جدای از جنبه اقتصادی آن به حساب آورد. واکسن می‌تواند زبان دیپلماسی فناوری

دکتر شهرام نظریان مطرح کرد

راه برون‌رفت از اقتصاد نفتی

برای کشور باشد. همچنین، با توجه به جنبه ضد استکباری و نهضتی انقلاب می‌تواند وسیله دفاع از کشور‌های همسو در برابر تهدیدات بیولوژیک باشد.

آقای دکتر واکسن تنها در شرایط کرونا مزیت اقتصادی دارد؟ یعنی این فرصت فقط در قبال تهدید کرونا ایجاد شده است؟

بر اساس مطالعات بانک جهانی هر ۱۴ تا ۲۰ دلار سرمایه‌گذاری در بخش واکسن و واکسناسیون امید به زندگی افراد را یک سال افزایش می‌دهد. نسبت هزینه و فایده سرمایه‌گذاری در واکسن دو برابر است؛ یعنی درمان دو برابر واکسن تحمیل هزینه دارد. برآوردهای جهانی نشان می‌دهد، بازار واکسن طی چهار سال آینده ۳۰ درصد رشد خواهد کرد. کرونا و شیوع بیماری‌های عفونی مؤید این امر است. خیلی از دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که هزینه‌ای که برای درمان می‌کنند، چندین برابر هزینه پیشگیری است؛ از این رو اقبال به واکسن زیاد شده است و تمرکز دنیا بر ایمن‌سازی است تا درمان. الان بازیگران کلیدی بازار واکسن در دنیا تقریباً شش شرکت بزرگ هستند و روی این امر سرمایه‌گذاری زیادی هم کرده‌اند.

اشاره‌ای به مزیت در بازار واکسن‌های نو ترکیب کردید، در این بساره توضیح دقیق‌تری بفرمایید.

برآوردها نشان می‌دهد از سه مدل اصلی واکسن در جهان واکسن‌های ویروسی که ویروس کشته یا ضعیف شده هستند، به دلیل ایمنی‌زایی کمتر کاهش تولید خواهند داشت، واکسن‌های دی‌ان‌ای هم یک کاهش محسوس دارند که به دلیل هزینه تولید است؛ در این میان واکسن‌های نو ترکیب جای خود را در بازار واکسن‌ها باز خواهند کرد و شاهد ۲۰۰ درصد رشد

بازار واکسن‌های نو ترکیب خواهیم بود که علت آن هزینه کم تولید و ارزش افزوده بالای آن است. الان در حوزه واکسن کرونا، واکسن‌های فایزر، سینوفارم و مدرنا بیشترین حجم تولید را دارند که بیشترین صادرات مختص فایزر است، اما بیشترین تولید را سینوفارم دارد. البته فایزر و مدرنا از پیش‌بینی‌ها عقب هستند؛ اما سینوفارم موفق بوده و چون واکسناسیون چین تکمیل شده است، حجم صادرات آن افزوده خواهد شد. چین، اتحادیه اروپا، هند و آمریکا به بعد کره جنوبی، روسیه و انگلیس. برآوردها نشان می‌دهد، آمریکا طی دو سال آینده رشد نزولی داشته باشد، اما سایرین تولید را زیاد کنند. رشد ارزش دلاری واکسن هم ۱۹ و نیم میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ با ۴۰ درصد افزایش در سال ۲۰۲۶ مواجه خواهد شد. اگر می‌خواهیم در کشور جهشی در این حوزه داشته باشیم، باید سهمی از این بازار بزرگ را بگیریم که در اختیار قرار گرفتن و همه آنها در گرو سیاست‌گذاری درست اتفاق می‌افتد. در این میان واکسن‌های نو ترکیب سهم زیادی را به خود اختصاص می‌دهند و بازار فروش به سمت این نوع واکسن است. ما هم باید به این موضوع توجه بیشتری داشته باشیم تا سهم بسزایی در این بازار پیدا کنیم.

تا امروز که صد میلیون دوز واکسن وارد کرده‌ایم، حدود یک میلیارد دلار ارزش صرف شده که توانایی ما برای اختصاص ارز دارو و واکسن دو و نیم میلیارد دلار است که این یک میلیارد دلار واکسن از سهم دارو و تجهیزات پزشکی کم می‌شود، در حالی که ورود به عرصه بازار جهانی واکسن حتی می‌تواند یکی از اساسی‌ترین فرصت‌های ما برای راه‌ای از اقتصاد نفتی به اقتصاد زیست فناوری و دانش‌بنیان باشد.

دکتر امیر حسین کارگاه، مدیر عامل شرکت پرسیس ژن

انطباق فوری با جهش‌های جدید

شود و یک ایمنی‌زایی خوب در کشور در برابر کرونا داشته باشیم. کیفیت نورا و همچنین نیاز کشور و دنیا به ما اثبات کرده که در این حوزه نگرانی نداشته باشیم. مطالعات نشان می‌دهد، در دوز بوستر آینده از آن واکسن‌های پروتئینی است و قاعدتاً اینچنین واکسن‌هایی نقش پر رنگی دارند و نورا در این حوزه بسیار موفق خواهد بود.

نگران از جهش جدید کرونا و بی‌اثر شدن نورا نیستید؟

در رابطه با نورا و جهش‌های ویروس این نکته را عرض کنم که اگر جهش جدید به گونه‌ای باشد که واکسن کم اثر شود، روش تولید نورا به گونه‌ای است که با سرعت خیلی زیاد قابلیت تولید واکسن مقاوم در برابر جهش‌های جدید وجود دارد که این مزیت بزرگ نورا است. به راحتی به یک واریانت جدید سویچ خواهد شد. در بازه زمانی منطقی اگر جهش جدید رخ دهد و بخواهد پاندمی را با پیک جدید مواجه کند، نورا قابلیت لازم را برای تطابق با واریانت جدید در زمان منطقی دارد.

شاید گفتن درباره صادرات نورا زود باشد، ولی برنامه‌ای برای این منظور در آینده دارید؟

در مجموعه خودمان برای صادرات محصولاتی که داریم یک سالی است که مقاصد صادراتی مختلف را بررسی کرده‌ایم و این امید را داریم که به محض صدور مجوز نورا این فرصت را فراهم کنیم که در بازارهای صادراتی هم نقش پررنگی داشته باشیم. البته منوط به مجوز‌های لازم و تضمین رفع نیاز داخل است.

داده و کار را به یک شرکت تحقیقاتی واسط داده تا دانش فنی تجاری‌سازی شود و بعد تولید صنعتی اتفاق بیفتد. این مدل در کشور ما پیاده می‌شود و ما این اکوسیستم را داریم که از دانشگاه می‌آید و در شتاب‌دهنده تجاری‌سازی شده و در مرکز رشد تولید صنعتی می‌شود؛ البته این روند باید تداوم داشته باشد، در گذشته بسیاری از مطالعات به مر حله صنعتی نمی‌رسید که این امر با چنین شرکت‌هایی محقق شده است. تجربه ما قبلاً با مجموعه‌های خصوصی بود و تجربه همکاری با دانشگاه بقیه‌الله این را برای ما کامل کرد.

شما شتاب‌دهنده هم هستید و اشاره کردید که چند شرکت دانش‌بنیان هم از دل پرسیس ژن بیرون آمده است. در این باره هم توضیح دهید.

نکته مهم در رسالت مجموعه ما توانمندسازی استارت‌آپ‌هاست. شرکت «پلاسما درمان» در ذیل مجموعه ماست و هدف ما این است که مستقل شود و سایت تولید مستقل خود را داشته باشد و بتواند فرآورده‌ای را که به نام این استارت‌آپ است و در مجموعه بقیه‌الله تولید شده است، تولید کند. این «پلاسما درمان» هم نمونه موفق همکاری ما با دانشگاه‌بقیه‌الله(عج) بوده است.

برای فروش محصول به دولت یا خارج از کشور دغدغه‌ای ندارید؟ اینکه تولید دست‌تان بماند و کسی نخرد؟

امیدوارم با تولید و کیفیت تولید که هم در مطالعات بالینی و هم مطالعات حیوانی داشته است، بخش بزرگی از دغدغه کشور در حوزه دوز بوستر برطرف



محصول و آزمایش‌های کنترل کیفی هم گواه کیفیت آن است.

تجربه قبلی چنین پروژه‌های بزرگی را داشتید؟

این تجربه نورا را با مجموعه‌های خصوصی و دولتی دیگری در گذشته داشتیم، در مورد واکسن پاپلوما، قرارداد با شرکت خصوصی داشتیم، با همین روندی که با دانشگاه بقیه‌الله صورت گرفت. امیدواریم این اکوسیستم ادامه پیدا کند که دانشگاه پروژه را با محققان خود کار می‌کند، اما تولید را به یک مرکز دانش بنیان صنعتی می‌سپارد که شتاب‌دهنده است.

نورا تنها واکسن دانشگاهی کشور است، آیا تولید واکسن در دانشگاه‌ها مرسوم است؟

در این مورد اطلاعاتی ندارم؛ اما در حوزه کار خودمان مطالعات من نشان می‌دهد واکسن آستر‌آز انکا هم تقریباً همین مسیر را طی کرده؛ یعنی دانشگاه آکسفورد مطالعات اولیه و تحقیقاتی را انجام

ماجرای انتخاب نام (نورا) / با اتمام مراحل مطالعات حیوانی پروژه و برای ورود به فاز کار آزمایشی، لازم بود تا اسم واکسن

انتخاب و اعلام شود. به همین جهت تیم طراحی و تولید واکسن برای انتخاب اسم با تفأول به قرآن کریم با آیه نور (آیه ۳۵

سوره نور) مواجه شدند و به برکت کلام ائله مجید، نام «نورا» را برای این واکسن انتخاب کردند.



و ان شاء الله علم هر نفسی بآیت الله

سیاست نامه

سیدمحمدکاظم یزدی-۱۶

اصول رفتار سیاسی

فتح‌الله پیرشان

دبیر گروه اندیشه

اندیشه سیاسی فقیهان بخشی از اندیشه سیاسی اسلام است که به فهم عالمان و اندیشمندان مسلمان مربوط بوده و مورد توجه عالمان نیز هست. برجستگی مکتب شیعه در این است که برداشت‌های فقه‌ای بزرگ از مبانی اسلام در پرتو مقوله‌اجتهاد با کمال آزادی و البته مراقبت و اتقان صورت می‌گیرد و با اینکه ممکن است در فروع چند شیوه و روش طی شود، تلاش همگان مآجور و مستحسن است. از این رو، در برهه مهم تاریخی مشروطه مشاهده می‌شود که از یک سو اندیشه مکتب نجف و نظر آخوند خراسانی و کتاب نائینی در تأیید مشروطه مطرح می‌شود و در دیگر سو اندیشه سیاسی شیخ فضل‌الله نوری و سیدمحمدکاظم طباطبایی‌یزدی را داریم که به نوعی با مشروطه مطروحه مخالف هستند. سیدیزدی از جمله فقه‌ای بنام شیعه است که در عصر مشروطه می‌زیسته و نظرات فقهی وی مورد توجه و عنایت فقه‌ها و مراجع پس از او قرار گرفته است و اتفاقاً رفتار او در جریان مشروطه که عدم تأیید مشروطه را در پی داشته است، نقاط درخشانی دارد که لازم است بررسی شود. از نامه‌ها و برخوردهای سید در جریانات سیاسی اعم از مشروطه و دخالت‌های کفار در کشورهای اسلامی چنین بر می‌آید که ایشان براساس اصول و مبانی ثابت و استوار رفتار می‌کرده‌اند که در برخی از نامه‌های ایشان تصریح به اینس اصول نیز دیده می‌شود. به طور کلی می‌توان در سه عرصه از این اصول یاد کرد: ۱- سیاست خارجی با کفار، ۲- سیاست خارجی با مسلمانان غیر شیعه و ۳- سیاست داخلی در درون مرزهای کشور اسلامی.

در بررسی اصول سیاست خارجی وی در ارتباط با کفار، اصل عزت مسلمین در مرکز این گفتمان قرار دارد. البته این برداشت قرآنی است و در نزد قاطبه علما و فقه‌ای شیعه ساری و جاری است. شاید اولین بر خوردهای سیاسی سید در مصاف با کفار با این اصل آغاز شده است؛ آنجا که سید براساس این اصل مسلمین را به رهاپندن از ذلت یوغ اجانب توصیه کرده است.^۱ همچنین او در نامه‌های خود مسلمانان را از مصرف‌گرایی به ویژه در مورد کالاهای اجنبی بر حذر داشت و احتراز از البسه خارجی و به طور کلی پرهیز از تشبه به کفار را به مسلمین توصیه کرد؛^۲ حتی تأکید کرد که در حرکات و سکنات خویش از تشبه به کفار بپرهیزند و عزت اسلامی خویش را فدای زرق و برق کفار نکنند. جالب است که رویه عملی خویش در ملیوسات را استفاده از لباس تهیه‌شده در بلاد اسلامی اعلام کرده بود.^۳ اصل استقلال دولت اسلامی اصل دیگری است که رفتار اجتماعی و سیاسی سیدیزدی به عنوان مرجع تشیع در چارچوب آن به منصفه ظهور و بروز می‌رسد. توصیه‌های سید به زمامداران کشور اسلامی مبنی بر استقراض نکردن از دول خارجه و اینکه مواظب باشند، ایران مانند هندوستان مستعمره کفار نشود، در راستای اصل استقلال دولت اسلامی بود که این امر نیز به تکرار مورد توصیه سیدیزدی قرار گرفته است.

۱-علی ابوالحسنی منزلی، زندگی‌نامه آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبایی‌یزدی، یزد: فرمانداری یزد، ۱۴۱۷ق، ص ۲۱.

۲- همان.

۳- به نقل از روزنامه ثریا، سال دوم، شماره ۱۳، رجب ۱۳۱۷ ق.

تأملی بر آسیب‌های غلبه منطق بازار بر روابط اجتماعی و مناسبات انسانی

کالایی شدن و مسائل ایران

خویشاوندی، فامیلی، برادری، ایمانی و مذهبی. مبتنی بر این خصیصه، مشاهده می‌شود که هم‌اکنون برخی افراد به جای تقویت ارتباطات با بستگان خود، بیشتر به سمت افرادی تمایل دارند که یا ارتباط شغلی با همدیگر دارند یا ارتباط با آنها مستلزم کسب منفعت بیشتری برای آنهاست.

♦ آسیب‌های کالایی شدن

کالایی یا بازاری شدن روابط اجتماعی، با تأثیر بر متغیر همبستگی و انسجام اجتماعی، تداوم بلندمدت جامعه و نظام اجتماعی را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ به این ترتیب که شهروندان نسبی و سببی را به صورت جزایری دورافتاده از هم و دارای حداقل انسجام و همبستگی ارزشی و عاطفی تبدیل می‌کند و در عوض، همبستگی جدیدی را خلق می‌کند که مبنای آن نه عواطف و ارزش‌های انسانی که خصلت پایدار دارد؛ بلکه منافع مادی و اقتصادی زودگذر و به راحتی تغییرپذیر است. به بیان دیگر، در شرایط غلبه کالایی شدن، افراد خویشاوند همدیگر تلقی نمی‌شوند و صرفاً بر اساس اشتراک منافع با همدیگر رابطه دارند. مسلم است که تداوم رابطه خویشاوندی آسان‌تر از رابطه منفعتی است و اساساً تحکیم خویشاوندی یکی از مهم‌ترین عناصر حفظ و تداوم هر جامعه‌ای است. این موضوع برای جامعه ایرانی که هنوز لایه‌های سنتی قدرتمندی دارد و در چالش حدود یک قرن‌اش با تجدد، بنیان‌های سنتی اش را از دست نداده است، بسیار آسیب‌زاست.

آسیب دیگر کالایی شدن، به ویژه در ارتباط با حوزه‌های رسمی، بوروکراتیک و حتی سیاسی آن است که در این حوزه‌ها سبب می‌شود تا نگاه ارزشی، تکلیف‌محور و حتی وظیفه‌محور و عرفی نیز در این حوزه‌ها کم‌رنگ شود؛ به این ترتیب که در حوزه‌های مذکور نیز منطق غالب به

تدریج به سمت مبادله سوق می‌یابد و افراد کمتر دقت می‌کنند که انجام فلان کار وظیفه، تکلیف، رسالت و... آنهاست، بلکه بیشتر براساس اینکه انجام فلان کار که اتفاقاً براساس موازین قانونی وظیفه رسمی آنهاست، کدام منفعت آنها را تأمین می‌کند، به انجام آن مبادرت می‌کنند. نتیجه این وضعیت، کم‌رنگ شدن اقدامات جهادی و ارزشی و در نقطه مقابل، تقویت ضریب آلودگی و فساد در درون دستگاه‌های رسمی است؛ زیرا در نگاه کالایی، افراد در ازای انجام کار خود، منتظر دریافت «ما به از» هستند.

آنچه گفته شد، صرفاً مختصری بود از بحث کالایی شدن و آسیب‌های آن که در فرصت‌های آتی می‌توان به طور مفصل شرح داد. نکته مهم در این میان آن است که به سبب تغییر ذائقه‌ها در جامعه، اقتصادمحور شدن زندگی‌ها و در عین حال، تشدید مشکلات اقتصادی در جامعه، توسعه شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه و تحولات بعدی آن مانند رشد پدیده‌هایی چون سلبریتی‌ها که مبتنی بر نمایش زندگی‌های مرفه و لاکچری و جاذبه این نوع زندگی برای توده‌های مردم است، کالایی شدن یک روند رو به رشد دارد.

نکته مهم‌تر در این خصوص آن است که در کنار دلایل و عوامل پیش‌گفته، مراجع فکری و فرهنگی صلاحیت‌دار جامعه، مانند علما و روحانیون، معلمان، استادان دانشگاه، نویسندگان، روشنفکران و... در این شرایط نیز دچار نوعی کسالت و رکون شده و تا حدود زیادی در مقابل تحولات نوظهور جامعه و ازجمله روند رو به رشد و گسترش کالایی شدن، قادر به بازتولید نقش آفرینی خود نشده‌اند. بنابراین، کالایی شدن روابط اجتماعی در شرایط رشد ابزارها و ضعف نیروهای مقاوم یا تعدیل‌کننده آن گسترش یافته است.

آفاق

چهره پنهان سیاست - ۲۵

تاریخ خبرنگار جاسوسان

شدد کشور محل مأموریت خود را ترک کند. نزدیک‌ترین و مشهورترین جاسوس خبرنگار در زمان ما «جیسون رضاییان»، خبرنگار ایرانی-آمریکایی واشنگتن‌پست در ایران است که به اتهام جاسوسی و کسب اطلاع از اوضاع و احوال ایران برای دولت آمریکا به همراه همسرش بازداشت شد. رکسانا صابری، خبرنگار ایرانی-آمریکایی نمونه‌ای دیگر در سال‌های اخیر است که مدت‌ها به عنوان مترجم در مجمع تشخیص مصلحت نظام فعالیت می‌کرد، فعالیتی که بعدها مشخص شد هدفش جمع‌آوری اسناد محرمانه درباره حمله عراق به آمریکا بود. مازیار بهاری، خبرنگار ایرانی-کانادایی نیزویک‌که به جرایمی مانند جمع‌آوری و نگهداری اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده محکوم شد. نزار زاکا، تاجر دوتابعیتی آمریکایی-لبنانی نفوذی دیگری بود که در پوشش نایب رئیس اتحادیه جهانی فناوری اطلاعات(ویتسا) ودیبرکل سازمان عربی فناوری اطلاعات و ارتباطات(اجمع) به ایران آمد و به جرم جاسوسی برای آمریکا دستگیر شد. رضا دستگیر شد. رودلف ایبل روس تبار که سال‌ها در پوشش عکاس در نیویورک جاسوسی می‌کرد و بعدها با گری پاورز، خلبان هواپیمای جاسوسی یو ۲ آمریکا که در سال ۱۹۶۰ بر فراز شوروی سرنگون شد، مبادله شد. ویرجینیا هال در دوران جنگ جهانی دوم به عنوان گزارشگر روزنامه «نیویورک پست» به جاسوسی در فرانسه مشغول بود. به «مارک پرودو» که در ۸ خرداد ۱۳۳۲ در پوشش خبرنگار خبرگزاری آسوشیتدپرس جاسوسی می‌کرد، اخطار داده



سیامک باقری
دکترای علوم سیاسی



در جامعه این گونه جا افتاده است که خبرنگار نمی‌تواند جاسوس باشد! یکی از ریشه‌های شیوع این نگرش را باید در سازمان‌های جاسوسی غربی و عبری و رسانه‌های وابسته به آنها یا فریب‌خورده جست‌وجو کرد، زیرا بیشترین منفعت از این نگرش را سازمان‌های مزبور می‌برند؛ از این رو، اگر جامعه، کارنامه خبرنگاران جاسوس در تاریخ را مستند بداند، حداقل در واکنش نسبت به دستگیری آنها بلافاصله قضاوت به بی‌گناهی آنها نخواهد کرد. خبرنگاران جاسوسی که در کشورهای مختلف دستگیر و محاکمه شدند، کم نیستند. نیکلاس دانیلوف، خبرنگار آمریکایی در مسکو یکی از نمونه‌هایی است که به جرم جاسوسی و در اختیار داشتن اسناد محرمانه دستگیر شد. رودلف ایبل روس تبار که سال‌ها در پوشش عکاس در نیویورک جاسوسی می‌کرد و بعدها با گری پاورز، خلبان هواپیمای جاسوسی یو ۲ آمریکا که در سال ۱۹۶۰ بر فراز شوروی سرنگون شد، مبادله شد. ویرجینیا هال در دوران جنگ جهانی دوم به عنوان گزارشگر روزنامه «نیویورک پست» به جاسوسی در فرانسه مشغول بود. به «مارک پرودو» که در ۸ خرداد ۱۳۳۲ در پوشش خبرنگار خبرگزاری آسوشیتدپرس جاسوسی می‌کرد، اخطار داده



مصطفی قربانی
کارشناس سیاسی

«کالایی شدن» یا «بازاری شدن» روابط اجتماعی که به معنای غلبه منطق و مناسبات بازار بر روابط اجتماعی و مناسبات انسانی است، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های نوظهور و تشدیدیافته جهانی است که در جامعه ایرانی نیز به طور جدی بروز و ظهور یافته است. در توضیح این مفهوم باید گفت، در بازار، اصل اساسی سامان‌دهنده به رفتار و کنش‌های افراد، مبادله و دادوستد است و افراد بدون توجه به هر امر و ویژگی دیگری، به صورت آزاد به تبادل کالا، خدمات و... می‌پردازند. در واقع، در بازار، افراد در ازای پرداخت پول، کالاهای متعدد و مختلف را خریداری می‌کنند.

نکته مهم در این میان آن است که امروزه در سراسر دنیا و به تبع آن، در جامعه ایران، این منطق و اصل سازمان‌دهنده بازار، بر روابط اجتماعی نیز سایه افکنده است. تجلیات این امر را می‌توان در رواج زدویندها، فسادهای گروهی، ترجیح روابط شخصی و منفعتی بر ضوابط قانونی، کم‌رنگ شدن نقش عواطف و خصلت‌های انسانی و بشردوستانه و در نهایت، اسلامی و الهی در تنظیم روابط افراد با همدیگر و... مشاهده کرد. به بیان دقیق‌تر، در جامعه کالایی یا بازاری شده، همه چیز از زایوه ارزش مبادله و منفعت مادی نگریسته می‌شود؛ نه از زایوه وظیفه، تکلیف، رسالت و... براین اساس، افراد و شهروندان در برقراری روابط ترجیح می‌دهند تا بیشتر با افرادی رفت‌وآمد داشته باشند که منفعتی برای آنها داشته باشد. به عبارت بهتر، افراد بیشتر بر مبنای کسب یا ارتقای منافع با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و نه بر اساس علائق

ریزش‌ها

فراز و فرود محسن مخملباف - ۲

پیش‌بینی سقوط

بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه هفتمین جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد. فیلم سه‌بخشی «دستفروش» ۱۳۶۸ او، از نظر فضاهای سوررئالیستی و شیوه طرح داستان، در سینمای پس از انقلاب اثری تازه به حساب می‌آمد. مخملباف در سال ۱۳۶۸ در فیلم کلوزآپ (نمای نزدیک) به کارگردانی عباس کیارستمی نقش خودش را بازی کرد. داستان واقعی فیلم در مورد مردی به نام حسین سبزیان بود که خود را به نام مخملباف به خانواده‌ای معرفی کرده بود و به آنها وعده ایفای نقش در فیلم بعدی‌اش را داده بود. شهید سیدمرتضی آوینی که در عین داشتن دیدگاه‌های انقلابی، همواره با تکیه بر استدلال‌های پژوهش‌محور و البته با صراحت ابراز نظر می‌کرد، سال‌ها پیش، سقوط مخملباف به دامن شیطان را پیش‌بینی کرده و در نقد فیلم «دستفروش» می‌نویسد: «فیلم «دستفروش» (آینه نابه‌خود مخملباف) نشان می‌داد دیگر میان او و تفکر دینی هیچ پیوندی نمانده است و هرچه هست، به تلنگری فروخواهد ریخت و مخملباف نیز در پرنگاهی خواهد افتاد که بسیاری دیگر فروغلتیده بودند و البته در عمق این پرنگاه، آغوشی شیطانی هم باز است که بازماندگان از قافله حق را می‌بلعد.»



در بیانات امامان معصوم(علیه‌السلام) یکی از نشانه‌های جهل، افراط و تفریط در عرصه‌های گوناگون فکری و اندیشه‌ای دانسته شده است؛ چرا که می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور به یک انحراف در زندگی تبدیل شود. در تاریخ انقلاب اسلامی هم افرادی بوده‌اند که افراط و تفریطشان در نگرش و حیات انقلابی، در نهایت آنها را در مسیر انحرافی از انقلاب و جمهوری اسلامی قرار داده و به جرگه ضد انقلاب پیوسته‌اند. قصه زندگی محسن مخملباف یکی از این داستان‌هاست. مخملباف فعالیت سینمایی خود را در سال ۱۳۶۰ با نوشتن فیلمنامه «توجه» آغاز کرد و در دهه ۶۰ یکی از پرکارترین سینماگران بود. در بین آثار او کمتر می‌توان شباهتی پیدا کرد. تنوع سلیقه و دیدگاه در تک‌تک فیلم‌های او دیده می‌شود و منتقدان هیچگاه نتوانسته‌اند شخصیت سینمایی مخملباف را بشناسند. او در هر فیلم دیدگاهش ۱۸۰ درجه تغییر کرده است. سیر تحول اندیشه، باورها و اصول او در آثارش بازتاب داده شده است. او با نخستین فیلم بلند خود، «توبه نصح» در سال ۱۳۶۱، فیلم‌سازی مذهبی شناخته شد که در راستای شعار انقلابی حمایت از مستضعفان، خواهان دست کشیدن طبقه مستکبر از مال دنیا شده است. در سال ۱۳۶۴، مخملباف با نوشتن فیلمنامه زنگ‌ها، برای نخستین بار از طرح شعارهای آرمان‌گرایانه حکومتی، به بررسی پیچیدگی‌های زندگی انسان و جست‌وجو برای معنای زندگی و مرگ رو کرد و با کارگردانی فیلم بایسیکل‌ران، به نقطه عطف کار سینمایی خود در این راستا رسید. بایسیکل‌ران در سال ۱۳۶۷ جایزه

نکته گرام

ابوالفضل عمونی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: همه تحریم‌های ذیل کارزار فشار حداکثری، ناسازگار با برجام و با هدف نقض پارگراف ۲۹ آن و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت طراحی شده‌اند. این باید یکی از پایه‌های تصمیم گروه ۴+۱ و آمریکا برای پایبندی به توافق و رفع تحریم‌ها علیه ایران باشد. آنها فهرست این تحریم‌ها را گرفته‌اند.

علیرضا تقوی‌نیا، تحلیلگر مسائل سیاسی: به تازگی ارتش یمن در حملات متعددی شهرهای مختلف سعودی شامل ریاض، خمیس مشیط، ینع، دمام و جدّه را هدف حملات موشکی و پهپادی خود قرار داد. مدت‌ها بود که تمرکز نیروهای یمنی بر جبهات زمینی و علی‌الخصوص مارب بود و عملیات‌های موشکی و پهپادی به عمق خاک سعودی را متوقف کرده بودند.

یابک نگاه‌سداری، نماینده مجلس: سعی همکاران بنده در مرکز پژوهش‌ها این است که ابعاد مختلف طرح حمایت از حقوق کاربران را با دقت و با نگاهی کارشناسی و فنی بررسی نمایند تا منافع ملی و عمومی تأمین شده، استفاده از فضای مجازی محدود نگشته و آسیبی به کسب‌وکارهای مجازی وارد نشود. البته تصمیم‌گیرنده‌هایی نمایندگان مردمند.

علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت: روحیه مطالبه‌گری به همراه اقدام انقلابی و جهادی، دو خصیصه ممتاز دانشجویان است که آنها را از سایر اقشار متمایز می‌کند. جمع‌های دانشجویی با همین دو خصیصه هر کجا که حضور داشتند، تحول‌آفرین شدند؛ از جبهه‌های جنگ در دوران دفاع مقدس گرفته تا اردوهای جهادی در مناطق محروم.

سیدصادق حسینی، کاربر فضای مجازی: خط غربی‌ها این است؛ ایران نگاه زیاده‌خواهانه‌ای در مذاکرات دارد؛ اما واقعیت این است ایران به دنبال حقوق و منافع خود از برجام است؛ باقری هم همین را تأکید کرده: ایران از خواسته‌های خود در مسیر فعال‌سازی دوباره توافق ۲۰۱۵ و لغو تحریم‌ها عقب‌ننشینی نمی‌کند.

توحید عزیز، کاربر فضای مجازی: رئیسی در شرایطی کشور را در تابستان ۱۴۰۰ تحویل گرفت که کسری بودجه بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی برای این سال تخمین زده می‌شد. کاملاً عاقلانه است که در چنین سالی با چنین کسری بودجه‌ای، هدف اصلی دولت، بقای ساختارها و کلیت اقتصاد باشد و هیچ تغییر برجسته و بزرگی در سیستم ایجاد نکند.

عبدالرحیم انصاری، کاربر فضای مجازی: از هوشمندی‌های رئیسی رقیب‌سازی برای غرب و برجام قبل از آغاز مذاکرات وین بود. توجه به شرق، تحکیم مناسبات با همسایگان و تلاش برای ایجاد مودت علیرغم موش‌دوانی‌های اسرائیل و آمریکا، عضویت در شانگهای، و پرداختن به اکو، سبب شد باقری با قدرت بیشتری مانور بی‌نیازی به برجام را اجرا کند!

قیس قریشی، تحلیلگر مسائل سیاسی مقیم لندن: با اسلحه آمریکایی کشته می‌شویم! با جنگ‌های آمریکا آواره می‌شویم! با تحریم‌های آمریکا فقیر می‌شویم! و آمریکا نگران حقوق بشر ماست، نگران آینده بچه‌های ماست، نگران آزادی‌های ماست...!! خرها می‌زرعه هم باور دارند آمریکا خیرخواه ماست...

فیلترینگ بد برای ما!



محمد صالح نادری

دبیر گروه رسانه

با فراگیر شدن دنیای وب و نفوذ آن در جنبه‌های گوناگون زندگی انسان، زمینه‌ای ایجاد شده است که اطلاعات بدون هیچ محدودیتی فارغ از مرزها، در تمام دنیا در کسری از زمان منتشر می‌شوند و ساکنان یک سوی این کره خاکی در لحظه متوجه می‌شوند که چه اتفاقی در حال رخ دادن برای ساکنان آن سوی زمین است! وب به انبارهای داده تبدیل شده است که حجم آنها غیرقابل تصور است. از طرفی، سهولت دسترسی و تنوع بالای داده‌ها، منجر به افزایش اطلاعات مخرب و زیان‌بار شده است.

زیان‌بار بودن داده‌ها از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. داده‌های مرتبط با هزینه‌نگاری، موادمخدر، انتشار اطلاعات خصوصی افراد، خبرهای دروغ و... نمونه‌ای از داده‌های زیان‌بار در این فضا هستند. شیوع داده‌های خطرناک در وب، در بسیاری از کشورها سبب شده است تمهیداتی را برای مقابله با آن اندیشه کنند. در این کشورها هدف تنها مقابله با داده‌هایی، نظیر هزینه‌نگاری‌های جنسی(فقط مربوط به افراد زیر سن قانونی)، موادمخدر(در کشورهایی که مصرف برخی مواد مخدر جرم است) و داده‌های خصوصی مردم نیست؛ بلکه نظارت بر عقاید سیاسی کاربران از اصلی‌ترین اهداف پایش فضای اینترنت‌شان است.

در ابتدای رشد اینترنت، قانون‌نژاکت ارتباطات در آمریکا به تصویب رسید. این قانون در واقع اولین قانون مرتبط با فعالیت‌های فضای مجازی و هزینه‌نگاری در آمریکاست که در سال ۱۹۹۶ تصویب شد. طبق این قانون، فیلتر و مسدودسازی صفحات غیراخلاقی (مبتنی بر یک سری شرایط) مجاز دانسته شده است؛ اما نظارت بر محتواهای منتشر شده در اینترنت تنها به هزینه‌نگاری ختم نشد. سال ۲۰۰۱ و حوادث ۱۱ سپتامبر، نقطه آغازی بر ورود دولت‌ها و حکومت‌ها به فضای وب و فیلترینگ بود. ایالات متحده و کشورهای اروپایی از سردمداران فیلترینگ و محدودسازی کاربران در وب هستند.

آمریکا به عنوان پیشروترین کشور در زمینه محدودکردن کاربرانش در اینترنت، پس از ۱۱ سپتامبر قوانین جدیدی را وضع کرد که حتی موجب اعتراض حامیان آزادی‌های مدنی شد. قانونی با نام «پاتریوت» که به موجب آن کنترل و نظارت بر داده‌های کاربران امکان‌پذیر شد. با استناد به این قانون، کاربران آمریکایی هیچ‌گونه حریم شخصی ندارند و مأموران دولتی آمریکا حتی برای تحقیقات غیررسمی هم می‌توانند به راحتی تمام اطلاعات کاربران را بررسی کنند. نه تنها وب، بلکه تلفن، فاکس و... هم تحت این قانون قابل بررسی هستند. «جیمیل» یکی از ابزاری است که دولت آمریکا با آن مرادوات و مکاتبات کاربران را بررسی می‌کند. این در حالی است که بسیاری از کارمندان و کارکنان اداری کشورمان از سرویس جیمیل برای پیام‌های اداری استفاده می‌کنند!

آمریکا با استفاده از قانون پاتریوت شهروندان خود را زیر نظر دارد و رفتار آنها را پایش می‌کند، اگر در رسیدگی به شهروندان کشورش مقید به چارچوب تعریف شده جاسوسی و محدودسازی خود باشد، عجیب است که تصور کنیم در رفتار با شهروندان دیگر کشورها، قانونی را رعایت کند! اطلاعات شخصی کاربران ایرانی و تمام ردپاهای آنها در وب، ایندکس شده برای مقاصد امنیتی قابل پیگیری است. هرچند این تنها به کاربران ایرانی محدود نمی‌شود و آمریکا در برابر تمام کشورهای که با او دشمنی کنند، چنین رفتاری را دارد.

فیلترینگ، محدودسازی دسترسی و نظارت بر کاربران تنها مختص آمریکا نمی‌شود. فرانسه یکی از کشورهای اروپایی است که نتایج جست‌وجوهای گوگل را دستکاری کرده و آنها را بومی‌سازی می‌کند! علاوه بر این، فرانسه نسبت به اجرای قوانین آزادی بیان در اینترنت که به وسیله اتحادیه اروپا تصویب می‌شود، مقاومت کرده و قوانین خود را پیگیری می‌کند. در سال ۲۰۰۱ فرانسه قانونی را تصویب کرد که به موجب آن تمام فعالیت‌های کاربران در وب برای یک سال ذخیره شود تا قابل ارجاع باشند. در مدارس فرانسه فیلترینگ با بستن پایگاه‌های غیرمجاز قانونی است.

در استرالیا فهرستی از پایگاه‌های غیرمجاز وجود دارند که مدام به روزرسانی می‌شوند. قوانین فیلترینگ در استرالیا یکی از پیچیده‌ترین و کامل‌ترین قوانین موجود است. در چین هم اوضاع به همین شکل است. افزون بر قوانین فیلترینگ

برای پایگاه‌های ضداجتماعی و ضدامنیتی، محدودسازی و نظارت کاربران در زمینه داده‌های سیاسی بسیار عادی است. ویکی‌پدیا، گوگل و... از شرکت‌هایی هستند که باید طبق نظر مسئولان چینی عمل کنند. عربستان سعودی دیگر کشوری است که داده‌های وب، فیلتر شده به دست کاربران می‌رسد و سانسور مذهبی، سیاسی، جنسی و... در فضای اینترنتی این کشور وجود دارد و بسیاری از پایگاه‌های خبری (به جز پایگاه‌های خبری آمریکایی و رژیم‌صهیونیستی) در فهرست پایگاه‌های فیلتر شده در این کشور هستند

بسیاری از کشورهای دنیا هر طور که شده، کاربران خود را علاوه بر نظارت مستمر و پایش آنها در استفاده از سرویس‌های اینترنتی، دسترسی‌شان را محدود کرده و عده‌ای نام آن را فیلتر و پالایش فضای مجازی و عده‌ای آن را اینترنت پاک و عده‌ای دیگر سانسور فضای مجازی می‌نامند! آمریکا، انگلستان، چین، فرانسه، روسیه، کانادا و... کشورهایی هستند که کاربران‌شان را کاملاً زیر نظر دارند و خوراکی‌های خبری، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و... مردم کشورشان را سفید می‌کنند، هرچند برای این کار از هیچ جایی به آنها خرده گرفته نمی‌شود و اسم آن را فیلترینگ نمی‌گذارند و نظارت و مدیریت فضای مجازی می‌گویند! اما کوچک‌ترین نظارت و صیانت در کشورمان را تاپ نمی‌آورند و به سانسور اطلاعات متهم می‌کنند. آن طور که مشخص است، گویا فیلترینگ دو مدل است، فیلترینگ بد برای ما و فیلترینگ خوب برای خودشان!

هوش مصنوعی در خدمت نظام سلطه

در ۴۰ کشور برتر از نظر میزان توجه به هوش مصنوعی ندارد، در حالی که کشورهایی مانند مالت، اسلواکی، تایلند و... رتبه دارند. هوش مصنوعی و سرمایه‌گذاری در آن تضمین‌کننده آینده‌ای بهتر برای دولت‌هاست و در ۱۰ تا ۲۰ سال آینده، کشورهایی می‌توانند خود را پیش‌رو در فناوری قلمداد کنند که امروزه در هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری‌های مالی و انسانی کرده باشند. جلوگیری از مهاجرت نخبگان، به ویژه نخبگان فعال در زمینه هوش مصنوعی و توجه سرمایه‌گذارهای دولتی و خصوصی به طرح‌ها و ایده‌های این افراد، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد؛ دو موردی که (هوش مصنوعی و جلوگیری از مهاجرت نخبگان) رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اخیر خود به آن اشاره کرده‌اند.

برای نخبگان فعال در زمینه هوش مصنوعی ارائه می‌کند و مهندسان هوش مصنوعی را از تمام کشورها جذب خود کرده است! پس از آمریکا، سنگاپور در رتبه دوم شاخص هوش مصنوعی قرار دارد. این کشور در چندین شاخص از جمله ترویج سرمایه‌گذاری دولتی در فناوری‌های نو ظهور امتیاز بالایی کسب می‌کند. در ژوئن ۲۰۱۷، «برنامه هوش مصنوعی» سنگاپور برای تقویت جایگاه هوش مصنوعی در این کشور تأسیس شد و در مجموع ۱۵۰ میلیون دلار در ۱۰۰ پروژه مرتبط با هوش مصنوعی برای حل مشکلات دنیای واقعی تا اواسط سال ۲۰۲۲ سرمایه‌گذاری خواهد شد.

تحریریه صبح صادق: متأسفانه حجم سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی در کشورمان بسیار پایین است. ایران جایی

کشورهایی که در هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کمتری انجام می‌دهند، ممکن است رقابت اقتصادی و نظامی آینده خود را تضعیف کنند.

آمریکا کشوری پیشرو در سرمایه‌گذاری بر روی هوش مصنوعی است. ایالات متحده در هشت شاخص از ۱۷ شاخص تحلیل شده، از جمله معیارهایی مانند مشارکت الکترونیکی، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نو ظهور و هزینه‌های نرم‌افزاری به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، مقام اول را دارد. بر اساس ارقام گلوبال دیتا، بیش از ۸۳۰۰ فعالیت مرتبط با هوش مصنوعی در ایالات متحده در پنج سال منتهی به نوامبر ۲۰۲۱ ثبت شده است، چیزی بیش از سه برابر نزدیک‌ترین رقیب خود، یعنی چین که حدود ۲۵۰۰ معامله را در مدت مشابه ثبت کرده است. یکی از دلایل این رشد، امکاناتی است که آمریکا

ناثومی دیویس

مشاور سرمایه‌گذاری در اینوست‌مانیتور

بر اساس گزارش‌ها، ارزش بازار جهانی هوش مصنوعی (AI) در سال ۲۰۲۰ به ۳۶ میلیارد دلار رسید. پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۲۱ به ۴۷ میلیارد دلار افزایش یابد و تا سال ۲۰۲۸ به رقم خیره‌کننده ۳۶۰ میلیارد دلار برسد. استفاده از هوش مصنوعی در طیف گسترده‌ای از بخش‌ها، از حمل‌ونقل و تولید گرفته تا آموزش و امور مالی قابل مشاهده است. نفوذ گسترده آن سبب شده است که بسیاری از کشورها با هدف حفظ رشد اقتصادی بلندمدت و حفاظت از امنیت ملی، سرمایه‌گذاری زیادی در تحقیق و توسعه هوش مصنوعی انجام دهند. در نتیجه،

نرم افزار

آموزا

آموزش ویدئویی برخط



سامانه و اپلیکیشن «آموزا» مجموعه کاملی از ویدئوها و فایل‌های آموزشی متنوع است که به طور قانونی و با مشارکت صاحبان محتوا در اختیار شما قرار گرفته است. همچنین امکان شرکت در آزمون‌ها و کلاس‌های برخط مختلف برای شما فراهم شده است. با آموزا راه‌های دسترسی به آموزش آسان شده و می‌توانید جلوتر از دیگران در زمینه‌های تحصیلی یا شغلی پیشرفت کنید. در آموزا می‌توانید ویدئوها و فایل‌های آموزشی در حوزه‌های مختلف را به صورت برخط مشاهده یا دانلود کنید.

پژواک

جاسوسی از جاسوسان!

جاسوسی از آمریکا با پگاسوس



افشای جاسوسی شرکت صهیونیستی «ان‌اس‌او گروپ» از گوشی‌های کارکنان وزارت خارجه آمریکا باعث شده دولت بایدن برای مهار این مشکل به فکر چاره بيفتد. گفته می‌شود، با استفاده از نرم‌افزار جاسوسی پگاسوس که رژیم صهیونیستی در اختیار برخی رژیم‌های همسو با خود قرار داده است، از کارکنان دولتی آمریکا جاسوسی شده است و به همین دلیل بایدن در پی ابتکار عملی است تا از گسترش استفاده از این فناوری‌ها برای کنترل و جاسوسی در کشورهایی، مانند آمریکا و... جلوگیری کند!

خبر خوب

AI در جهت اشتغال

تدوین سند الزامات حاکمیتی هوش مصنوعی



معاون فناوری مرکز ملی فضای مجازی از توسعه کسب‌وکارها و فرصت برای اشتغال سرمایه انسانی با تدوین سند الزامات حاکمیتی فناوری هوش مصنوعی خبر داد. هدف اصلی تدوین سند الزامات حاکمیتی فناوری هوش مصنوعی، انسجام دیدگاه‌ها و پرداختن به این حوزه مهم در کشور است تا بتوان با استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌های قابل توجه از توسعه هوش مصنوعی، تجاری‌سازی دانش و فناوری این حوزه را تسریع کرده و به رقابت‌پذیری اقتصادی در سطح منطقه و جهان نزدیک شد.

گفت‌وگو با **محمد رضا عباسیان** به بهانه سینماحقیقت

مستندسازان پای کارند

مدیران با سلبریتی‌ها عکس می‌گیرند

نسیم اسدپور

دبیر گروه فرهنگ

پانزدهمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» در آخرین روزهای آذرماه امسال برگزار شد، با شور و هیجانی که در بین فعالان حوزه مستندسازی ایجاد کرد. هر چند امسال تعداد آثار شرکت‌کننده در

در مورد کلیات جشنواره و اینکه جشنواره حقیقت چه جایگاهی در بین مستندسازی و مستندسازان ما دارد توضیح دهید و اینکه آیا می‌توان این جشنواره را کمکی برای بهبود مستندسازی و مستندسازان کشورمان در نظر گرفت؟

ترجیح می‌دهم کلان‌تر بحث کنیم. در واقع نکته‌ای را تکرار کنم و آن، این است که مستند و مستندسازان در همه این سال‌ها بیشترین بار پرداختن به مجموعه موضوعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و همه آنچه را که می‌گذرد، به نسبت سایر شاخه‌های فرهنگی و هنری به دوش کشیده‌اند.

یعنی هر جا که قالب‌های دیگر فرهنگی ما یا نبودند یا خیلی حضور کم‌رنگی داشتند (برای نمونه در حوزه سینمای داستانی، ادبیات، شعر، هنرهای تجسمی و تئاتر) مستند همیشه بوده و مستندسازان همیشه پای کار بوده‌اند.

برای نمونه مهم‌ترین تصاویری که ما از روزهای انقلاب داریم، از مستندهاست، اگر از دفاع مقدس تصویری داریم از مستند است، اگر از مسائل و مشکلات داخلی کشور تصویری داریم، مستند است، خیلی از بحران‌های داخلی مثل سیل و زلزله و... را مستندسازان ثبت و ضبط کرده‌اند. اگر در کانون‌های بحران جهان اسلام حضور پیدا کرده ایم، باز مستندسازان در میدان بودند.

دقیقاً به همان اندازه‌ای که مستند و مستندسازان بار نظام را به دوش کشیدند، متأسفانه به همان اندازه هم به آنها بی‌توجهی و کم‌توجهی شده است؛ یعنی همیشه مستند و مستندسازان انکار که وظیفه شخصی‌شان است و دارند کارشان را انجام می‌دهند و هیچ توجه در خوری از طرف هیچ یک از نهادها صورت نگرفته است.

مسئولان درجه یک فرهنگی ما چه مسئولان سازمان صدا و سیما و چه مسئولان وزارت ارشاد این قدر که دغدغه دارند با جماعت سینماگر و فیلمساز و سلبریتی و بازیگر عکس یادگاری بگیرند، هیچ وقت تمایل ندارند که در کنار مستندسازان باشند. این قدر که دغدغه وجود دارد مسائل معیشتی هنرمندان سینما برطرف شود، هیچ وقت در مورد مستندسازان این طور نبوده است.

از همه مهم‌تر این قدر که پول می‌گذارند برای اینکه آثار داستانی و طنز و کمدی و... تولید شود، متأسفانه هیچ وقت در مورد مستند این گونه نبوده و با وجود همه آن مزایا و ارزش‌افزوده‌هایی که مستند دارد و بخشی‌اش را من گفتم.

جشنواره سینما «حقیقت» معتبرترین و ستون خیمه جشنواره‌های فیلم و مستند است که طبیعتاً همه مستندسازان علاقه دارند که فیلم‌های‌شان در این جشنواره حضور داشته باشد.

واقعیت مطلب این است که مانند همه رویدادهای فرهنگی، به سه‌طور مشخص در جشنواره‌های دیگر ما نیز نگاه استراتژیک وجود ندارد و تلاش نمی‌شود تا به آن دسته از آثاری که نگاه استراتژیک دارند و نقاط مهم را مدنظر قرار می‌دهند، توجه و عنایت ویژه شود.

اما در مجموع با وجود همه ناملایمات و همه کم‌توجهی‌ها و با وجود اینکه برخی از فیلم‌سازان مستند ما نگاه به جشنواره‌های خارجی دارند و می‌روند سراغ سوژه‌هایی که به عنوان سیاه‌نمایی از آنها تعبیر می‌شود و سعی می‌کنند سوژه‌هایی را انتخاب کنند که تصویرش این است که در خارج از کشور ممکن است به آنها توجه شود، ولی وقتی شما مجموعه آثار حاضر از این جشنواره را می‌بینید، به هر حال با یک تصویر و برآیند کلی از آنچه در کشور می‌گذرد، رویه‌رو می‌شوید.



هر چند حتی درصد کمی از آن حجم مستندها که تولید می‌شود یک تصویر عمومی از کشور می‌دهد؛ اما در واقع می‌توان گفت فقط در فیلم مستند است که شما تصاویری از بخش‌های مختلف کشور را می‌بینید. در آثار داستانی ما، به خصوص سریال‌ها و سریال‌های نمایش خانگی تصاویر آپارتمانی است و همان هم مختص به یک طبقه خیلی خاص از نقطه‌ای در شهر تهران است.

حتی همه تهران هم این طور نیست و اصلاً کشور در آن جای ندارد، عموم مردم در آن جای ندارند؛ اما مستند این طور نیست که چه مستندهای اجتماعی، چه مستندهای حیات وحش و چه مستندهای تاریخی همه اینها در واقع دارد یک تصویر خیلی واقعی‌تری را از کل کشورمان ارائه می‌دهد و مهم‌ترین ارزش جشنواره سینما حقیقت همین است که چون محل بروز مستند است و مستند بسیار با ارزش است، طبیعتاً جشنواره نیز آن ارزش را از ذات با ارزش مستند وام گرفته و تصویر خوبی دارد.

با توجه به اینکه داور بخش بین‌الملل نیز بوده‌اید و قطعاً به تماشای آثار زیادی در جشنواره امسال نشست‌اید، به نظرتان امسال جشنواره با جشنواره‌های گذشته چه تفاوتی داشته است؟

ما نمی‌توانیم بگوییم خیلی اتفاقات ویژه‌ای نسبت به سال‌های گذشته افتاده است. سال قبل به دلیل کرونا برگزاری جشنواره کم‌رنگ‌تر بود و بیشتر به صورت برخط برگزار شده بود. امسال ترکیبی برگزار می‌شود و درصد کمی به صورت حضوری و درصد زیادی به صورت برخط است و استقبال خیلی خوبی از نمایش‌های برخط هم شده است.

حتماً جشنواره در سه دوره اخیر خیلی حرفه‌ای‌تر شده است، نگاه حرفه‌ای و استاندارد‌تری نسبت به مجموعه سال‌های قبل دارد که مدیر عامل

آثار هنرمندان عرصه مستند است، به گفت‌وگو با محمد رضا عباسیان، کارشناس فرهنگی و صاحب‌نظر حوزه سینما، مستند و تلویزیون نشستیم. وی یکی از داوران بخش بین‌الملل این دوره از جشنواره سینماحقیقت است و معتقد است، برخلاف آنکه مستندسازان همیشه در میدان حاضرند، اما مورد بی‌مهری متولیان فرهنگی کشور قرار گرفته و آن‌طور که باید و شاید از آنها حمایت نمی‌شود. عباسیان در این گفت‌وگو، موضوعاتی همچون ادوار مختلف این جشنواره، خروجی آن و آسیب‌شناسی ابعاد مختلف جشنواره را بررسی کرده است.

فیلم‌های که در بخش جایزه آوینی هستند، سطح بسیار کیفی پایین‌تری دارند.

این اتفاق خوبی نیست که امیدوار هستیم تغییر پیدا کند و جایزه شهید آوینی جایگاه خودش را به صورت مستقل پیدا کند و حتی از این بخش جشنواره حذف شود که فیلم‌هایی که خوب هستند، بتوانند به بخش مسابقه ملی بروند.

البته بعضی فیلم‌های شهید آوینی مشترک در بخش مسابقه ملی هم هستند؛ ولی من تصورم این است که حق‌شان این است که سهم بیشتری داشته باشند.

به نظر می‌رسد فضای مستند ما و فیلم‌های مستند مخاطبانی خاص دارد. برای اینکه ایسن فضا عمومی‌تر شده و مخاطبان عام بیشتری داشته باشند، چه باید کرد؟ از طرفی چگونه می‌توان از جوانان فعال در این حوزه که حالا فیلمی با هزار دغدغه و هزینه ساخته‌اند و در جشنواره مستند کارشان دیده شده، حمایت کرد؟ به نظرتان بهتر نیست شبکه مستند به صورت جدی‌تر در این رابطه از مستندسازان با استعداد حمایت کند؟

تأثیرگذاری فعالیت فرهنگی بسیار زمان‌بر است. شما در طول یک زمان طولانی در انتخاب یک مسیر اشتباه ذائقه مخاطبان را به یک سمت دیگری سوق می‌دهید و منحرف می‌کنید.

اگر در بسترهای خوبی این مستندهای خوب برای مردم به نمایش دربیاید، حتماً مردم بسیار استقبال می‌کنند؛ اما اشتباه بزرگ سازمان صدا و سیما و رسانه ملی و حتی بدنه سینمایی وزارت ارشاد این بوده که ذائقه مخاطب را به شدت به سمت کارهای داستانی آن هم نازل به لحاظ کیفی سوق داده و عادت داده‌اند. من همیشه این فیلم‌های طنز و فیلم‌های مبتذل را به غذای فست فود تشبیه می‌کنم و در واقع فیلم‌های فاخر و مستندها مانند یک فضای مستند سنتی با کیفیت است.

این تغییر ذائقه، اشتباه بزرگ مدیران فرهنگی و تصمیم‌گیرندگان فرهنگی طی سالیان طولانی بوده و همان طور که غذای سالم از سبذ غذایی مردم حذف شده، فیلم مستند خوب هم از سبد فرهنگی مخاطبان حذف شده است. همیشه حرف می‌زنند که می‌خواهیم تغییر دهیم.

ولسی وقتی بهترین زمان آنتن تلویزیون را به سریال‌های بسیار درجه پایین می‌دهیم، این اتفاق نخواهد افتاد. وقتی پلنفرم‌های ما همه تلاشش این است که نه فست فود؛ بلکه غذای مسموم به مخاطب تزریق کند، طبیعتاً روز به روز از مردم فاصله می‌گیرد. اگر شرایطی به وجود بیاید که خانواده‌ها به نوعی در یک موقعیتی قرار بگیرند که بتوانند مستندی را ببینند، قطعاً آن قدر خوش‌شان می‌آید که می‌گویند عجب فیلم خوبی.

این ایراد از مسئولان سیاست‌گذار ماست و این ایراد نیز از آن جا می‌آید که به مستند بی‌توجه و کم‌توجه هستند، به همان دلایلی که اول عرایضم گفتم.

خُب راهکار را در چه می‌دانید؟

مهم این است که سیاست‌گذاری کلان صورت بگیرد. عرض کردم راهکاری ندارد که امروز انجام دهیم و فردا جواب بدهد. باید مستندهای خوب به مرور از شبکه‌های گوناگون پخش شود و در بسته‌های فرهنگی مردم قرار گیرد تا ذائقه مخاطبان مقداری تغییر کند. کار یک ماه و یک سال و اینها نیست، باید سیاست‌گذاری کلان صورت بگیرد و به مرور این اتفاق بیفتد.

۱۳

فرهنگ

شماره ۱۰۲۹ | دوشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۰

صداقت

تاریکخانه

خطی که مقدم نبود

ندا کرمانشاهی

کارشناس فرهنگی

سریال «خط مقدم» بعد از مدت‌ها انتظار سرانجام از رسانه ملی پخش شد؛ اثری که ابتدا قرار بود فیلم سینمایی باشد. تهیه‌کننده سریال نیز اشاره کرده بود که این سریال قبلاً به صورت یک فیلم سینمایی تهیه شده، اما با توجه به شرایط فعلی سینماها و محدودیت‌های کرونایی، به صلاح‌دید سرمایه‌گذار، مدیران سیمافیلیم و مدیر شبکه یک تصمیم بر این شد که این کار به مینی‌سریالی چند قسمتی تبدیل بشود و همین اتفاق نیز افتاد. مینی‌سریالی که آنتن شبکه یک را به خود اختصاص داد، اما متأسفانه آنچنان که انتظار می‌رفت تا در خور عظمت سردار شهید حسن طهرانی مقدم باشد، نتوانست رضایت مخاطبانش را جلب کند.

هر چند همه «شهریار بحرانی» را می‌شناسیم، کارگردان توانمند و خوبی که بسا کارهایش خاطره داریم؛ از «حمله به اج‌۳» گرفته تا «مریم مقدس» و «ملک سلیمان»؛ آثاری دیدنی، جذاب و ماندگار. اما «خط مقدم» با وجود موضوع بسیار مهم، ملی و جذاب آن که می‌توانست یک اثر ممتاز برای آشنایی خانواده‌ها و به ویژه نسل جوان با سرگذشت اسطوره‌ای مانند شهید طهرانی مقدم و هم‌زمانش باشد، به دلیل ضعف در فیلمنامه و ساخت، نه تنها نتوانست رضایت مخاطبان را به دست آورد، بلکه حتی موضوع را هم به قول معروف «شهید» کرد و انتقادهای زیادی به آن وارد شد. یکی از جدی‌ترین انتقادات، مربوط به انتخاب بازیگری بود که نقش شهید طهرانی مقدم را ایفا می‌کرد. عجب بود که چطور ممکن است انتخابی صورت بگیرد که هیچ‌گونه تناسبی بین چهره شهید، با چهره نسبتاً فانتزیز و مدلیک بازیگر این نقش وجود نداشته باشد! هنوز از ساخت فیلم‌های دفاع مقدسی با آن چهره‌های معصوم که انصافاً خلوص و ایمان رزمندگان دفاع مقدس را به یاد می‌آورند، زمان زیادی نمی‌گذرد. چهره‌هایی کاملاً واقعی، ملموس و دور از هر گونه تصنع. جالب این است که در این باره گفته شده است «برای انتخاب بازیگری که بتواند نقشی چنین حساس و تأثیرگذاری را بیافریند، تشابه چهره اولویت اصلی نیست، بلکه بازیگر باید طوری عمل کند که بتواند روح آن شخصیت فداکار و از خود گذشته را در صحنه بروز دهد!» این گزاره قطعاً نمی‌تواند دلیل درستی باشد؛ زیرا حتی خود چهره یک ایمان‌هنری مهم است و می‌تواند موجب شکل‌گیری حس بهتر برای مخاطب شود، به خصوص اگر خیلی خوب بتواند با شخصیت اصلی ارتباط روحی برقرار کرده و آن را در فیلم از خود بروز دهد و این خود شاید یکی از هنرمندانه‌ترین و صد البته یکی از سخت‌ترین بخش‌های پیش تولید است. دیالوگ‌های فیلم و حتی برخی روابط بین شهید حسن طهرانی مقدم و همسرش بسیار مستقیم و سطحی و حتی در برخی جاها کلیشه‌ای بوده است؛ طوری که به جای جذب، مخاطب را پس می‌زند.

هر چند که بسیاری از قاب‌ها خوب بسته شده و از جلوه‌های بصری به خوبی استفاده شده، اما در کل بازی‌های سرد و دیالوگ‌های سطحی و ضعیف در بسیاری از قسمت‌های فیلمنامه، باعث شد که پروژه «خط مقدم» یا بهتر بگوییم، سرگذشت پدر اقتدار موشکی ایران اسلامی، در قاب سینما و تلویزیون زخمی شود.

یادداشت

دورایت
از یک وزیر

زینب گل محمدی

پژوهشگر دفاع مقدس

اول: سعید صادقی، عکاس جنگ در سال ۲۰۰۳ میلادی در دیداری از عراق موفق شد عکس‌هایی از شهید تندگویان جمع کند و به این ترتیب اطلاعات نسبتاً دقیقی از شهادت او به دست آورد. او نخستین فردی بود که موفق به دیدن عکس اسارت شهید تندگویان شد.

صادقی می‌گوید: بعد از ماجرای حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ میلادی ما وارد بغداد شدیم تا از ورود نظامی‌های آمریکایی تصویربرداری کنیم، یکی از دوستانم هم در آنجا به جمع‌آوری اسناد جنگ ایران و عراق مشغول بود. ما در میان این مدارک عکسی از شهید تندگویان دیدیم و تصمیم گرفتیم که این عکس‌ها را جمع‌آوری کنیم. در این میان عکسی از شهید تندگویان پیدا کردیم که در میان نیروهای بعثی گرفتار بود، البته قیافه‌اش چندان تغییری نکرده بود.

در حین جست‌وجوی یکی از این عکاسان، به نام سیدعبد بطاط را پیدا کردیم. ما در شهر هر چندر پرس‌وجو کردیم ایشان را پیدا نکردیم. بالاخره فهمیدیم آقای بطاط در بصره است. او را پیدا کردیم و گفت از دوستان صمیمی «احمد زیدان» است و اطلاعاتش را از طریق او به دست می‌آورد. احمد زیدان، اشغالگر خرمشهر بود و پس از تسخیر این شهر، مدال گرفته و به درجه سرلشکری ارتقا پیدا کرده بود. من پیشنهاد کردم با این عکاس، نمایشگاه برگزار کنیم. بطاط گفت: «یک عکس دارم که خیلی مهم است، این عکس وزیر شما است.» من فهمیدم که منظور او شهید تندگویان است. سید بطاط حتی وقتی پیشنهاد دادیم که ۵۰۰ دلار بگیرد و بیه ایران بیاید، موافقت نکرد! او گفت: تندگویان تا حوالی ۱۳۷۰ زنده بود. او می‌گفت بر اثر شکنجه سنگین، شهید شد و این اطلاعات را از طریق احمد زیدان که از دوستان صمیمی اش بود، به دست آورده بود.

دوم: مهندس با دو نفر از معاونان خود اسیر شدند؛ این اتفاق در نهم آبان ۱۳۵۹ در مسیر رفتن به پالایشگاه آبادان اتفاق افتاد. رژیم بعث پس از مدتی اعلام کرد، مهندس تندگویان در ۱۲ خرداد ۱۳۶۱ در سلول خود خودکشی کرده است! این مسئله قابل قبول نبود. تندگویان قبل از انقلاب هم زندان ساواک را تجربه کرده بود. مقامات بعثی در پاسخ به تقاضای ملاقات اعلام کردند که وی اظهار داشته اگر فردی با وی ملاقات کند، به خودکشی دست خواهد زد!

سرتیپ عبدالله نجفی از فرماندهان ارتش می‌گوید: آذر ۱۳۷۰ یعنی‌ها ادعا کردند پس از نگهداری جسد به مدت چهار سال در سردخانه، به علت متوقف نشدن جنگ، دفن شده است. با نیش قبر و کالبد شکافی، پزشکان ایرانی به این نتیجه رسیدند که اطلاعات موجود با جسد ارائه شده مطابقت ندارد. وزارت خارجه عراق با قبول اشتباه خواستار تعویق سفر شد تا جسد واقعی با حضور مجدد پزشک صلیب سرخ مورد معاینه قرار گیرد. سپس جسد دوم در قبرستان الکرخ (۶۰ کیلومتری جاده بغداد-رمادی) نبش قبر شد. یک جسد مومیایی در تابوت فلزی بود. معاینه طرف‌های سه‌گانه نشان داد که جسد مذکور متعلق به تندگویان است.

میثم رشیدی مهر آبادی

دبیر گروه دفاع مقدس



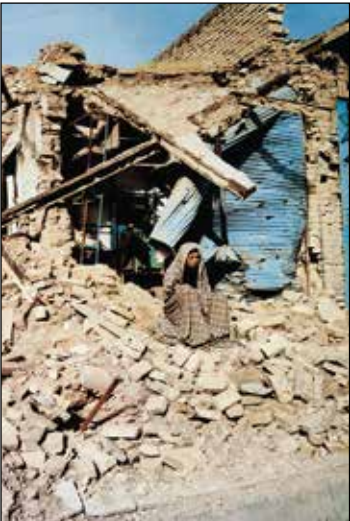
مقاومت مردم دزفول در سال‌های جنگ، موضوعی نیست که برای کسی تازه داشته باشد. روایت این مقاومت اگر چه ناگفته باقی مانده، اما نام مردم این شهر را در ذهن‌ها جاودان کرده است. حملات دشمن یعنی در ۲۸ آذر ۱۳۶۱ به این شهر، بهانه خوبی برای بررسی کوتاهی در این زمینه بود. در سال ۱۳۶۰، عراق علاوه بر تداوم حملات توپخانه‌ای و هوایی، ۳۰ مرتبه شهرهای ایران را هدف موشک‌های زمین به زمین خود قرار داد. در این حملات، ۶۴ فروند موشک به سمت شهرهای ایران شلیک شد که از این تعداد، ۴۸ فروند در خارج از شهرها فرود آمد. در این سال بیشترین حملات متوجه شهرهای دزفول و اهواز بود. شهر دزفول ۱۴ مرتبه و با استفاده از ۲۳ فروند موشک زمین به زمین و شهر اهواز ۱۰ مرتبه و با ۲۰ فروند موشک هدف حمله قرار گرفت. همچنین در این سال شهر حمیدیه دو مرتبه، شوش و ایلام نیز هر کدام یک مرتبه مورد حمله موشکی قرار گرفتند. بر اثر حملات موشکی سال ۱۳۶۰، حداقل ۸۲ نفر به شهادت رسیدند که ۴۸ نفر از آنها ساکنان شهر دزفول و ۲۰ نفر دیگر نیز از مردم غیرنظامی اهواز بودند. به علاوه ۲۹۱ نفر بر اثر این حملات موشکی مجروح شدند که بیشترین تعداد مجروحان (۲۵۴ نفر) مربوط به شهر دزفول بوده‌اند.

هفت‌سین‌های خوزین

تعطیلات نوروزی سال ۱۳۶۰ آغاز چند حادثه خونین برای مردم دزفول بود. در ۸ فروردین ماه به فاصله ۳ ساعت دزفول مورد حمله سه موشک زمین به زمین دشمن قرار گرفت و در ۱۲ فروردین ۹ نفر از رزمندگان دزفولی بر اثر انفجار مین‌های جمع‌آوری شده در جبهه صالح مشطط به شهادت رسیدند. در ۱۳ فروردین ماه نیز، شهر آماج حملات توپخانه‌ای قرار گرفت. از اردیبهشت تا تیر ۱۳۶۰ دزفول کماکان در زیر آتش توپخانه و حملات موشکی دشمن قرار داشت و در آبان بر شدت حملات موشکی دشمن افزوده شد. اصابت یک گلوله توپ به یک دستگاه مینی‌بوس حامل مردم در ۸ آبان ۱۳۶۰ که منجر به شهادت ۳۰ نفر شد، یکی از غم‌انگیزترین حملات را برای مردم دزفول رقم زد. در همین ماه حادثه‌ای دیگر، مردم دزفول را داغ‌دیده کرد. این روز مصادف با روز حقوق بشر بود و مردم در حالی که به سوسی گلزار شهدای «بهشت علی» روان بودند، مورد حملات توپخانه‌ای قرار گرفتند و تعداد زیادی از مردم دقیقاً روی پل قدیم به شهادت رسیدند. اولین حمله موشکی دشمن پس از عملیات فتح‌المبین در ۱۶ فروردین صورت گرفت که منجر به شهادت و مجروحیت تعدادی از مردم شد. دزفول در ماه‌های اردیبهشت و خرداد با وجود انجام دو عملیات بزرگ «فتح خرمشهر» و «رمضان»، اگر چه در هر دو عملیات ۲۱۴ نفر از جوانان غیور خود را تقدیم اسلام

بررسی حادثه ۲۸ آذر ۱۳۶۱ و ردپای خانواده مظلوم آریانبور در شهر موشک‌ها

۲۳ شهید از یک خانواده



به جمع خانواده آمده بود، گزارش محل اصابت موشک، وسعت تخریب و آنچه دیده بود را تعریف می‌کرد که ناگهان با ضربه‌ای شدید در کمر، خودش را زیر خروارها آهن و آجر و سنگ و خاک مدفون دید و بیهوش شد. وقتی پس از ساعاتی به هوش آمد، خود را در حفرة‌ای تاریک و تنگ در حالی که احساس سوزش شدیدی در چشم‌ها و کمرش می‌کرد، دید و متوجه شد موشک دوم به منزل او اصابت کرده است. در همان حال نمازش را خواند و آماده شهادت شد. در فکر زن و مادر و پسر و خواهر و برادران بود که «آیا تمام آنها شهید شده‌اند؟! از حال می‌رفت و دوباره به هوش می‌آمد. چندین بار شهادتین گفت. در همین لحظات صدای مردمی که به کمک و امداد آمده بودند، به گوشش رسید و او که در زیر زمین دفن شده بود، از سوی همسر مجروحش که مردم او را از زیر آوار نجات داده بودند و دای‌اش، از زیر خاک‌ها کشف و به بیمارستان منتقل شد. بلافاصله محمود را به بیمارستان پایگاه چهارم شکاری دزفول برده و از آنجا به بیمارستان شهید لبافی‌نژاد منتقل کردند. ۴۰ روز بستری شد و یک چشمش را تخلیه کردند! در چهلم شهادی موشکی، در تهران از سوی اهل فامیل خبر شهادت ۲۳ نفر از اعضای خانواده را به او دادند؛ سپس با اصرار زیاد از بیمارستان مرخص شده و در اربعین شهدا در قبرستان بهشت علی با مزار ۲۳ شهید که از بچه یک‌روزه تا مرد وزن بزرگسال از جمله همسر و پدر و مادر و اهل خانواده خود بود، رویه‌رو شد... در ۲۸ آذر ۱۳۶۱ پس از این تاریخ به دلیل اصابت موشک‌های فراوان به دزفول به عنوان بلد الصواریخ (شهر موشک‌ها) معروف شد و این لقب را کشورهای عربی به دزفول دادند. در ۱۳۶۱/۹/۲۹ مردم دزفول در مراسم تشییع پیکر شهدای حمله موشکی با فریادهای «جنگ، جنگ تا پیروزی» و «می‌جنگیم، می‌میریم، سازش نمی‌پذیریم» پیکر پاک و مطهر شهدا را تشییع و در قبرستان «بهشت علی» به خاک سپردند. در ۳۰ آذر ۱۳۶۱ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس‌جمهور وقت) در خصوص حملات موشکی فرمودند: «حمله موشکی به دزفول، تحریک به ادامه جنگ است. جنگ را ادامه می‌دهیم و دشمن را از انجام چنین کارهایی پشیمان خواهیم کرد.»

تازه‌ها

قصه بابا

کتاب «مادر برام قصه بگو»: خاطرات شفاهی گروه سرود آباده شیراز است که به تازگی با قلم «بهنام باقری» و از سوی انتشارات «راه یار» منتشر و راهی بازار نشر شده است. ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ بچه‌های گروه سرود آباده در ساختمان نهاد ریاست‌جمهوری در محضر آقای خامنه‌ای سرودی اجرا کردند. آنچه سبب شهرت احمد توکلی، مربی گروه سرود و به تبع آن گروهش شد، چند سرود در اواسط دهه شصست بود که معروف‌ترین‌شان، سرود «مادر» یا «قصه بابا» بود که در اواخر سال ۱۳۶۶ ساخته شد. این سرود به همراه سرودهای «آلاله»، «دلبران تنگستان» و «پل شیردل»، محبوبیت ویژه‌ای بین مردم ایران پیدا کرد؛ محبوبیتی که نام «گروه سرود آباده» را بر سر زبان‌ها انداخت.



خاطره

آزادسازی ۴۰ روزه

در شمال استان بابل عراق منطقه حساسی وجود داشت که محل تجمع و فرماندهی بیش از ۲۰ ساله نیروهای داعش بود. این نیروها از سال ۱۹۹۱، بعد از انتفاضه شعبانیه به وسیله خود صدام مستقر شده بودند و حضورشان ادامه پیدا کرده بود تا این اواخر که حاج قاسم می‌خواست منطقه را از چنگ آنان خارج کند. آمریکا در این منطقه بیش از چهار هزار نفر کشته داده بود و بیش از چهار سال درگیر بود. یکی از فرماندهان ایرانی نقل می‌کرد من مسئول اطلاعات بودم و منطقه را کامل شناسایی کردم؛ سردار سلیمانی آمد و از وضعیت منطقه پرسید؛ کل اخبار منطقه را با جزئیات گفتم. سردار موتور از من خواست؛ گفتم برای چه؟ گفت باید خودم منطقه را ببینم؛ تا صحنه را خودم ببینم نمی‌توانم به نیرو فرمان بدهم. سردار شخصاً منطقه را رصد کرد و برگشت و سپس به نیروها دستور حمله داد. سردار سلیمانی این منطقه را از اول محرم تا ماه صفر تقریباً طی ۴۰ روز آزاد کرد. شهدا کمتر از ۱۰ نفر بودند که شهید ایرانی هم نداشتیم.

راوی: سردار سعدالله زارعی

قاب

ایستادهام



ایستادهام به دیدن دوردست. مناطق دوردست را با این دوربین می‌بینم و سال‌های دور را در ذهنم تصور می‌کنم. من حالا باید پیش‌نوه‌هایم باشم؛ من اینجا چه کار می‌کنم؟! اگر دشمن به خانه‌ام حمله نکرده بود، محال بود کسی من را با تفنگ و کلاه آهنی ببیند. من آمده‌ام که فردای نوه‌هایم را ببسام. من آمده‌ام که آنها، معنی امنیت و احساس آرامش را فقط در داستان‌ها نخوانند...

پیش‌تاز در توسعه زیرساخت حمل‌ونقل

مجید ترابی

سرپرست روابط عمومی قرارگاه

«توسعه پایدار» مفهومی است که رشد و پیشرفتی همه‌جانبه و متوازن را برای تمام ابعاد جوامع انسانی در نظر دارد. این نوع توسعه، افزون بر توسعه و تعالی زندگی نسل حاضر، به حمایت از نسل‌های آینده در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی نیز توجه دارد. یکی از ابزارهای مهم در تحقق توسعه پایدار، ایجاد زیرساخت‌های مناسب حمل‌ونقل است. این نوع زیرساخت‌ها همچون حلقه‌ای است که سایر اجزای خدماتی، بازرگانی، صنعتی و کشاورزی را در حوزه ملی و بین‌المللی به هم پیوند می‌دهد و تأثیرات عمیقی بر رشد و توسعه این بخش‌ها بر جای می‌گذارد.

نگاهی به سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بیان‌کننده این نکته است که تحقق بیشتر بندهای ذکر شده در آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منوط به توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل در سراسر کشور است که این امر نشان از اهمیت این عرصه دارد.

وجود شبکه ایمن و سراسری راه‌ها علاوه بر اینکه سبب توزیع عادلانه کالا و خدمات به تمام نقاط کشور می‌شود، بهره‌مندی سراسر کشور از توان و ظرفیت اقتصادی را در پی خواهد داشت که این امر موجب رونق اقتصادی و مشارکت جمعی در توسعه و پیشبرد اهداف اقتصاد ملی خواهد شد.

در دید کلان نیز تقویت ارتباط و تعاملات اقتصادی با جهان، امری حیاتی به شمار می‌آید که نیازمند شبکه‌های ارتباطی ایمن و سراسری است تا صادرات و واردات کالا و خدمات با کشور‌های دیگر به‌نحو احسن انجام شود. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص)

نیز با درک این مهم و با توجه به نقش آن در تقویت پدافند غیرعامل و مدیریت بحران وارد این عرصه شد و در حوزه‌های گوناگون، از جمله احداث آزادراه، بزرگراه، خطوطریلی درون و برون‌شهری، پل‌ها و تقاطع‌های غیرهمسطح، تونل‌های ترافیکی و قطار سریع‌السیر کارنامه‌ز زرینی از خود باقی گذاشته است. احداث ۹۰۰ کیلومتر آزادراه (معادل ۳۸ درصد ظرفیت ساخته شده در کشور) و ۲۵۰۰ کیلومتر بزرگراه و راه اصلی (معادل ۱۳ درصد ظرفیت ساخته شده در کشور) نشان از عظمت کار این مجموعه است.

مهم‌ترین پروژه‌ها

- آزادراه حرم‌تاحرم (قم تا گرمسار)
- آزادراه اراک - خرم‌آباد
- آزادراه غدیر
(کنار گذر جنوبی تهران)
- آزادراه تهران - ساوه
- آزادراه اهواز - پندر امام



مدیر احداث آزادراه‌های قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در گفت‌وگو با صبح صادق

پیش از ۵۰ درصد آزادراه‌ها با تکمیلش قرارگاه احداث می‌شود

استفاده صد درصدی از توان و تجربه متخصصان داخلی، به‌کارگیری نیروهای بومی در اجرای پروژه‌ها، اشتغال‌زایی و همکاری با حدود ۱۳۰ شرکت از بین جامعه پیمانکاری کشور تنها بخشی از دستاوردهای اجرای پروژه‌های آزادراهی با تلاش جهادگران قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) است. در همین زمینه گفت‌وگویی با مهندس بابک لارثی، مدیر احداث آزادراه‌های قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

لطفاً بفرمایید قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) به طور کلی در حوزه احداث آزادراه‌ها چه دستاوردهایی داشته است؟

قرارگاه تاکنون در احداث و اجرای حدود ۹۰۰ کیلومتر آزادراه (معادل ۳۸ درصد ظرفیت ساخته شده در کشور) وارد شده و در کارنامه کاری خود ثبت کرده است. از مهم‌ترین پروژه‌های این حوزه می‌توان به آزادراه حرم‌تاحرم، آزادراه اراک-خرم‌آباد و آزادراه کنارگذر جنوبی تهران، احداث آزادراه تهران-ساوه به طول ۱۲۳ کیلومتر و احداث آزادراه اهواز-بندر امام اشاره کرد. آزادراه حرم تا حرم که از شهر مقدس قم تا مشهد مقدس امتداد دارد، در سه قطعه به طول حدود ۳۰۰ کیلومتر احداث شده و قطعه اول آن از قم تا گرمسار به طول ۱۵۲ کیلومتر در سال ۱۳۹۳ به بهره‌برداری رسید. آزادراه غدیر یا همان آزادراه کنار گذر جنوبی استان‌های تهران و البرز است که به طول ۱۵۸ کیلومتر از محدوده شهر آبیگ در آزادراه کرج-قزوین آغاز شده و تا محدوده شهر چرمشهر در آزادراه قم-گرمسار ادامه دارد؛ این آزادراه نیز در اسفندماه سال ۱۳۹۹ به بهره‌برداری رسیده و در حال حاضر روزانه بیش از ۳۰ هزار وسیله نقلیه در آن تردد دارد.همچنین آزادراه اراک-خرم‌آباد به منزله یکی از مهم‌ترین کریدورهای ترافیکی شمالی جنوبی کشور، از دیگر پروژه‌های قرارگاه است که با پایان یافتن آن طول این مسیر از ۲۱۵ کیلومتر به ۱۳۲ کیلومتر کاهش می‌یابد. در واقع بیش از ۵۰ درصد آزادراه‌های در دست اجرای کشور با تلاش قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) احداث شده یا در حال انجام است.

کارفرمای قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در حوزه احداث آزادراه‌ها و بزرگراه‌های در سطح کشور چه نهادهای است و ارتباط قرارگاه با آنها به چه صورت است؟

در غالب پروژه‌های راهسازی، به‌ویژه در حوزه آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها، کارفرمای اصلی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص)، دولت و به صورت ویژه وزارت راه و شهرسازی است و البته قرارگاه با توجه به رسالت و مأموریتی که در حوزه عمران و آبادانی کشور بر عهده دارد، ارتباط بسیار تنگاتنگ و مطلوبی با کارفرمای خود در این بخش برقرار کرده است. بنابر فرمایش رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) «اقرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) یک بازوی اجرایی قوی برای دولت‌های مختلف در طول این سال‌ها بوده است» و این بیان‌کننده همکاری قرارگاه با تمام دولت‌ها بوده است.قرارگاه به منظور تمرکز بهتر بر حوزه آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها، اقدام به تأسیس شرکت «تهران گسترش» کرد که زیر مجموعه تخصصی قرارگاه در این گرایش است و پروژه‌های مهمی، مانند آزادراه غدیر، آزادراه اراک-خرم‌آباد و آزادراه حرم تا حرم در این مجموعه اجرا و مدیریت می‌شود.

لطفاً در خصوص لزوم احداث آزادراه غدیر و اهمیت این پروژه برای مخاطبان ما توضیح دهید.

آزادراه کنارگذر جنوبی استان‌های تهران و البرز موسوم به آزادراه غدیر یکی از حلقه‌های مهم کریدور ترانزیتی شرق به غرب کشور است که از سال ۱۳۹۵ مطرح شد و در دستور کار قرارگاه قرار گرفت. این آزادراه از محدوده شهر آبیگ در آزادراه کرج-قزوین شروع شده و به آزادراه قم-گرمسار در محدوده چرم‌شهر متصل می‌شود. این آزادراه ۱۵۸ کیلومتری از استان‌های قزوین، البرز، مرکزی و تهران می‌گذرد. در خصوص اهمیت این پروژه همین بس که بدانیم تهران به منزله بزرگ‌ترین کلان‌شهر ایران، دومین کلانشهر بزرگ غرب آسیا و یکی از پرجمعیت‌ترین کلان‌شهرهای جهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تمرکز فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و سیاسی در تهران، وجود بزرگ‌ترین قطب اقتصادی کشور در پیرامون آن، بر اهمیت این جایگاه افزوده است.با در نظر گرفتن چنین شرایطی،

پروژه آزادراه کنارگذر جنوبی استان‌های البرز و تهران با هدف انتقال تردد خودروهای عبوری از کلان‌شهرهای کرج و تهران به خارج از محدوده این شهرها و ایجاد یک ارتباط ایمن و حیاتی بین کریدورهای منتهی به تهران طراحی و اجرا شد.

مشخصات کلی این پروژه چیست و استانداردهای جهانی تا چه میزان در احداث آن رعایت شده است؟

آزادراه غدیر به صورت دو بانده ۶ خطه با عرض ۳۷ متر، نماد تخصص و تلاش جامعه مهندسی کشور در اجرای ابرپروژه‌های حوزه راه به شمار می‌رود. این آزادراه با رعایت کامل استانداردهای روز دنیا،

طراحی، اجرا و راه‌اندازی را دارد و این نشان از آن دارد که نگاه قرارگاه به سازندگی کشور بالاتر از یک وظیفه و مأموریت و در حد یک رسالت است؛ از این رو سعی قرارگاه بر این است که علاوه بر EPC به مسئله (F تأمین منابع مالی) نیز توجه خاص کند.

یکی از پروژه‌های راهبردی دیگر در حوزه آزادراه‌ها، پروژه آزادراه اراک خرم‌آباد است. لطفاً در خصوص اهمیت این پروژه هم توضیح دهید.

یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های راهبردی حمل‌ونقل جاده‌ای که با هدف روان‌سازی ترافیک عمومی، ترانزیت کالا و اتصال کریدورهای شمالی کشور به



بندر امام خمینی (ره) در جنوب کشور اجرا شده، پروژه آزادراه اراک-خرم‌آباد است. این پروژه به صورت شش خطه شامل سه خط رفت و سه خط برگشت، به طول ۱۳۴ کیلومتر و عرض ۳۵ متر طراحی و اجرا شده است که اتصال بین آزادراه اراک-سلفچگان-ساوه و خرم‌آباد-پل زال را برقرار می‌کند و در فاز نخست، ۶۷ کیلومتر آن حذف‌فصل بروجد تا خرم‌آباد بهره‌برداری شده است.

آیا این پروژه در حذف گرنده‌های پرخطر مسیر هم تأثیر داشته است؟

بله. با بهره‌برداری از این آزادراه، علاوه بر افزایش شاخص‌های ایمنی جاده‌ای، سرعت تردد نیز از ۸۰ کیلومتر به ۱۱۰ کیلومتر افزایش یافته و روزانه بیش از ۲۰ هزار وسیله نقلیه در آن تردد داشته دارند و ضمن رفع گرهِ‌های ترافیکی در محدوده شهرهای اراک، بروجرد و خرم‌آباد از تداخل تردد شهری و برون‌شهری این منطقه جلوگیری شود.افزون بر موارد مذکور، صرفه‌جویی سوختی در حدود ۷۰ میلیون لیتر در سال معادل حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان انجام خواهد شد که این امر کاهش تولید آلاینده‌ها و گازهای گلخانه‌ای به میزان ۱۹۶ هزارتن دی‌اکسیدکربن در سال را به دنبال دارد و عواید حاصل از صرفه‌جویی در کاهش زمان سفر در طول این پروژه، بالغ بر ۱۳۰ میلیارد تومان در سال خواهد بود. همچنین کاهش طول مسیر به میزان ۳۰ کیلومتر و حذف گرنده‌های پر خطر، توأم با رعایت کامل استانداردهای روز دنیا، کاهش ۴۳ دقیقه‌ای مسیر و ارتقای ضریب ایمنی را در طول این آزادراه فراهم کرده است.

مشارکت قرارگاه سازندگی خاتم و دولت در این پروژه به چه میزان بوده است؟

پروژه آزادراه اراک-خرم‌آباد با همکاری شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور به نمایندگی از وزارت راه و شهرسازی و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) به صورت مشارکت ۶۰ درصد به ۴۰ درصد اجرا شده و بازگشت سرمایه طی یک دوره ۲۰ ساله پیش‌بینی شده است. احداث این آزادراه به صورت EPC شامل تمامی فعالیت‌های مرتبط با طراحی، تأمین مصالح و ساخت بر عهده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء است.

با توجه به کوهستانی بودن منطقه آیا در پروژه آزادراه اراک-خرم‌آباد، تونلی هم احداث شده است؟

بله. از ویژگی‌های منحصر به فرد این پروژه، احداث

دو رشته تونل رفت و برگشت، جمعاً به طول ۶۱۸۰ متر، به عنوان بزرگ‌ترین تونل سه خطه آزادراهی کشور است که نقش میانبر را در مسیر بروجرد به خرم‌آباد ایفا می‌کند. این تونل‌ها با دارا بودن پارکینگ‌های توقف اضطراری و تجهیز به تمامی سامانه‌های الکترونیکی هدایت ترافیک، تهویه و اطفای حریق، سطح بالایی از ایمنی ترافیکی را ایجاد کرده‌اند.

با توجه به اینکه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) در اکثر پروژه‌های خود از نیروهای بومی منطقه استفاده می‌کند، در این پروژه میزان اشتغال‌زایی به چه میزان بوده است؟

میزان اشتغال‌زایی در این پروژه حدود ۲۵۰۰ نفر در دوران احداث و ۱۵۰ نفر در دوره بهره‌برداری است و سعی شده تا حد امکان از نیروهای بومی و ساکن منطقه برای کار در این پروژه استفاده شود.

یکی از پروژه‌های مهم این حوزه که قرارگاه اجرا کرده، پروژه آزادراه قم-مشهد، یا همان پروژه حرم تا حرم است. لطفاً در زمینه اهمیت این پروژه توضیح دهید.

در کریدورهای داخلی، مسیر ترانزیت غرب به شرق و بالعکس به دلیل وجود شهر مقدس مشهد و همچنین ترانزیت کالا بین مرزهای شمال شرق و بنادر جنوب غربی همواره در طول سال از بار ترافیکی سنگینی برخوردار است. این مسیر پس از ورود به شهر مقدس قم، در جهت شمال به طرف تهران ادامه یافته و سپس به شرق کشور و شهر گرمسار تغییر مسیر می‌دهد که علاوه بر افزایش طول مسیر و زمان سفر موجب افزایش ترافیک در مسیر قم-تهران و همچنین ایجاد گرهِ‌های ترافیکی در جنوب شرق پایتخت می‌شود. وزارت راه و شهرسازی به منظور رفع این معضل طراحی و ساخت مسیری جایگزین را در قالب پروژه عظیم آزادراهی در دستور کار خود قرار داد. این آزادراه به دلیل واقع شدن بین دو شهر زیارتی قم و مشهد و وجود بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه‌معصومه(س) و حضرت ثامن الحجج علی‌بن موسی‌الرضا(ع) در ابتدا و انتهای مسیر به نام آزادراه حرم تا حرم نام‌گذاری شد.

این پروژه چند کیلومتر و دارای چند قطعه است و تاکنون چه مقدار از آن به بهره‌برداری رسیده است؟

این آزادراه عظیم و راهبردی کشور در بخش‌هایی از راه باستانی ابریشم قرار دارد و از چهار استان قم، تهران، سمنان و خراسان رضوی عبور می‌کند و در بخش‌های مختلف با ویژگی‌های توپوگرافی کاملاً متفاوتی از دشت تا کوهستان روبه‌روست. در حال حاضر، این پروژه شامل سه قطعه می‌شود که قطعه اول آن، حد فاصل شهرهای قم-گرمسار به طول ۱۵۲ کیلومتر از آزادراه قم-کاشان آغاز شده و قبل از ورودی شهر گرمسار به بزرگراه تهران-گرمسار متصل می‌شود. تأمین منابع مالی، طراحی، تملک و ساخت قطعه قم-گرمسار از نیمه دوم سال ۱۳۹۱ با مشارکت قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) آغاز و در کمتر از دو سال در اسفند سال ۱۳۹۳ به بهره‌برداری رسید. دو قطعه دیگر از گرمسار به سمنان به طول ۱۱۴ کیلومتر و سه راهی تربت به مشهد به طول ۳۷ کیلومتر در حال اجراست و با همت تلاشگران این مجموعه در آینده نزدیک به بهره‌برداری خواهد رسید.

آزادراه حرم تا حرم نسبت به مسیر سابق چه مزیت‌ها و برتری‌هایی دارد؟

آزادراه حرم تا حرم سه خط عبور در هر سمت دارد و با آخرین استانداردهای روز دنیا احداث شده است. با بهره‌برداری کامل از این آزادراه علاوه بر کاهش ۸۵ کیلومتری مسیر، سوانح رانندگی، مصرف سوخت، هزینه ترانزیت کالا و مسافر و آلودگی پایتخت نیز کاهش می‌یابد. همچنین استفاده از مسیر جدید موجب تسهیل در ترافیک بین شهرهای قم-تهران و ترانزیت کالا و مسافر از غرب به شرق کشور و بالعکس خواهد شد.

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

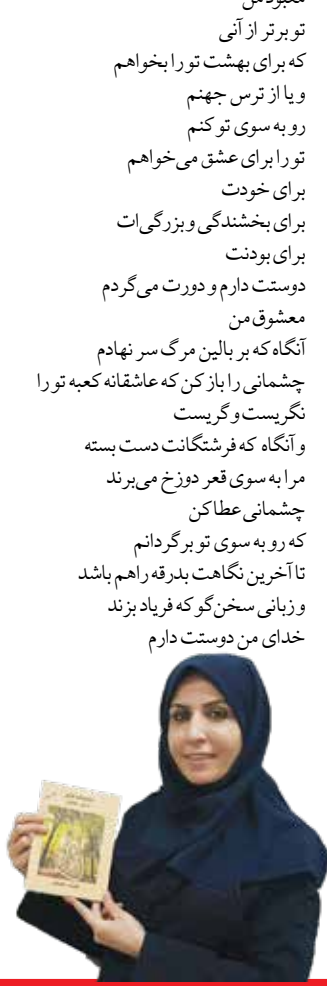
علی قاسمی، سیامک باقری، سعدالله زارعی،
فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح الله پریان،
محمدرضا مهدیار اسماعیلی، حسین عبداللهی فر
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۷۷۴۶۰۱۰۰ ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
تلفن: ۷۷۴۶۰۱۰۰ ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمایر: ۷۷۴۸۸۲۶۰
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
شماره ۱۰۲۹ | دوشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۰

کتیبه سبز

پرستار هنرمند خانم فهیمه حمیدی، در دو دفتر شعر به نام های «دلمشغولی های دختر جنگل» و «عاشقانه های دختر جنگل» اشعار سپید خود را به چاپ رسانده، که در این قسمت یکی از آن اشعار زیبای این پرستار دلسوز را می خوانید.

خانه دوست...

...الهی...
آنگاه که فرمودی بیا
قلبم تپیدن گرفت و در سینه تنگم جا نشد
آمدم با تمام تمنا و نیاز
با دلی پر از سوز و گداز
با دستانی که می لرزد
با سکوئی که فریاد می زند
و جسمی که تب دارد
بانک لیبیک به ندای تو زدم
من به امید نگاهت پر زدم
و حال که نویت رفتن است
قلبم اما با من نمی آید
به گمانم دور خانه ات
درون حجر اسماعیل
و یا حجر الاسود
شاید هم رکن یمانی
جا مانده است
درون همه مه ای از
فریاد الله
در شبه قیامت صفا و مروه
در اقیانوس راز و نیاز
غرق شده است
در دریایی از سفیدی احرام
معبود من
تو برتر از آنی
که برای بهشت تو را بخوام
و یا از ترس جهنم
رو به سوی تو کنم
تورا برای عشق می خواهم
برای خودت
برای بخشندگی و بزرگی ات
برای بودن
دوست دارم و دورت می گردم
معشوق من
آنگاه که بر بالین مرگ سر نهادم
چشمانی را باز کن که عاشقانه کعبه تو را
نگریست و گریست
و آنگاه که فرشتگان دست بسته
مرا به سوی قعر دوزخ می برند
چشمانی عطا کن
که رو به سوی تو برگردانم
تا آخرین نگاهت بدرقه راهم باشد
و زبانی سخن گو که فریاد بزند
خدای من دوست دارم



صبحانه

معجزه خودت باش

کسی که در انتظار معجزه است، بازنده ای بیش نیست. زندگی پر است از فرصت های منتهی، به موفقیت، پر است از راه های رسیدن به خوشبختی و آرامش! راه برای قدم برداشتن است، نه برای نشستن و انتظار کشیدن! انسان ساکن، خموده و افسرده است و انسان پویا، معجزه را با خود به ارمغان می آورد.



هنر درمانی برای توانمندسازی افراد دارای سندرم داون

کارداون و کارگشا

«محمدعلی باوند» یکی از هنرمندان تصویرساز جامعه است که در زمینه تأثیر هنر و هنر درمانی بر روی افراد دارای سندرم داون فعالیت های بسیاری داشته است. به عقیده او هنر درمانی راهی برای ابراز بیان و هیجانات فرد سندرم داون فراهم می کند و وسیله ای برای برقراری ارتباط اوست. او با مادر خود خانم بهنوش کیانی شاد مجموعه ای تأسیس کرده تا بتواند از این راه مشکلات افراد سندرم داون را کاهش دهد. خانم بهنوش کیانی شاد، مدیر اشتغال زایی و حرفه آموزی جوانان سندرم داون ایران است که از سال ۱۳۸۶ مسئول مددکاری کانون سندرم داون ایران و معلم اخلاق و تعاملات اجتماعی و هم اکنون مشاور خانواده و مدیریت گالری کارداون است. مهندس محمدعلی باوند نیز مدیریت ارتباط تصویری (تصویرسازی) و بازاریابی جوانان سندرم داون را برعهده دارد که از سال ۱۳۹۲ با کمک خانم پروین نظرآهاری (نکونظر) (رئیس هیئت مدیره) به فکر اشتغال زایی و حرفه آموزی از آنجایی که کودکان دارای نشانگان داون به دلیل

وجود مشکلات متعدد جسمانی روان شناختی، معمولاً بار روان شناختی زیادی را به والدین خود تحمیل می کنند و نگهداری این کودکان در خانواده انجام می شود و به همین دلیل تغییرات ساختاری، عملکردی و روان شناختی زیادی بر خانواده تحمیل خواهد شد، این کودکان به کندی تحول پیدا کرده و نیازمند مراقبت و توجه بیشتری هستند. آموزش هنرهای تجسمی در بسیاری از مشکلات کودکان به ویژه مشکلات مربوط به یادگیری آنها راهگشاست. در واقع آموزش هنرهای تجسمی می تواند فرآیند یادگیری و رشد تمام مهارت های مرتبط با یادگیری را تسهیل کند. استفاده از انواع برنامه های هنری به ویژه هنرهای تجسمی، چون سفال و نقاشی می تواند به طرق گوناگون در بهبود مشکلات افراد سندرم داون و افزایش کیفیت زندگی آنان مؤثر باشد. معمولاً بهتر است فعالیت های هنری چون موسیقی، نقاشی و سفالگری متناسب با نیازها و نقاط قوت و ضعف افراد سندرم داون باشد.



راه نرفته

ظرافت در عشق و ورزشی

محمد مفیدی

مشاور خانواده

ایجاد انس و الفت در خانه از وظایف مهم زوجین است؛ اما گاهی نیاز است که مرد در این زمینه نقش خود را بیشتر کرده و برای ایجاد گرمی و محبت رفتارهایی را پیش بگیرد.

گاهی باید با دقت تمام، همسرش را هنگام خانه داری، کار در آشپزخانه یا بچه داری زیر ذره بین بگیرد تا ببیند چه ریزه کاری ها و ظرافتی را هنرمندانه انجام داده و چه زحماتی را متحمل می شود. این کار می تواند در قدردانی از زن و داشتن توقعات منصفانه از وی و نیز درک او کمک شایانی به مرد کند. در نظر داشته باشید که حتما در تشکر از او اعلام کنید که گاهی بادقت، کارهای تو را زیر نظر دارم و متوجه می شوم که واقعاً زحمت زیادی در منزل می کنی. به یکی دو نکته از کارها نیز اشاره کنید. مثلاً بگویید: دیدم که هسر روز صبح لباس فرزندمان را عوض می کنی و او را مرتب سر میز صبحانه حاضر می کنی، یا لیوان ها را در گوشه کمد و استکان ها را در گوشه دیگر قرار دادی و چقدر این نظم تو زیاست....

این جملات اگر چه به نظر کوچک و بی اهمیت به نظر می رسد، اما به او انگیزه و اطمینان می دهد، چون می فهمد که این گونه کارها و نظم و ترتیب به چشم شما می آید و قدردان زحمات او هستید. این روش، زن را بسیار دلگرم کرده و برای آینده و سختی های زندگی به او انرژی داده و عاشقانه به تلاش خود در ساختن زندگی ادامه می دهد. گاهی اوقات هم در هنگام کمک کردن در کارهای خانه، از او بپرسید چگونه کاری را به انجام برسانید. یا وسایل را به چه صورت در کمد ها یا یخچال بگذارید. زن ها دلبده شدن را با نهایت ظرافت دوست دارند و از اینکه مورد توجه باشند لذت می برند، مخصوصاً وقتی تلاش های شان دیده شود. این نوع رفتار به فضای صمیمانه و گرم خانواده کمک خواهد کرد و او را در انجام بهتر و دقیق تر کارها سر ذوق می آورد.

صادقانه

پرورش بندگان

حضرت صدیقه طاهره (س) فرمودند: خداوند سبحان، ایمان و اعتقاد را برای طهارت از شرک و نجات از گمراهی ها و شقاوت ها قرار داد و نماز را برای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر مقرر کرد و زکات (و خمس) را برای تزکیه نفس و توسعه روزی تعیین؛ و روزه را برای استقامت و اخلاص در اراده، لازم دانست؛ و حج را برای استحکام اساس شریعت و بنای دین اسلام واجب کرد.

بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱

قبیله عشق

حر انقلاب اسلامی



سیدمجتبی هاشمی، فرمانده جنگ های نامنظم جنگ تحمیلی، گردانی به اسم فداییان اسلام درست کرده بود که چندی پس گروهان به نام های «شیران درنده»، «عقابان آتشین» و «آدم خوارها» داشت که گروهان آدم خوارها پسر از گنده لات ها و اراذل و اوباش و خلاف کارهای شهرهای مختلف کشور بود. مجید گاوی، مصطفی ریش، حسین کره ای و اصغر شعله ور که هر یک پرورنده ای در ارتکاب خلاف کاری مانند زورگیری، دزدی و اعتیاد داشتند با اشتیاق فراوان دوست داشتند عضو این گروهان شوند. شاهرخ ضرغام، فرمانده گروهان این قماش بود و تلاش می کرد راه درست و آشتی با خدا را یاد گروهانش بدهد. برای محک زدن دل و جرنست تک تک آنان، مأموریت یورش به قلب نیروهای بعثی و آوردن درجه و اسلحه فرماندهان نظامی عراقی را تعیین می کرد، آنها هم برای اثبات خود به شاهرخ خان با سر و گوش های بریده فرماندهان بعثی نزد فرمانده بر می گشتند. شاهرخ به پیشنهاد سیدمجتبی گروه «پیشرو» را تشکیل داد که در ماه های آغازین جنگ تحمیلی کنسار رزمنده ها کار اطلاعاتی می کرد و عراقی ها برای سرش ۱۱ هزار دینار عراقی جایزه تعیین کرده بودند.

به نقل از برادر شهید

شاهرخ ضرغام در یکم دی ماه ۱۳۲۷ دیده متولد شد. شاهرخ هیچ گاه زیر بار حرف زور و ناحق نمی رفت، دشمن ظالم و یار مظلوم بود. ۱۶ آذر ۱۳۵۹ بر اثر اصابت گلوله به سینه اش به شهادت رسید. روز بعد تلویزیون عراق پیکر غرق خونش را نشان داده بود و در حالی که سربازان عراقی کنار پیکرش لهله می کردند، گوینده عراقی ها می گفت: «ما شاهرخ، جلا د حکومت ایران را کشتیم و دیگر اثری از پیکرش پیدا نشد.»

حسن ختام

بیا و خانه دل را تکانی بده

حسن نوروزی

نویسنده

انسان مسافر است. برای همین از همان ابتدا که رخت دنیا بر تن می کند تا آن زمان که رخت برمی بندد، دارد برای خودش همسفری دست و پا می کند. چه بخواید، چه نخواید. انگار به او گفته اند تو مسافری و باید برای خودت رفیق و مونس و مصاحبی آماده کنی. همسفری از درون خودت؛ یعنی از خودت برای خودت همسفری بساز. برای روز تهایی ات. روزی که همه می آیند و می نشینند و فاتحه ای می خوانند و می روند. باید برای آن روز از میان دو همسفر یک کدام را انتخاب کنی؛ یا آن یکی که می آید و می گوید «من عمل صالح تو هستم» یا آن دیگری که می آید و می گوید: «من عمل قبیح تو هستم». یا صاحب الزمان (عج)، ترسم این است که رفیق قافله عمرم، سببات باشد و سیاهی این کتاب جانم، چرکنویس بدی ها، آقا جان بیا. بیا و این خانه دل را تکانی بده. بیا و دستی به زلف دل این حیران بکش. بیا که شما مظهر آیه تطهیرید.

سلامت

پذیرایی شب یلدا

زهرا وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه



توصیه می شود برای پذیرایی شب یلدا به جای غذاهای چرب و شیرین و پرنمک، مانند انواع شیرینی ها و آجیل شور و تنقلات فاقد ارزش تغذیه ای، از میوه های تازه و مغزهای بی نمک (مانند پسته، بادام، فندق، بادام زمینی و سایر مغزهای غیر شور) استفاده شود. همچنین توصیه می شود مصرف میوه و خشکبار سالم با اعتدال صورت گیرد تا از بروز سوء هاضمه و دیگر مشکلات ناشی از پرخوری جلوگیری به عمل آید. با توجه به اینکه تنقلات و خوراکی های شب یلدا حاوی مقادیر زیادی کالری است؛ بنابراین لازم است به نکات تغذیه ای بیشتر توجه کنید. شیرینی ها، کاکائوها و شکلات ها انرژی و چربی بالایی دارند، لذا بهتر است کمتر از آنها میل کنید. انار و هندوانه سرشار از ویتامین C و مواد معدنی مانند پتاسیم هستند که خوب است. در این شب به علت مصرف تنقلات، میوه ها و آجیل ها بهتر است شام سبک سرو شود. به جای تنقلاتی مثل چیپس، پفک و لواشک از آجیل ها و مغزهای کم نمک و تفت داده نشده استفاده کنید. آجیل ها را کاملاً بجوید که دچار سوء هاضمه نشوید. مصرف مایعات به دفع بهتر مواد مصرفی در شب یلدا کمک می کند. میوه ها قبل یا دو ساعت بعد از غذا مصرف شود. فاصله بین صرف غذا و خوابیدن دو ساعت باشد. بیماران کلیوی مراقب مقدار مصرف مایعات باشند و کمتر از هندوانه استفاده کنند. به بیماران دیابتی توصیه می شود که از برگه آلو و آلو خشک به جای توت خشک و کشمش استفاده کنند. افرادی که دارای تری گلیسیرید خون بالا هستند، بهتر است از مصرف مغزهای چرب مانند پسته، بادام و گردو خودداری کنند.

